

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

چرا ناراضی هستیم؟

گروه پژوهشی تبلیغی معراج

فهرست

- مقدمه: اهمیت و ضرورت جهاد تبیین..... ۱
- ✓ تعریف جهاد..... ۱
- ✓ تبیین، مهم‌ترین عرصه جهاد..... ۲
- ✓ حکم نائب امام زمان ۷ بر فریضه قطعی فوری..... ۴
- ✓ اخطار رهبر انقلاب، استحاله فرهنگی..... ۵
- ✓ به موقع بودن جهاد..... ۵
- ✓ اگر ما تبیین نکنیم دشمن تبیین می‌کند..... ۷
- ✓ ضرورت تبیین در پیچ‌های تاریخی مانند انتخابات..... ۸
- ✓ زمینه‌سازی برای ظهور..... ۸
- بخش اول: غفلت از هدف زندگی..... ۹
- ✓ آرامش فقط با یاد خدا..... ۹
- ✓ وابستگی ممنوع..... ۹
- ✓ حیات دنیا لهُو و لعب است..... ۱۰
- ✓ دنیا محل امتحان، تمرین و مسابقه..... ۱۰
- ✓ دنیا کشتزار آخرت..... ۱۱
- ✓ لذت در خارج وجود ندارد..... ۱۲
- بخش دوم: عدم شناخت مسیر و بی‌قراری..... ۱۴
- بخش سوم: عدم توجه به داشته‌ها..... ۱۸

➤ بخش چهارم: نداشتن ملاک صحیح در مقایسه ۲۰

✓ قسمت اول : در نظر نگرفتن شرایط ایران ۲۰

• دو قرن عقب گرد در زمان قاجار و پهلوی ۲۰

▪ زمان قاجار ۲۰

۱. عهد نامه گلستان ۲۰

۲. پیمان نامه ترکمانچای ۲۰

۳. قرارداد نفتی داریسی ۲۱

۴. قرارداد ۱۹۱۹ ۲۱

۵. قرارداد گلداسمیت ۲۲

۶. عهدنامه پاریس ۲۲

۷. عهد نامه آخال ۲۳

۸. تقسیم ایران بین روسیه و انگلستان در ۱۹۰۷ ۲۳

۹. احمد علاف در زمان مرگ نصف مردم ایران ۲۳

▪ زمان پهلوی ۲۴

۱. اشغال ایران در جنگ جهانی دوم ۲۴

۲. راه آهنی که به کار نیامد ۲۵

۳. رضاشاه و تقدیم نفت به انگلیسی ها ۲۶

۴. تقدیم بحرین، آارات، مرز شمال غرب، اترک، قسمتی از

سیستان و منطقه فیروزه ۲۷

۵. فساد اطرافیان و درباریان ۳۲

۶. رانت، رشوه و فساد مالی برادران خواهران فرزندان همسران

و درباریان پهلوی ۳۲

۷. ریخت و پاش‌های نجومی ۴۲

۸. کاخ‌های دودمان پهلوی ۴۴

۹. شاه دزدترین دزد تاریخ ۴۷

۱۰. دست و دلبازی برای بیگانه‌ها ۴۸

• موانع بعد از انقلاب ۵۰

(۱) ۸ سال جنگ تحمیلی ۲۴ سال توقف ۵۰

(۲) ترور مسئولین و نخبگان رده بالای کشور در اول شکل‌گیری

نظام ۵۲

(۳) گروهک‌ها و ترورهای داخلی و عملیات مرصاد ۵۹

(۴) ۴۴ سال تحریم و ۱۴ سال تحریم فلج‌کننده ۶۱

(۵) فتنه ۸۸ ۶۲

(۶) عقب‌گرد در دهه ۹۰ به علت تفکر غرب‌گرایی و وابستگی ۶۸

✓ قسمت دوم: در نظر نگرفتن شرایط کشورهای باصطلاح توسعه یافته ۷۴

۱. علت توسعه غرب ۷۴

✓ قسمت سوم: مقایسه نقاط قوت همه کشورها با نقاط ضعف ایران ۸۰

✓ قسمت چهارم: سرعت رشد یا رتبه ۹۱

• سرعت رشد علمی ۹۱

• شاخص توسعه انسانی ۹۲

✓ قسمت پنجم: عدم جامعیت شاخصه‌ها و تفاوت ساختار ۹۵

• شاخص فلاکت ۹۵

• ارزش پول ۹۸

• تولید ناخالص داخلی GDP ۱۰۲

• آزادی زنان ۱۰۳

➤ بخش پنجم: بی‌اطلاعی از دستاوردها و نقاط قوت کشورمان ۱۰۵

✓ قسمت اول: معنویت و دینداری ۱۰۵

✓ قسمت دوم: مادی ۱۰۸

○ زمان پهلوی ۱۰۸

○ دستاوردهای انقلاب اسلامی ۱۳۲

۱. آموزش ۱۳۲

۲. برق ۱۳۳

۳. دسترسی به وسایل ارتباطی ۱۳۴

۴. حوزه حمل و نقل ۱۳۴

۵. نهضت سواد آموزی ۱۳۶

۶. علمی ۱۳۷

۷. انرژی ۱۴۱

۸. صنعت ۱۴۲

۹. نظامی امنیتی ۱۴۳

۱۰. اقتدار نظامی ۱۴۳

- قدرت نظامی در زمان پهلوی..... ۱۴۳
- قدرت نظامی در زمان جمهوری اسلامی..... ۱۴۴
- ۱. نیروی انسانی..... ۱۴۴
- ۲. تجهیزات..... ۱۴۴
- ✓ موشک..... ۱۴۵
- ✓ پهپاد..... ۱۴۷
- ✓ پدافند هوایی..... ۱۴۸
- ✓ قایق‌های تندرو و زیردریایی‌های کوچک..... ۱۴۸
- ✓ بودجه دفاعی..... ۱۴۸
- ✓ قدرت نفوذ منطقه‌ای..... ۱۴۹
- ✓ سفر ۳۶۰ درجه به دور دنیا با کشتی ایرانی..... ۱۵۰
- ۱۱. بهداشت و درمان..... ۱۵۰
- ۱۲. مردم سالاری..... ۱۵۱
- ✓ آزادی و مردم سالاری در دوران پهلوی..... ۱۵۱
- ✓ آزادی و مردم سالاری در جمهوری اسلامی..... ۱۵۴
- ۱۳. اقتصاد..... ۱۵۶
- ✓ جنگ اقتصادی..... ۱۵۷
- ✓ شدت تحریم..... ۱۵۸
- ✓ ساختارهای زمان پهلوی باقی است و اصلاح نظام اقتصادی زمان
- می‌برد..... ۱۵۸

✓ ناکارآمدی شاخصه‌های جهانی برای توصیف واقعیت اقتصاد ایران

۱۶۰.....

✓ تفاوت اقتصاد ما با اقتصاد دنیا!..... ۱۶۱

✓ عدم رفاه یا توهم و احساس عدم رفاه؟..... ۱۶۱

✓ مبارزه مستمر با فقر..... ۱۶۳

✓ دولت انقلابی و تورم؟!..... ۱۶۳

✓ وضعیت مسکن..... ۱۶۴

✓ بد مسکنی..... ۱۶۵

✓ جریان نفوذ..... ۱۶۶

✓ بچه‌های شیکاگو..... ۱۶۷

✓ استفاده نکردن از ظرفیت‌ها..... ۱۶۹

➤ بخش ششم: غفلت از جنگ شناختی..... ۱۷۰

مقدمه: اهمیت و ضرورت جهاد تبیین

۱. تعریف جهاد:

از نظر رهبر معظم انقلاب:

جهاد یعنی چه؟ جهاد یعنی تلاش در مقابله‌ی با دشمن؛ هر تلاشی جهاد نیست. خیلی‌ها تلاش می‌کنند، تلاش‌های علمی زیادی می‌کنند، تلاش‌های اقتصادی می‌کنند که خوب و به‌جا است، اما جهاد نیست. جهاد یعنی تلاشی که هدف‌گیری در مقابل دشمن در آن وجود داشته باشد؛ این جهاد است. در اصطلاح اسلامی و منطق اسلامی، جهاد این [کاری] است که در مقابل دشمن انجام می‌گیرد. شما [اگر] کار اقتصادی بکنید برای مقابله‌ی با دشمن، می‌شود جهاد؛ کار علمی و تحقیقی بکنید برای مقابله‌ی با دشمن، می‌شود جهاد؛ حرف بزنید، تبیین کنید برای خنثی کردن وسوسه‌ی دشمن، می‌شود جهاد؛ این‌ها همه جهاد است. پس مهم این است که ما عرصه‌ی جهاد را تشخیص بدهیم که در هر زمانی در چه عرصه‌ای باید جهاد کرد؛ این خیلی مهم است. اشتباه نکنیم! گاهی اوقات بعضی‌ها -بنده مکرر مثال زده‌ام- مثل کسی که در یک سنگری قرار گرفته، بعد خوابش می‌برد، بعد از مدتی از خواب بیدار می‌شود، نمی‌داند دشمن کدام طرف است، دوست کدام طرف است، تفنگ را می‌گیرد طرف دوست؛ گاهی اوقات این جوری است؛ عرصه‌های جهاد را بعضی‌ها نمی‌شناسند؛ نمی‌دانند کجا باید حرکت کرد و اصلاً دشمن کدام طرف است، به کدام طرف بایستی نگاه کرد و کجا را آماج حمله باید قرار داد؛ مهم این است. (۱۴۰۰، ۱۱، ۳)

۲. تبیین، مهم‌ترین عرصه جهاد

در ادامه مطالب بالا آقا می‌فرمایند:

یک روز میدان، میدان نظامی است. مثل دوران دفاع مقدس، دوران دفاع از حرم؛ اینجا میدان، میدان نظامی است؛ آن روز خیلی‌ها وظیفه را تشخیص دادند و حرکت کردند و رفتند و وظیفه‌شان را انجام دادند -البته واجب کفائی بود؛ واجب عینی نبود- که البته در همین جا هم هیئت‌ها سنگ تمام گذاشتند که قبلاً عرض کردیم، و بسیاری از این رزمندگان ما و شهدای ما بچه‌های هیئت‌ها بودند که رفتند و به شهادت رسیدند؛ یک روز عرصه علم است و جهاد، جهاد علمی است، باید علم را بالا برد؛ یک روز عرصه فعالیت‌های اجتماعی است؛ یک روز عرصه خدمات اجتماعی است و خدمت به مردم. آن روزی که دشمن سعی می‌کند جامعه را در فشار اقتصادی قرار بدهد برای اینکه مردم را در مقابل اسلام، در مقابل نظام اسلامی قرار بدهد، آن روز اگر شما خدمت اقتصادی و اجتماعی به مردم بکنید، جهاد کرده‌اید در مقابل دشمن؛ لکن از همه‌ی اینها مهم‌تر عرصه تبیین و روشنگری است. اگر روشنگری بود، همه‌ی این عرصه‌های گوناگون در وقت خود و جای خود وضع‌شان روشن خواهد شد و مردان خودشان را پیدا خواهند کرد.

این را من از روی اطلاع عرض می‌کنم که امروز انبوهی از رسانه‌ها -نمی‌شود شمرد، بخصوص با این وضع فضای مجازی- با هزاران متخصص: متخصص هنر، متخصص رسانه، متخصص علوم ارتباطات، با پشتیبانی مالی انبوه، با پشتیبانی امنیتی انبوه در کارند؛ برای چه؟ برای اینکه در نظام جمهوری اسلامی افکار را برگردانند، مذاق‌ها را برگردانند، ایمان‌ها را و باورها را تضعیف کنند، تخریب کنند؛ این [جور] است. حالا دیگران برای کشورهای دیگر چه کار می‌کنند، آنها بحث‌های دیگری است؛ این مطلبی که من عرض می‌کنم، هدفی است متوجه به کشور ما، مردم ما، جمهوری اسلامی ما، باورهای ما، اعتقادات

ما. هزاران دستگاه دارند در این زمینه کار میکنند با پول‌های گزاف و پشتیبانی‌های گوناگون. خب، این یک حرکت شیطانی است و جبهه‌ی شیطان است (۳، ۱۱، ۱۴۰۰ دیدار با مداحان).

«در رأس نقشه‌های بدخواهان، تبلیغات و به قول خودشان پروپاگاندا است که علاج آن، تبیین صحیح حقایق از زبانهای مختلف و با ابتکار و نوآوری است چرا که راه برطرف کردن وسوسه تبلیغاتی اثرگذار بر ذهن جوان و نوجوان باتوم نیست بلکه تبیین و روشنگری است.» (۱۹، ۱۰، ۱۴۰۱)

برخی از ما فکر می‌کنیم منشأ نارضایتی‌های مردم و تزلزل ایمان‌هایشان و وضعیت نامطلوب معیشت یا اختلاس یا مسکن و ... می‌باشد؛ و اگر این‌ها برایشان تأمین بود مردم دین دار می‌شدند و حامی انقلاب اسلامی؛ در حالی که با اینکه این کار بجا و لازمی است ولی اگر این خا‌ها هم برای مردم پر شود اما دشمن واقعیات را معکوس جلوه بدهد و کاری کند که مردم خوبی‌ها را نبینند و یا فکر کنند خیلی بیشتر از این امکانات را مسئولین برای خودشان برداشته‌اند و در حق‌شان خیانت شده، یا دشمن طوری به مردم ما القاء کند که بدبخت‌ترین مردم نسبت به بقیه‌ی کشورها هستیم، (مثلاً اگر مادری به یکی از بچه‌هاش ۱ میلیون پول توجیبی بدهد و چند نفر بیایند و بگویند مادرت به سایر برادر یا خواهرهایت ۱۰ میلیون پول داده، نه تنها خوشحال از آن ۱ میلیون نخواهد شد بلکه ناراحت و عصبانی هم می‌شود) باز هم مردم ما نارضی خواهند بود و احساس فقر خواهند کرد و دین‌شان دچار تزلزل خواهد شد.

برخی دیگر فکر می‌کنیم مشکل از ضعف دین مردم است و اگر دین‌شان قوی شود مردم با حکومت همراهی می‌کنند در نتیجه باید برویم بچسبیم به درس دنبال اصول عقاید و فقه و اصول و فلسفه و ... تا آن علوم را به مردم انتقال دهیم و مردم دین‌شان قوی شود تا مردم راضی شوند و این حکومت اسلامی را همراهی کنند؛ در حالی که این مطلب زمانی صحیح است که شرایط عادی باشد نه زمانی که تمام

جبهه کفر با جنگ ترکیبی مخصوصاً جنگ شناختی به مقابله‌ی با اسلام شیعی با محوریت ایران آمده باشند.

۳. حکم نایب امام زمان علیه السلام بر فریضه قطعی فوری:

یکی از شعارهایی که ما دائماً سر داده‌ایم شعار «وای اگر خامنه‌ای حکم جهادم دهد» یا «ای رهبر آزاده آماده‌ایم آماده» است در حالی که رهبر انقلاب و ولی فقیه جامعه چند سالی است که حکم جهاد را صادر کرده و با کلمه «فریضه قطعی فوری» جای هیچ تردیدی درباره وجوب یا استحباب جهاد یا غیر فوری و فوری بودن جهاد را برایمان باقی نگذاشته چرا که فرمودند: «فریضه»، که به معنی واجب ضروری (مانند وجوب نماز خواندن) است و علاوه بر کلمه «فریضه» کلمه‌ی «قطعی» را از جهت تاکید بیشتر به آن اضافه کرده و همچنین در جلسات مختلفی این جملات را جهت تاکید بیشتر تکرار کرده.

حال شاید کسی (مخصوصاً طلاب) بگوید این درس‌هایی که می‌خواهیم هم در را ستای جهاد تبیین و در نتیجه راضی به آن شود و از تبلیغ مگر در ایام خاص اجتناب کند و اولویت نداند در حالی که آقا در محرم ۱۴۰۲ در جمع طلاب و روحانیون فرمودند تبلیغ را بر درس اولویت بدهید. این یعنی درس خواندن چیزی است و تبلیغ و تبیین و روشنگری برای مردم چیز دیگر و نباید اینها را به حساب دیگری نوشت.

حال اگر کسی این فرمان و ندا را بشنود و وارد عرصه تبلیغ و جهاد تبیین نشود مانند کسی است که روز عاشورا صدای ابی عبدالله علیه السلام را شنید و به کمک او نرفت.

زمانی که حضرت ندا برآورد «هل من ناصر ینصرنی» یا در زیارت عاشورا می‌خوانیم «ولعن الله أمه سَمِعَتْ بذلک فرَضِیتُ به» لعنت کند خدا امتی را که ماجرای کربلا را شنیدند و راضی به آن شدند.

عکس حاج قاسم نقطه اشتراک خیلی هاست؛ حتی غیرمذهبی‌ها!

اما وصیت نامه حاج قاسم نقطه شروع غربال خیلی هاست؛ حتی مذهبی‌ها!

همان جایی که می‌گوید: «والله والله والله از مهمترین شئون عاقبت به خیری، رابطه قلبی و دلی و حقیقی ما با

این حکیمی است که امروز سکان انقلاب را به دست دارد...!»

حال ما از خودمان بپرسیم؛ آیا رابطه دلی و حقیقی با ولّیمان داریم؟

۴. اخطار رهبر انقلاب: استحاله‌ی فرهنگی

رهبر انقلاب در سال ۷۱ تهاجم فرهنگی را مطرح کردند و فرمودند دشمن از بعد جنگ تحمیلی جنگ فرهنگی را شروع کرده و ما در تهاجم فرهنگی از سوی دشمن قرار داریم..... سپس مدتی بعد شبیخون فرهنگی و قتل عام فرهنگی و تشکیل ناتوی فرهنگی را مطرح کرده و هشدار دادند و سال‌های پی‌درپی (از سال ۷۱ تا ۹۷ به تعداد ۱۲ بار) آذیر خطر کشیدند و جدیداً در دیدار تیر ماه ۱۴۰۲ در جمع طلاب و روحانیون فرمودند اگر غفلت از تبلیغ بکنیم به فرموده امام استحاله فرهنگی رخ خواهد داد که اگر رخ دهد اسلام سیلی خواهد خورد که تا سال‌های متمادی تاثیرات آن باقی خواهد ماند. فلذا در این سخنرانی بود فرمودند تبلیغ را بر درس اولویت بدهید.

۵. جهاد به موقع

یکی از مهم‌ترین مسائلی که در جهاد باید مورد توجه قرار داد به موقع بودن و به تأخیر نیانداختن جهاد است در این موضوع رهبر معظم انقلاب در سخنرانی‌های مکرر به این موضوع اشاره کرده و مورد توجه قرار داده‌اند. برای نمونه در دیدار با مردم قم فرمودند:

«کار را به لحظه باید انجام داد. تواین برای انتقام خون مطهر امام حسین (علیه السلام) آمدند جنگیدند، کشته شدند، همه شان کشته شدند، اما در تاریخ اینها را مدح نمی کنند. چرا؟ چون دیرجنبیدند. شما که می خواستید خونتان را در راه امام حسین بدهید، چرا در اول محرم، دوم محرم نیامدید، یک کاری اقلأ صورت بدهید؟ آنجا می ایستید تماشا می کنید، امام حسین به شهادت می رسد، بعد دلتان می سوزد، آن وقت می آید در میدان. این کار را به هنگام انجام ندادن این جور است. کار را به هنگام باید انجام داد. نباید غفلت کنیم از وظیفه ای که عقل و شرع به عهده ی ما گذاشته. باید بدون تأخیر وارد میدان بشویم. نباید تأخیر داشته باشیم. آن وقت به تناسب اهمیتی که آن کار دارد، خطرات را به جان بخریم.» (۱۹/۱۰/۱۴۰۱)

قیام تواین مربوط به ایامی می شود که امام حسین (ع)، به دعوت اهالی کوفه قصد عزیمت به عراق را داشتند به همین دلیل نائب خودشان حضرت مسلم (ع) را پیش از خود و برای رصد شرایط به این شهر فرستادند. شرایط به گونه ای پیش رفت که نائب امام حسین (ع) پیش از رسیدن امام، به اهالی کوفه دستور قیام دادند؛ اما برخی خواص از جمله «سلیمان بن صرد خزاعی» - که در آن زمان از فقها و مراجع بزرگوار بود - هنگام قیام حضرت مسلم بن عقیل (ع)، او را یاری نکردند و حتی حرکت او را مکروه اعلام کردند و گفتند؛ صبر می کنم خود امام حسین (ع) بیاید و به همراه او قیام کنم!

پس از واقعه کربلا سلیمان بن صرد خزاعی متوجه اشتباهش شد و در نهایت با جمعی از همراهانش سعی کرد جهادی را که در وقتش انجام نداده بود به فعلیت برساند، بنابراین با شامیان وارد جنگ شدند؛ که در نتیجه این جنگ بخش عظیمی از نیروهای سلیمان کشته شدند ولی خونهای ریخته شده هیچ اثری در تاریخ نگذاشت. بنابراین می توان یکی از مهمترین ویژگی های جهاد را زمان شناسی و انجام به موقع آن دانست.

۶. اگر ما تبیین نکنیم دشمن تبیین می‌کند

رهبر معظم انقلاب در این باره می‌فرماید: «شما روایت کنید حقایق جامعه‌ی خودتان و کشور خودتان و انقلاب‌تان را. شما اگر روایت نکنید، دشمن روایت می‌کند؛ شما اگر انقلاب را روایت نکنید، دشمن روایت می‌کند؛ شما اگر حادثه‌ی دفاع مقدس را روایت نکنید، دشمن روایت میکند، هر جور دلش می‌خواهد؛ توجیه می‌کند، دروغ می‌گوید آن هم ۱۸۰ درجه خلاف واقع؛ جای ظالم و مظلوم را عوض میکند.» (۲۱/۰۹/۱۴۰۰)

برای درک این مطلب کافی است گفتگوی ساده‌ای با مردم داشته باشیم و بحث پیشرفت و کارآمدی نظام رو در هر موضوعی مطرح کنیم و حتما تجربه هم کرده‌ایم و از وضعیت آگاهی‌ایم که چقدر دشمن در روایتگری موفق عمل کرده و جای پیشرفت را با پس رفت، جای جلاد را با شهید، جای آزادی را با دیکتاتوری، جای قوت را با ضعف، جای قله را با دره، جای عزت را با ذلت، جای اکثر را با اقل و اقل را با اکثر و... عوض کرده و چقدر تلاش و جهاد نیاز دارد تا حقایق در ذهن مردم و در مواردی حتی خواص متدین، آشکار شود.

آیا مردم ما از مبانی انقلاب و اهدافش را می‌دانند؟

آیا مردم ما «نزدیک قله‌هاییم» را قبول دارند؟

آیا مردم ما «ایران قوی» را قبول دارند؟

آیا مردم ما «رشد بالای معنویت» را قبول دارند؟

آیا مردم ما «سلامت اکثر مسئولین کشور» را قبول دارند؟

همه این‌ها و بیشتر از این‌ها نیاز به تبیین و روایتگری دارد که چون ما روایت قوی و کافی نکرده‌ایم، متأسفانه دشمن تبیین کرده است.

۷. ضرورت تبیین در پیچ‌های تاریخی مانند انتخابات

«مقام معظم رهبری دام ظلّه: همه کسانی که مخاطبانی دارند وظیفه دارند مردم را به انتخابات دعوت کنند» (۱۴۰۲، ۱۰، ۰۲).

«حضور مردم در صحنه؛ این باید ترویج بشود. هر کسی صدایی دارد هر کسی زبان گویایی دارد؛ هر کسی مخاطبی دارد، هر کسی می‌تواند اثر بگذارد باید روی این زمینه کار کند. و تواصوا بالحق. این حق است. تواصی به حق وظیفه همه است» (۱۹ دی ۱۴۰۲)

✓ چرایی مهم بودن انتخابات در کشور:

اگر حضور پُرشور مردم در انتخابات باشد، این وحدت ملی را نشان می‌دهد، این انگیزه‌ی ملت ایران را برای حضور در صحنه نشان می‌دهد؛ انگیزه‌ی ملت ایران و وحدت ملی، قدرت ملی به وجود می‌آورد؛ قدرت ملی موجب امنیت کشور می‌شود؛ وقتی کشور امنیت پیدا کرد، آن‌وقت علم در آن کشور پیشرفت می‌کند، اقتصاد در آن کشور به شکوفایی می‌رسد، مشکلات گوناگون فرهنگی و اقتصادی و سیاسی در کشور قابل حل می‌شود؛ مشارکت یک چنین معجزه‌ای می‌کند.

انتخابات نوعی رفراندوم است و دشمن چشم امید به شرکت ضعیف مردم دارد.

۸. زمینه سازی برای ظهور

ظهور به این معنی نیست که با آمدن یک امام معصوم قرار است تمام مشکلات حل شوند؛ و بشر به خو شبختی و آرامش برسد. اگر اینگونه بود، زمان حکومت پیامبر ﷺ و علی علیه السلام این اتفاق افتاده بود. زمینه ظهور یعنی رشد معنوی و فکری بشریت و وجود تمدن اسلامی که لازمه آن وجود جامعه اسلامی و رسیدن به آن در سایه‌ی رشد فکری و تبیین است.

بخش اول : غفلت از هدف زندگی

دیدگاه ما به دنیا چگونه باید باشد؟ (انسان شناسی و جهان بینی)

۱. آرامش فقط با یاد خدا

علت آرامش قلب مؤمن چیست؟

➤ اَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ (۲۸ رعد)

➤ مَا يَفْتَحِ اللَّهُ لِلنَّاسِ مِنْ رَحْمَةٍ فَلَا مُمْسِكَ لَهَا وَ مَا يُمْسِكُ فَلَا مُرْسِلَ لَهُ مِنْ بَعْدِهِ (فاطر، ۲)

چون خدا رحمتی را برای مردم بگشاید، بازدارنده‌ای برای آن نیست، و چون باز دارد، بعد از او فرستنده‌ای برایش وجود ندارد، و او توانای شکست ناپذیر و حکیم است.

➤ قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: رَأْسُ طَاعَةِ اللَّهِ الرِّضَا بِمَا صَنَعَ اللَّهُ فِيهِمَا أَحَبُّ الْعِبَادُ وَ فِيهِمَا كَرِهٌ وَ لَمْ يَصْنَعْ اللَّهُ بَعْدَ شَيْئاً إِلَّا وَ هُوَ خَيْرٌ لَهُ

بالاترین اطاعت از خدا، رضایت از کار او ست، در هرچه بنده خوش دارد و در آنچه ناخوش دارد و البته خدا هیچ کاری انجام نمی دهد مگر اینکه خیر و صلاح بنده در آن است.

➤ وَمَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكاً وَ نَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى (طه ۱۲۴)

یعنی هر کس (استثنا هم ندارد چه فقیر چه ثروتمند چه سالم چه مرض، چه آزاد چه اسیر، چه مشهور چه مجهول، چه قوی چه ضعیف) از ذکر خدا روی بربتابد زندگی بر او تنگ و سخت خواهد شد. میبینی در کاخ زندگی میکند ولی آرامش ندارد و دچار افسردگی ست.

۲. وابستگی ممنوع

امیرالمومنین علیه السلام در فرازی از مناجات شعبانیه می فرماید:

➤ إِلَهِي هَبْ لِي كَمَالَ الْإِنْقِطَاعِ إِلَيْكَ

در این فراز مشهور از دعا، امیرالمؤمنین علیه السلام که الگو و پیشوای شیعیان عالم هست افق فکری مهمی را برای انسان باز میکند و آن اینکه هدف انسان باید انقطاع از غیر خدا بوده و به هیچ چیزی غیر از خدا وابسته نباشد.

➤ (لَكَيْلًا تَأْسَوْا عَلَى مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ) (طه، ۲۳)

وابسته نبودن یعنی مهم نبودن و مهم نبودن یعنی بود و نبودش فرقی به حالمان نداشته باشد. البته این قله است و طبیعتاً در اول کار ممکن پذیر نیست و باید کوه‌هایی را پشت سر گذاشت تا به قله رسید.

➤ مثال تار عنكبوت

مثال وابستگی های این دنیا مثل تارهای عنکبوتی ست که دور طعمه پیچیده میشود و شکار را اسیر و گرفتار می‌کند. هرچقدر تار بیشتر درصد احتمال رهایی کمتر

۳. حیات دنیا لهو و لعب است

دنیا بریده از آخرت، بازی کردن و بیهوده‌گی است.

➤ اَعْلَمُوا أَنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهُمْ زِينَةٌ وَتَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ وَتَكَاثُرٌ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ ۖ كَمَثَلِ غَيْثٍ أَعْجَبَ الْكُفَّارَ نَبَاتُهُ ثُمَّ يَهِيجُ فَتَرَاهُ مُصْفَرًّا ثُمَّ يَكُونُ حُطَامًا ۖ وَفِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَمَغْفِرَةٌ مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانٌ وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ (حدید، ۲۰)

۴. دنیا محل امتحان، تمرین و مسابقه

➤ الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا ۖ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْغَفُورُ (ملک، ۲)

آنکه مرگ و زندگی را آفرید تا امتحان کند شما را به جهت اینکه روشن شود کدامیک بهترین عملکرد را خواهد داشت.

➤ عنه عليه السلام : المؤمنُ الدُّنْيَا مِضْمَارُهُ ، وَ الْعَمَلُ هِمَّتُهُ ، وَ الْمَوْتُ تَحَفُّتُهُ ، وَ الْجَنَّةُ سُبْقَتُهُ . الْكَافِرُ الدُّنْيَا جَنَّتُهُ ، وَ الْعَاجِلَةُ هِمَّتُهُ ، وَ الْمَوْتُ شَقَاوَتُهُ ، وَ النَّارُ غَايَتُهُ (غرر الحکم : ۱۹۴۵ و ۱۹۴۶).

امام علی علیه السلام : دنیا، میدان تمرین و مسابقه مؤمن است و عمل، هم و غم او و مرگ، ارمغانی برای او و بهشت، جایزه او؛ دنیا بهشت کافراست و لذت های گذرا، دغدغه و همت او و مرگ مایه بدبختی او و آتش دوزخ فرجام او.

➤ سَابِقُوا إِلَى مَغْفِرَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا كَعَرْضِ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ أُعِدَّتْ لِلَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ ۚ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ ۚ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ (حدید، ۲۱)

➤ وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ (واقعہ، ۱۰ و ۱۱)

➤ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : الدُّنْيَا سِجْنُ الْمُؤْمِنِ وَ جَنَّةُ الْكَافِرِ فَأَمَّا الْمُؤْمِنُ فَيُرَوِّعُ فِيهَا وَ أَمَّا الْكَافِرُ فَيَمْتَنِعُ فِيهَا.

دنیا زندان مؤمن است و بهشت کافر، مؤمن در آن هراسد و کافر از آن بهره برد.

۵. دنیا کشتزار آخرت

➤ قَوْلَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : الدُّنْيَا مَزْرَعَةُ الْآخِرَةِ.

➤ مَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الْآخِرَةِ نَزِدْ لَهُ فِي حَرْثِهِ ۖ وَمَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَمَا لَهُ فِي

الْآخِرَةِ مِنْ نَصِيبٍ (شوری، ۲۰)

➤ مثل کشتی و دریا

مَثَل این دنیا مانند آب دریاییست که اگر زیر کشتی وجود انسان نباشد، کشتی را نمی‌تواند به مقصد خود برساند و اگر زیاده از حد وارد کشتی شود باعث غرق شدن کشتی میشود.

آب در کشتی هلاک کشتی است

آب اندر زیر کشتی پستی است

در نتیجه با آب دریا(دنیا) باید معامله‌ی ابزاری کرد و وابسته آن نشد.

➤ الإمام الكاظم عليه السلام: إِنَّ لُقْمَانَ قَالَ لِابْنِهِ : ... يَا بُنَيَّ ، إِنَّ الدُّنْيَا بَحْرٌ عَمِيقٌ ، قَدْ غَرِقَ فِيهَا عَالَمٌ كَثِيرٌ ، فَلَتَكُنْ سَفِينَتَكَ فِيهَا تَقْوَى اللَّهَ ، وَحَشْوُهَا (بار و بُنه اش) الْإِيمَانَ ، وَشِرَاعُهَا (بادبان) التَّوَكُّلَ ، وَقِيَمُهَا (ناخدایش) الْعَقْلَ ، وَدَلِيلُهَا (راهنما) الْعِلْمَ ، وَسُكَّانُهَا (فرمانش) الصَّبْرُ (

۶. لذت در خارج وجود ندارد

اصلاً لذت دنیا در خارج وجود ندارد و لذت و درد در بیشتر موارد ذهنی و توهمی است.

مثلاً در موارد بسیاری مشاهده کرده‌ایم که شخصی که خیلی از امکانات را ندارد خیلی راضی‌تر از شخصی است که صاحب خیلی از امکانات مادی است در حالی که اگر لذت دنیا در خارج از وجود ما بود ، شخصی که امکانات دنیایی داشت باید لذت بیشتری داشت.

➤ مثل لذت دنیا در خارج مثل لطیفه‌ی امام زاده‌ی در بصره هست. «اون کدوم امام‌زاده‌ای هست که در

بصره بالای مناره خرس اون رو خورد؟»

در حالی که امام زاده نبود، پیامبر زاده بود

بصره نبود، کنعان بود

بالای مناره نبود، ته چاه بود

خرس نخورده بود، گرگ بود

و شاهد مثال ما اینکه از اصل ماجرا دروغ بود و اصلاً یوسف نبی را گرگ نخورده بود

در مثال ما هم اصلاً این همه از دنیا بحث می شود که وابسته نشویم، ناراحت از دست دادن نشویم و... در حالی که اگر انسان بداند که لذت و رنج دنیایی ساخته‌ی ذهن من است و اگر ذهنم را کنترل کنم دیگر درد و لذت توهمی به من عارض نخواهد شد و لذت‌ها و رنج‌های من علت واقعی خواهد داشت نه توهمی.

➤ زندگی دنیایی در بیرون نیست، مثال سنگ و آب در کاسه و حوض

بخش دوم : عدم شناخت مسیر و بی‌قراری

۱. کشتی حضرت نوح

ما در حال ساختن کشتی نوح هستیم، کشتی نوح وقتی ساخته میشد برخی میگفتند یعنی چه؟ چه فایده ای دارد؟ وقتی طوفان آمد فایده‌اش معلوم شد. شاید خیلی از اقدامات امروز خوب دیده نشود ولی فردا که ثمره‌ی خود را نشان داد و هوشمندان جامعه می‌توانند این فردا را نشان بدهند؛ این همان فردایی است که حضرت آقا می‌بیند و می‌فرمایند ما نزدیک قلّه هستیم و امیدوار هستیم. این یک نگاه واقعی و دقیق است.

۲. مشهد و بیابان‌های سمنان

فرض کنید تور مسافرتی قرار است ما را به مشهد مقدس ببرد و بعد از ۴ ساعت کسی اعتراض می‌کند که چه شد پس شما گفته بودید ما را مشهد می‌برین، اینجا که بیابان است. در این صحنه کسی که اطلاع از طولانی بودن راه دارد نه تنها این سوال برایش پیش نمی‌آید بلکه از اعتراض شخص معترض تعجب هم می‌کند. حتی اگر در مسیر به جای بیابان، جای سرسبز هم بود، شخص آشنا به مسیر گول نمی‌خورد و دلخوش به این زیبایی موقت نمی‌شود.

برای ساخت یک تمدن، ۴۰ یا ۵۰ سال، زمان زیادی در بین جامعه شناسان محسوب نمی‌شود بلکه ساخت تمدن حدوداً ۳۰۰ سال زمان نیاز دارد تا حکومتی بتواند جامعه خود را با ساختار مطلوب خود اداره کند.

۳. مراحل و منزل‌های طی شده و پیش روی انقلاب

ایجاد این قدرت الهی و اسلامی، امر بسیار دشواری است. این چیزی که الآن پیش آمده و شما می‌توانید از طریق آن، این هدف‌ها را تحقق ببخشید، آسان به دست نیامده است. صدها شرط و صدها موقعیت باید ردیف شوند و کنار هم قرار گیرند تا حادثه‌ای مثل انقلاب اسلامی بتواند رخ دهد. این طور نبود که در هر زمانی، در هر شرایطی، در هر کشوری، چنین حادثه‌ای بتواند پیش بیاید؛ نه. در تاریخ ما، در وضع زندگی ما، در مردم ما، در ارتباطات اجتماعی ما، در اعتقادات ما، در وضع حکومت ما، در وضع جغرافیایی ما، در ارتباطات سیاسی و اقتصادی عالم، آن قدر حوادث فراوان کنار هم قرار گرفت تا شرایط آماده شد برای این که انقلاب اسلامی به وجود آید و پیروز شود. این شرایط، آسان به دست نمی‌آید. این همه شرایط با همدیگر مجتمع شوند تا چنین چیزی پیش آید؛ چیز بسیار مستبعدی است. البته نه این که ممکن نیست - قطعاً اگر شرایط را پیش بیاورند، در همه جا ممکن است - لیکن در کشور ما به هر حال این شرایط پیش آمد و شد؛ و این پدیده بسیار مغتنم و دیرپاب و عجیبی است، باید قدر این را دانست.

✓ انقلاب اسلامی

ما می‌خواهیم آن نظامی، آن تشکیلاتی و آن حکومتی را که بتوان این هدف‌ها را در آن محقق کرد، به وجود آوریم. این یک فرآیند طولانی و دشواری دارد و شروع از انقلاب اسلامی است. البته انقلاب که می‌گوییم، حتماً به معنای زد و خورد و شلوغ کاری و امثال اینها نیست؛ برخلاف آن برداشت‌هایی است که می‌بینیم در بعضی از نوشته‌ها خوشه‌شان می‌آید با کلمه‌ی انقلاب بازی کنند! گاهی می‌خواهند انقلاب را به معنای شورش، اغتشاش، بی‌نظمی و بی‌سامانی وانمود کنند و بگویند ما انقلاب نمی‌خواهیم؛ یعنی انقلاب چیز بدی است! این برداشت‌های غلط از انقلاب است. انقلاب یعنی دگرگونی بنیادی. البته این دگرگونی بنیادی در اغلب موارد بدون چالش‌های دشوار و بدون زورآزمایی، امکان‌پذیر نیست؛ اما معنایش این نیست

که در انقلاب حتماً بایستی اغتشاش و شورش و امثال اینها باشد؛ نه، ولی هر شورش و هر اغتشاش و هر تهیج عام و توده‌ای هم معنایش انقلاب نیست؛ هر تحولی هم معنایش انقلاب نیست؛ انقلاب آنجایی است که پایه‌های غلطی برچیده میشود و پایه‌های درستی به جای آن گذاشته میشود. این قدم اول است.

✓ نظام اسلامی

انقلاب که تحقق پیدا کرد، بلافاصله بعد از آن، تحقق نظام اسلامی است. نظام اسلامی، یعنی طرح مهندسی و شکل کلی اسلامی را در جایی پیاده کردن. مثل این که وقتی در کشور ما نظام سلطنتی استبدادی فردی موروثی اشرافی وابسته برداشته شد، به جای آن، نظام دینی تقوایی مردمی گزینشی جایگزین می شود؛ با همین شکل کلی که قانون اساسی برایش معین کرده، تحقق پیدا می کند؛ یعنی نظام اسلامی.

✓ دولت اسلامی

بعد از آن که نظام اسلامی پیش آمد، نوبت به تشکیل دولت اسلامی به معنای حقیقی می رسد؛ یا به تعبیر روشن تر، تشکیل منش و روش دولتمردان - یعنی ماها - به گونه اسلامی، چون این در وهله اول فراهم نیست، بتدریج و با تلاش باید به وجود آید. مسئولان و دولتمردان باید خودشان را با ضوابط و شرایطی که متعلق به یک مسئول دولت اسلامی است، تطبیق کنند. یا چنان افرادی - اگر هستند - سر کار بیایند؛ یا اگر ناقصند، خودشان را به سمت کمال در آن جهت حرکت دهند و پیش ببرند. این مرحله سوم است که از آن تعبیر به ایجاد دولت اسلامی می کنیم. نظام اسلامی قبلاً آمده، اکنون دولت باید اسلامی شود. دولت به معنای عام، نه به معنای هیأت وزراء؛ یعنی قوای سه گانه، مسئولان کشور، رهبری و همه.

✓ جامعه اسلامی

مرحله‌ی چهارم - که بعد از این است - کشور اسلامی است. اگر دولت به معنای واقعی کلمه اسلامی شد، آنگاه کشور به معنای واقعی کلمه اسلامی خواهد شد؛ عدالت مستقر خواهد شد؛ تبعیض از بین خواهد رفت؛ فقر بتدریج ریشه‌کن می‌شود؛ عزّت حقیقی برای مردم به وجود می‌آید؛ جایگاهش در روابط بین‌الملل ارتقاء پیدا میکند؛ این میشود کشور اسلامی.

✓ تمدن اسلامی

از این مرحله (جامعه اسلامی) که عبور کنیم، بعد از آن، دنیای اسلامی است. از کشور اسلامی میشود دنیای اسلامی درست کرد. الگو که درست شد، نظایرش در دنیا به وجود می‌آید.

تمدن اسلامی یعنی آن فضایی که انسان در آن فضا از لحاظ معنوی و از لحاظ مادی می‌تواند رشد کند و به غایات مطلوبی که خدای متعال او را برای آن غایات خلق کرده است برسد؛ زندگی خوبی داشته باشد، زندگی عزتمندی داشته باشد، انسان عزیز، انسان دارای قدرت، دارای اراده، دارای ابتکار، دارای سازندگی جهان طبیعت؛ تمدن اسلامی یعنی این.

بخش سوم : عدم توجه به داشته‌ها

➤ وَإِنَّ رَبَّكَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَشْكُرُونَ (نمل، ۷۳)

یکی از علت‌هایی که باعث می‌شود انسان از وضعیت خودش در این دنیا ناراضی باشد از یاد بردن داشته‌های خودش است.

چه بسیار داشته‌هایی که زمانی آرزویمان بود و حال، بعد از رسیدن به آن، بلکه بالاتر از آن به داشتن آنها عادت کرده‌ایم و از آن غافلیم.

چه بسیار داشته‌هایی که خیلی از مردم از آن محرومند. مانند سلامتی خودمان و نزدیکانمان که خیلی‌ها حاضرند برای بدست آوردن آن همه‌ی دنیایشان را بدهند.

چه بسیار داشته‌هایی که مردم گذشته از آن بی‌نصیب بودند و آرزو داشتند بعضی از آنچه که ما داریم را داشتند.

یک نمونه از اشخاص خوشبخت و مرفه، پادشاهان قدیم هستند. در حالی که وضعیت خیلی از افراد متوسطی که در این زمان زندگی می‌کنند؛ از بسیاری از پادشاهان بهتر و پیشرفته‌تر است.

مثلاً: مسافرت‌های چند ماهه و بعضاً چند ساله‌ی زجرآور قدیم کجا و مسافرت‌های ساعتی به دورترین نقاط الان کجا؟

سیستم رفاه سرمایشی و گرمایشی مانند یخچال، فریزر، بخاری و کولر گازی و برقی و آبی الان کجا و قدیم کجا؟

دسترسی به آب شیرین، گاز و برق، آن هم در خانه‌های الان کجا و از چشمه آب آوردن و هیزم برای آتش

جمع کردن و چراغ نفتی روشن کردن‌های قدیم کجا؟

دسترسی به علم و آموزش علم با ابزارهای پیشرفته الان کجا و قدیم کجا؟

سیستم پزشکی پیشرفته الان کجا و مرگ و میرهای نامعلوم قدیم کجا که گاهی اوقات تعداد مردگان نوزاد و

کودک خانواده‌ها بیشتر از باقی مانده‌ها بود.

ناامنی و کشته شدن و چپاول اموال و جنگ‌های قدیم کجا و امنیت الان ایران کجا؟

دسترسی به امکانات حمل و نقل پیشرفته الان کجا و گاری و الاغ‌های قدیم کجا؟

دسترسی به میوه‌های چهار فصل و غذاهای متنوع امروزی کجا و قحطی‌ها و در حسرت ماندن‌های میوه و

سالی یک بار برنج در عید نوروز خوردن ایرانی‌ها کجا؟

دسترسی به کامپیوتر و گوشی و اینترنت و تلویزیون و رادیو و... الان کجا و قدیم کجا؟

ارتباط با فامیل و آشنایان و... به صورت تصویری و صوتی الان کجا و بی‌خبری از نزدیکترین افراد

خانواده‌ی دور افتاده از خانه در قدیم کجا؟

گسترده‌ی شغلی الان کجا و کارهای متعین قدیم کجا؟

و صدها و صدها نعمت‌های بیشمار که خداوند رحمان نصیب ما کرده ولی در اثر ندیدن آنها به جای بنده

شاکر بودن کفر پیشه کرده‌ایم و دنیا و آخرتمان را خراب.

البته باید در نظر داشت که از بعضی از این پیشرفت‌ها می‌توان بد استفاده کرد و به خود و دیگران ضرر زد

و می‌توان به سود خود و دیگران منتفع شد و این دست خود انسان است.

بخش چهارم: نداشتن ملاک صحیح در مقایسه

۱. قسمت اول : در نظر نگرفتن شرایط ایران

مثال مسابقه دو میدانی:

در یک مسابقه دو میدانی، زمانی رتبه دهنده نشانگر قدرت اوست که نقطه شروع مسابقه برای همه یکی باشد.

آمریکا و کشورهای اروپایی صدها سال پیش حرکت خود را با غارت کشورهای دیگر شروع کرده‌اند.

جمهوری اسلامی فقط ۴۵ سال پیش این مسابقه را بعد از بی‌کفایتی شاهان قاجار و پهلوی با کوله باری از عقب ماندگی‌ها شروع کرده است.

۱. دو قرن عقب گرد در زمان قاجار و پهلوی

✓ زمان قاجار

✓ قراردادهای ننگین:

۱. عهد نامه گلستان:

به دنبال شکست ایران در جنگ در قفقاز جنوبی و آذربایجان امضا شد؛ و طی آن برخی قلمروهای دولت قاجار در قفقاز شامل خدمات ایروان و نخجوان از حکومت ایران سلب و به روسیه واگذار شد. ایران حق کشتیرانی در دریای خزر را از دست داد و ملزم به پرداخت ۱۰ کرور تومان به عنوان غرامت به روسیه شد.

۲. پیمان نامه ترکمانچای:

پیمانی است که در روز پنجشنبه، ۱ اسفند ۱۲۰۶ در پی جنگهای ایران و روسیه در دوره امضا شد.

برپایه این قرارداد، سه ایالت دیگر قفقاز، یعنی ایروان، نخجوان و بخش‌های دیگری از تالش زیر سلطه روس‌ها قرار گرفت، حاکمیت ایران بر دریای خزر محدودتر شد و مردم ایران ناچار از پذیرش کاپیتولاسیون (قضاوت کنسولی) گردیدند. در عهدنامه ترکمانچای در مجموع حدود ۳۰ هزار کیلومتر مربع دیگر شامل حدود ۲۰ هزار کیلومتر مربع از ارمنستان امروزی، حدود ۵ هزار کیلومتر مربع از ترکیه امروزی شامل کوه‌های آارات و شهر ایغدیر که در آن زمان بخشی از خانات ایروان بود و حدود ۵ هزار کیلومتر مربع از جمهوری آذربایجان امروزی «شامل تالش شمالی یعنی شهرستان لریک و نخجوان» از ایران جدا شدند.

۳. قرارداد نفتی داری:

طبق این قرارداد در زمان مظفرالدین شاه (۱۲۸۰ ش.) بهره‌برداری از معادن نفت ایران به مدت ۶۰ سال در مقابل پرداخت ۲۰٪ سود به ایران (آن هم بعد از کسر مالیاتی که انگستان کسر میکرد آن هم کنترل میزان نفت صادر شده، حق ایران بود؛ اما شرکت انگلیسی با اعمال نفوذ، مانع آن میشد) به "ویلیام ناکسی داری" از اتباع انگلستان واگذار شد.

شرکت انگلیسی، قسمتی از سهم ایران را که ۲۰٪ سود بود، به میل خود پرداخت و باقیمانده آن را هنگامی پرداخت میکرد که لیره بسیار تنزل می‌یافت.

۴. قرارداد ۱۹۱۹:

در ۱۷ مرداد ۱۲۹۸ قرارداد وثوق الدوله با استعمار انگلستان به امضاء رسید. به موجب این قرارداد کلیه تشکیلات نظامی و مالی ایران تحت نظارت انگلیسی‌ها قرار می‌گرفت و امتیاز راه‌آهن و راه‌های شوسه (خاکی) ایران نیز به آنها واگذار می‌شد.

در ایران، سردمدار مخالفت با این قرار داد ننگین، آیت‌الله مدرس بود که در نهایت با طرحی در مجلس چهارم آن را از حوزه‌ی سیاست کشور برای همیشه خارج کرد.

۵. قرارداد گلد اسمیت:

به موجب آن، بخش بزرگی از بلوچستان ایران به انگلستان واگذار شده و مدت‌ها تحت عنوان بلوچستان انگلیس شناخته می‌شده است.

انگلیس پس از جدا سازی شهر هرات افغانستان از ایران، طبق معاهده پاریس که در سال ۱۸۵۷ به امضای طرفین رسید، فردریک جان گلدسمید را مأمور تعیین مرزهای بلوچستان کرد. گلدسمید نیز در ۱۸۷۱ مرزهای ایران و پاکستان را از خلیج گواتر تا کوهک معین کرده و برای تصویب نهایی به ناصرالدینشاه قاجار تسلیم داشت. در سال ۱۸۷۲ نیز منطقه سیستان به دو قسمت اصلی و خارجی تقسیم شد. سیستان اصلی که مناطق غربی هیرمند از نیزار تا ملک سیاه کوه را شامل می‌شد به ایران و سیستان خارجی که مناطق شرقی هیرمند را تشکیل می‌داد به افغانستان واگذار شد.

۶. عهدنامه پاریس:

به موجب این معاهده، دولت ایران تعهد داد که هرات و تمام خاک افغانستان را تخلیه کند و از هر ادعایی نسبت به حکومت خود در هرات و تمامی افغانستان دست بردارد.

زمینه ساز جدایی بخش‌های دیگری از خراسان و بلوچستان از ایران شد. تصرف مرو به دست روس‌ها و انعقاد قرارداد آخال در ۱۲۹۹ قمری از دیگر پیامدهای این معاهده به شمار می‌رود. همچنین با عقد این معاهده نفوذ سیاسی، اقتصادی و نظامی انگلیس در ایران و منطقه افزایش یافت. انگلیسی‌ها با گرفتن

امتیازهای گوناگون استعماری با روسیه مانند قرارداد ۱۹۰۷ یا قرارداد ۱۹۱۵ زمینه وابستگی هر چه بیشتر ایران را به دولت های استعماری را فراهم کردند.

۷. عهد نامه آخال:

عهدنامه آخال یا آخال تکه در سال ۱۲۶۰ شمسی بین ایران و روسیه برای تعیین مرزهای دو کشور در مناطق ترکمن نشین شرق دریای خزر منعقد شد.

به موجب پیمان آخال، ترکمنستان در سال ۱۲۶۰ و در زمان ناصرالدین شاه قاجار رسماً از ایران جدا شد و جزئی از کشور روسیه تزاری شد.

۸. تقسیم ایران بین روسیه و انگلستان در ۱۹۰۷:

به دستور ادوارد گری وزیر امور خارجه وقت انگلستان، مارلینگ، وزیرمختار آن کشور در تهران همراه با وزیرمختار روس در ۱۵ شهریور ۱۲۸۶ متن قرارداد تقسیم ایران را به دولت ایران اطلاع داد.

بر طبق این قرارداد، ایران به سه قسمت تقسیم گردید: ۱. منطقه واقع در شمال خط فرضی بین قصرشیرین، اصفهان، یزد، خواف و مرز افغانستان منطقه نفوذ روسیه شناخته شد. ۲. منطقه واقع در جنوب خط فرضی بین بندرعباس، کرمان، بیرجند، زابل و سرحدات افغانستان که دارای ارزش استراتژیکی برای دفاع از هند (مستعمره انگلیس) بود، منطقه نفوذ انگلستان گردید. ۳. بقیه خاک ایران که قسمت خیلی کوچکی بود نیز منطقه بی طرف شناخته شد.

۹. احمد علاف در زمان مرگ نصف مردم ایران:

شاهی که در مقابل مشکلات، فقط به سفر فرنگ می رفت. بنا به تخمین ها در زمان قحطی بزرگ در سال های ۱۲۹۶ تا ۱۲۹۸ شمسی که از اشغال ایران ناشی شده بود، حدود ۵ تا ۱۰ میلیون نفر از جمعیت کمتر از ۲۰

میلیونی ایران به دلیل گرسنگی، وبا، مالاریا و آنفلوآنزای اسپانیایی مردند. معروف است که احمدشاه آن روزها بزرگترین محترک غله بود و حاضر نشد غله انبارهایش را جز به قیمت متورم و چند ده برابری دوران قحطی به مردم بفروشد. دیگر اینکه معروف است مردم به او لقب احمد علاف داده بودند. چنین شاهی در مقابله با مشکلات چه می‌کرد؟ می‌رفت سفر فرنگ و چند ماه می‌ماند تا از مشکلات دور باشد.

سومین بار هم که رفت فرنگ گفتند دیگر نیا. ماند در فرانسه و دو سال بعد سلطنت قاجار منقرض اعلام شد و تمام!

یک اصطلاح «مدل احمدشاهی» در میان اهل ادب داریم که یعنی مدیریت بیخیالی!

➤ زمان پهلوی

یکی از ناکارآمدترین حکومت‌ها در ایران رژیم منحوس پهلوی بوده است. این رژیم نه تنها به مردم خود رحم نکرده است بلکه در کمال ناباوری بخش‌های مهم و راهبردی سرزمین ایران را نیز به دیگران بخشش کرده است.

آیا امروز کسی هست تنها با در نظر گرفتن یک خیانت پهلوی، از آن‌ها دفاع کند؟ بنظر نمی‌رسد که کسی حبّ وطن داشته باشد و بخواهد از پهلوی مطلبی بگوید و آن‌ها را حمایت کند. بنابراین رژیم پهلوی تنها مطلوب، غرب و همسایگان ایران بود؛ که با بذل و بخش سرزمینی روز به روز ایران را تضعیف کند.

۱. اشغال ایران در جنگ جهانی دوم

کشور ایران، با وجودی که از همان ابتدا سیاست بی‌طرفی را اتخاذ کرد، به واسطه سیاست‌های رضا شاه (۱۳۰۴-۱۳۲۰ش) مبنی بر طرفداری از آلمان هیتلری و نیز به دلیل موقعیت استراتژیک، مورد توجه دول متفق قرار گرفت. از این رو، با حمله متفقین در سوم شهریور ۱۳۲۰ش، ایران عملاً به صحنه منازعه میان

دول متخاصم تبدیل شد. تاثیرات منفی این حمله با ناکارآمدی ارتش ۱۲۷ هزار نفری رضاشاه چنان جو سرخوردگی و یأسی در جامعه ایران، به‌ویژه در میان نظامیان جوان به‌وجود آورد که اغلب ایشان با استفاده از فضای باز سیاسی ناشی از ورود متفقین و سقوط دیکتاتوری رضاشاه، جذب گروه‌ها و دسته‌جات مختلف شدند.

با پیوستن شوروی به متفقین، دفاع و حمایت از آن کشور در مقابل تجاوز متحدین، به ویژه آلمان، سرلوحه سیاست خارجی متفقین قرار گرفت و برای رساندن مهمات و وسایل جنگی و دارو به شوروی، نزدیک‌ترین و مطمئن‌ترین راه ایران بود که از خلیج فارس تا دریای خزر خطوط راه آهن سراسری داشت. به همین دلیل شوروی و انگلستان درباره حمله و تصرف ایران به توافق رسیدند.

۲. راه‌آهنی که به کار نیامد

این راه‌آهن، از شهرهای بزرگ و حتی، بسیاری از شهرهای کوچک که در مسیر آن قرار داشت، عبور نمی‌کرد. بنابراین، نمی‌توانست تغییری را که مد نظر بود، به وجود آورد. دلیل این مسئله چه بود؟ در سر رضاشاه چه می‌گذشت؟ چرا بودجه عمومی کشور صرف تحولی شد که اصولاً پیامدهای مثبت و مؤثری برای مردم ایران به دنبال نداشت؟ شاید بهترین پاسخ به این پرسش‌ها، بخشی از نطق «دکتر محمد مصدق» در مجلس شورای ملی باشد که آن را چند سال پس از فرار رضاشاه از ایران، ایراد کرد. «مصدق» در نطق خود گفته بود: «برای ایجاد راه دو خط بیشتر نیست: آن که ترانزیت بین المللی دارد و ما را به بهشت می‌برد و راهی که به منظور سوق الجیشی ساخته می‌شود و ما را به جهنم می‌برد(!) و علت بدبختی‌های ما هم در جنگ بین الملل دوم همین راهی بود که شاه پیشین ساخته بود».

۳. رضاشاه و تقدیم نفت به انگلیسی‌ها

دولت انگلیس با وجود در اختیار داشتن ۵۲/۵ درصد سهام و حق رأی در شرکت نفت ایران و انگلیس (APOC)، هنوز نگران تهدید منافعش در ایران بود. به اعتقاد آنها، قرارداد «دارسی» از استحکام لازم برخوردار نبود و در آن شرایط نمی‌توانست منافع انگلیسی‌ها را به طور کامل تأمین کند. همزمان با این وضعیت، در ابتدای سال ۱۳۱۱ هـ.ش، شرکت نفت ایران و انگلیس، ناگهان سهم ایران از سود سالانه را، به بهانه کاهش قیمت نفت، کم کرد و آن را به یک چهارم مبلغ سال قبل رساند. شایع بود رضاخان در جلسه هیئت وزیران، پرونده آن را در بخاری انداخته‌است.

در پی لغو یکجانبه قرارداد، انگلیس به دیوان بین‌المللی داوری شکایت کرد. در قرارداد قبلی، باوجود همه کاستی‌ها، سهم دولت ایران به صورت درصدی در نظر گرفته شده بود و با رشد قیمت نفت افزایش می‌یافت، اما در قرارداد جدید، سهم ایران مبلغ مقطوعی بود که تغییر آن به تغییر قیمت نفت بستگی نداشت. رضاخان، که پیشتر پرونده قرارداد دارسی را در بخاری انداخته بود و مدعی بود در برابر انگلیسی‌ها ایستاده‌است، در برابر خواست انگلیسی‌ها تسلیم شد و مبلغ حق امتیاز را از ۶ به ۴ شیلینگ در هر تن کاهش داد. با وجود این که مبلغ ۴ شیلینگ در هر تن، در آن زمان، از سود ۱۶ درصدی بیشتر بود، اما با رشد بی‌وقفه قیمت نفت، امری که کاملاً قابل پیش‌بینی بود و مقطوع بودن سهم ایران، چند سال بعد سهم ایران از درآمد نفتی، به کمتر از ۱۶ درصد سود شرکت می‌رسید؛ وضعیتی که چندی بعد اتفاق افتاد. به تعبیر حسین مکی، «مردم به زودی فهمیدند که در پس پرده الغای قرارداد دارسی، قراردادی ننگین‌تر و زیان‌آورتر منعقد خواهد گردید که مردم باید چراغ بردارند و عقب قرارداد دارسی بگردند».

۴. تقدیم بحرین، آارات، مرز شمال غرب، اترک، قسمتی از سیستان و منطقه فیروزه

برخی از خیانت‌های رژیم پهلوی علی رغم گذشت بیش از ۴۳ سال همچنان آثار مخرب خود را نشان می‌دهد. این بی‌کفایتی پهلوی روی قاجار را سفید کرد؛ چرا که قاجار بعد جنگ و لشکر کشی، اراضی از دست می‌داد؛ ولی پهلوی زحمت درگیری را به خود نداد.

✓ کوه‌های آارات:

عملیات ترکها بر ضد کردها در آارات در شهریور ۱۳۰۹ آغاز شد و آنها از سمت بازرگان و کوه (آبیک) وارد خاک ایران شده و کردها را به محاصره خود درآوردند. ارتش ایران برای کمک به ترکیه غیر از عقب‌نشینی از سرحد به کردهای ایران اجازه نداد به کردها در آارات کمک کنند. کوه آارات کوچک برای دولت ترکیه، جهت سرکوب کردها و نیز تسلط بر آذربایجان، اهمیت راهبردی داشت. آنها پس از عقب‌نشینی نیروهای ایرانی، آارات کوچک را اشغال کردند، اما پس از پایان جنگ آن را تخلیه نکردند.

سرلشکر ارفع در خاطرات خود در مورد بی‌توجهی رضاخان به منطقه آارات مینویسد: «من نقشه‌ها و کاغذها را جمع کردم و یکراست به کاخ سلطنتی رفتم و به اتاق داخل شدم و گفتم عریضی دارم. چند دقیقه بعد شاهنشاه وارد شدند، درحالی‌که من نقشه‌ها را روی میز پهن کرده بودم. همین که نقشه‌ها را دیدند، فرمودند: «موضوع چیست؟» من شروع کردم به توضیح دادن که فلان تپه چنین است، فلان منطقه چنان است، آنجا سخت مورد نیاز ماست، و از این حرفها... ولی پس از مدتی که با حرارت عریضی کردم، با کمال تعجب دیدم اعلیحضرت چیزی نمی‌فرمایند. وقتی سرم را بلند کردم، دیدم شاه با حالت مخصوصی به من نگاه میکند، گویی به حرف‌هایم چندان توجهی ندارد و تنها چشم به چشم من دوخته است تا ببیند من چه می‌گویم. من سکوت کردم. فرمودند: «معلوم است منظور مرا نفهمیدی... بگو ببینم این تپه اینجا از آن تپه که می‌گویی بلندتر نیست؟» عرض کردم: «بلی قربان...» فرمودند: «آن را چرا نمی

خواهی؟ این یکی چطور؟» عرض کردم: «بلی.» فرمودند: «منظور این تپه و آن تپه نیست. منظور من این است که دو دستگی و جدایی که بین ایران و ترکیه از چندین صد سال وجود دارد و همیشه به زیان هر دو کشور و به سود دشمنان مشترک ما بوده است، از میان برود. مهم نیست که این تپه از آن که باشد. آنچه مهم است این است که ما با هم دوست باشیم.»

در حال حاضر ترکیه با در دست داشتن ناحیه قره سو که با آزارات کوچک از ایران جدا شد، توانسته با جمهوری آذربایجان هم مرز شود. مناقشات قره باغ و تلاش ترکیه برای بهره برداری از این مناقشات در جهت اشغال کریدور زنگزور نشان داد همین هم مرزی با آذربایجان، اردوغان را به طمع انداخته تا برای رسیدن به آسیای میانه و تحقق آرمانهای نعثمانی گرایانه خود دست به بحران آفرینی در مرزهای شمالی ایران بزند. چه بسا اگر چنین امکانی در زمان رضاخان به ترکیه داده نمیشد، حال بعد از گذشت یک قرن تبعات آن را در بحران قره باغ شاهد نمی بودیم.

✓ مناطق مرز شمال غرب

در جریان اشغال ایران در جنگ جهانی دوم ارتش شوروی با پیشروی در حدود مرزی آذربایجان مناطق (مغان، نمین، باغچه سرا، یدی اولر، دیمان، تازه کند و بهرام تپه) را مورد اشغال قرار داد که تا پایان دوره رضاشاه نیز هیچ تلاشی برای بازگرداندن این سرزمین‌ها به ایران نشد و در نهایت در دوره زاهدی بخشی از این مناطق با قصبه فیروزه معاوضه شد و بخشی نیز برای همیشه از خاک ایران جدا شد.

✓ اروندرود و مناطق نفتی بین قصرشیرین و خانقین

پیدا شدن نفت در جنوب غرب ایران عثمانیان را به طمع انداخت تا برای تسلط بر مناطق نفت خیز وارد درگیری با ایران شوند. نتیجه این مناقشات به پروتکل استانبول در ۲۰ آذر ۱۲۹۰ انجامید. پروتکلی که مطابق آن حق دریانوردی روی اروندرود از ایران سلب شده و مناطق نفتی بین قصرشیرین و خانقین نیز از ایران

جدا می شد. این پروتکل هیچ وقت ر سمیت پیدا نکرد؛ اما منجر به ایجاد یک مناقشه مرزی دائمی شد. با شکست طرف عثمانی در جنگ جهانی اول بخشی از سرزمین‌هایی که امروز عراق خوانده می‌شود از عثمانی جدا شد. از آنجا که عراق قبل از اعلام استقلال در سال ۱۳۱۱ نیاز به صلح با همسایگان خود داشت، در مذاکره با ایران پذیرفت هر دو کشور به طور مساوی بر اروند حق حاکمیت داشته باشند. اما عراق بعد از اعلام استقلال به عنوان وارث خودخوانده امپراتوری عثمانی مدعی حاکمیت بر سرا سر شط العرب و اروندرود شد.

در نهایت ر ضاخانی طی معاهده سعدآباد در سال ۱۳۱۶ مناطق نفتی مورد مناقشه را به عراق واگذار کرده و حق کشتی‌رانی در اروندرود به جز ۵ کیلومتر از آبهای مقابل آبادان تا خط تالوگ را نیز از ایران سلب می‌کند. در واقع مسیر اروند به کلی به عراق واگذار شد و مرزهای ایران تا حد سواحل شرقی اروند عقب نشست. مطابق قرارداد الجزایر مجدد خط تالوگ اروند به عنوان مرز دو کشور تعیین شد؛ اما معاهده سعدآباد که رضاخان تن به پذیرش آن داد، بهانه‌ای را در اختیار صدام قرار داد تا وی با دستاویز قراردادن آن، قرارداد الجزایر را پاره کرده و با ادعای دوباره بر حاکمیت اروند جنگ تحمیلی علیه ایران را آغاز کند.

✓ اترک

مطابق پیمان آخال سرزمین‌های شمالی اترک به روسیه واگذار شد؛ اما روس‌ها با حملات پیاپی به ایران برخی سرزمین‌های ایران شامل (سرخس کهنه، قصبه فیروزه، قریه حصار و حاشیه شیخ حسینقلی) را اشغال کرده و مرز را ۳۰ کیلومتر به جنوب آورده و نهر موسی‌خانی را به عنوان رود اترک قلمداد کردند. مطابق قرارداد ۱۹۲۱ دولت شوروی ریاکارانه پذیرفت مرزهای معاهده ۱۸۸۱ را به رسمیت شناخته و سرزمینهای اشغالی را به ایران واگذار کند؛ اما این اتفاق هیچ وقت نیفتاد و رضاخان با سکوت مصلحت‌اندیشانه برای کسب قدرت به اشغال این مناطق رسمیت بخشید و مناطق جنوب اترک را به دولت شوروی هدیه داد.

✓ تجزیه سیستم

جدایی افغانستان از ایران در معاهده پاریس یک مناقشه آبی را بین دو کشور بر جای گذاشت. مناقشه‌ای که بعد از یک قرن و نیم هنوز تبعات آن دامن‌گیر مردم جنوب شرق ایران است.

قبل از توافق سعدآباد رضاخان برای پایان دادن به مناقشه آبی با افغانستان، آتاتورک را به عنوان حکم معرفی کرد و او هم نماینده‌ای به ایران فرستاد. نتیجه مذاکرات امضای توافقی به ضرر منافع ایران بود. مطابق این توافق که در ابتدا پنهانی بسته شد و در زمان پیمان سعدآباد آشکار شد، ۱۶۰ فرسخ از خاک ایران شامل مناطق (هشتادان، موسی آباد، شمتیغ و...) در شرق ایران به افغانستان واگذار شد و در مقابل قرار شد ایران و افغانستان به طور مساوی از آب هیرمند استفاده کنند که این مورد با ساخت سدی روی هیرمند توسط افغانستان زیر پا گذاشته شد و ایران از حقابه خود محروم ماند، یعنی دشت ناامید بدون هیچ دستاوردی از دست رفت. دشت ناامید منطقه‌ای در امتداد مرز ایران و افغانستان است که در میان چند منطقه پرارتفاع واقع شده و بخشی از آن به وسیله رودخانه فراه و شاخه‌های فرعی آن آبیاری می‌شود.

منطقه چکاب، منطقه دیگری از دشت ناامید بود که برای اعتماد سازی به افغانستانی‌ها داده شد. رضاشاه در توجیه این واگذاری به شوکت الملک، حاکم سنتی چکاب، معتقد است: «ارزش چکاب چه از لحاظ سوق الجیشی و چه از نظر وجود مراتع برای دام‌ها بدان پایه نیست که هم سایه خود ناراضی با شد و روابط دو دولت ایجاد سوءتفاهم کند.»

✓ منطقه فیروزه

قصبه فیروزه که در زمان قاجار اشغال و در زمان پهلوی دوم رسماً به روسیه داده شد، شهری استراتژیک در ۳۰ کیلومتری غرب قوچان است که در دامنه رشته کوه‌های بین ایران و ترکمنستان قرار دارد. این شهر امروزه به عنوان منطقه‌ای بی‌لایقی به تفرجگاه مردم ترکمنستان تبدیل شده است.

حتی مطابق قرارداد آخال نیز قصبه فیروزه به طور رسمی به روسیه واگذار نشده بود و این مناطق مدتها در اشغال دولت شوروی باقی مانده بود؛ اما در زمان پادشاهی قاجار دولت شوروی براساس قرارداد ۱۹۲۱ متعهد شده بود که مناطق اشغالی در دوره روسیه تزاری ازجمله قصبه فیروزه را به ایران بازگرداند، با این حال این تعهد هیچ وقت اجرایی نشد و رضاشاه که مدتی قبل از کودتا جایگاه رئیس‌الوزرای ایران را برعهده گرفته بود این حق را مسکوت می‌گذارد تا بتواند رضایت شوروی را برای انتقال حکومت کسب کند، به همین جهت زمانی که به نخست وزیر می‌رسد، با شومیاتسکی، سفیر وقت شوروی در ایران، مذاکره کرده و متعهد می‌شود که منافع شوروی را در ایران تأمین کند. رضاخان در مشی از دست دادن سرزمین‌های متعلق به ایران روی قاجار را سفید کرد و بدون هیچ جنگی منطقه فیروزه را صرفاً با هدف کسب قدرت از دست داد.

✓ بحرین

بحرین با ساده لوحی و بی کفایتی رژیم پهلوی و با فریب کاری غرب از ایران جدا شد که اگر در حال حاضر ملحق به خاک ایران بود، فقط به خاطر عبور کشتی‌ها از تنگه هرمز، منجر به کسب درآمد شده و اثر فوق العاده‌ای در اقتصاد ایران داشت؛ درآمدی که به راحتی نیز تحریم پذیر نبود.

در ۱۴ دی سال ۱۳۴۷ محمدرضا پهلوی در گفت‌وگویی با مجله بیلتز سیاست انگلیس برای جدایی بحرین از ایران را استعماری می‌خواند؛ اما در قبال استقلال این کشور به راحتی کوتاه آمده و می‌گوید: «من می‌خواهم بگویم که اگر مردم بحرین مایل نباشند به کشور ما ملحق شوند، هرگز به زور متوسل نخواهیم شد، زیرا این خلاف اصول سیاست دولت ما است که برای گرفتن این سرزمین خود، به زور متوسل شویم. ثانیاً گرفتن و حفظ کردن سرزمینی که مردم آن با شما ضدیت داشته باشند چه فایده‌ای خواهد داشت؟!»

سخنان محمدرضا پهلوی در این مصاحبه مطبوعاتی درواقع نقطه پایانی بر ادعای حاکمیت ایران نسبت به بحرین بود.

اسدالله علم در خاطرات خود درمورد واگذاری بحرین چنین نوشته است: «گوینده رادیو ایران خبر جدایی بحرین را چنان با افتخار خواند که گویی هم اکنون بحرین را فتح کرده ایم.» براساس اسناد ساواک، وقتی در جلسه یکی از احزاب، از هویدا درباره علت واگذاری بخشی از مملکت به اجانب سؤال شد، وی پاسخ داد: «بحرین دختر ما است، دختر بزرگ می شود، به خانه شوهر می رود.» معلوم نبود اگر حکومت پهلوی ادامه پیدا می کرد، دیگر کدام قسمت ها به تعبیر دولت مردان این حکومت قرار بود شوهر داده شود.

۵. فساد اطرافیان و درباریان

طبق اسناد منتشر شده هزینه های اشرف در مسافرت ها به خارج، رشد تصاعدی داشته است. در حالی که در سال ۱۳۴۹ در مسافرتش به آمریکا فقط ۱۰,۰۰۰ دلار بابت مخارج از وزارت دربار دریافت نموده، در سال ۱۳۵۶ در سفری به آمریکا نیم میلیون (۵۰۰,۰۰۰) دلار هزینه به بیت المال تحمیل کرده است. صورت حساب ارسالی شرکت ورنیچی میلی برای اشرف پهلوی نشان دهنده این مطلب می باشد.

۶. رانت، رشوه و فساد مالی برادران خواهران فرزندان همسران و درباریان پهلوی

فعالیت اقتصادی خاندان پهلوی حد و حصری نداشت و آنان در هر زمینه سودآوری حضور داشتند و با استفاده از رانت خانوادگی در هر فعالیت اقتصادی صاحب سهم بودند.

✓ یکی از برادران شاه، غلامرضا نام داشت. اسامی شرکت ها و میزان سهام غلامرضا و خانواده اش عبارت بودند از: کارخانجات آزمایش: ۵۰ درصد سهام؛ شرکت ریسندگی و بافندگی کرج: اکثر سهام؛ شرکت کارخانجات نورد و پروفیل ساوه؛ منیژه پهلوی، سهامدار عمده؛ شرکت تمی شان:

غلامرضا، جزو سهامداران؛ شرکت اینداستریال هومز ایترنشنال، غلامرضا و منیژه، کلیه سهام؛ کشت و صنعت تمیشان، غلامرضا، ۴۰ درصد سهام؛ شرکت کشاورزی پارسی شهر، غلامرضا، کلیه سهام؛ کشت و صنعت آبی، غلامرضا سهامدار عمده؛ شرکت کشاورزی و عمرانی سبزدشت، غلامرضا سهامدار عمده؛ شرکت تولیدی سیاک، غلامرضا سهامدار عمده؛ کلوپ ورزشی دریاکنار، غلامرضا و بنیاد پهلوی کلیه سهام؛ سهامدار شرکت خدمات سرمایه‌گذاران ماوراءبحار؛ سرمایه‌گذاری در بانک چیس منهنن بالغ بر پانصد هزار دلار؛ شرکت سهامی خاص کالای الکترونیک، غلامرضا پهلوی ۱۲/۵ درصد سهام. موارد فوق بخشی از ثروت و دارایی غلامرضا و خانواده‌اش بود که از طریق رانت خانوادگی به عنوان برادر پادشاه، کسب کرده بود.

✓ عبدالرضا پهلوی برادر دیگر محمدرضا بود که مالک زمین‌های وسیعی در مازندران، به خصوص ساری بود. از املاک واگذاری نزدیک به ۳۷۰۰ هکتار در اختیار وی بود که در آن گندم بذر می‌کاشت و به وزارت کشاورزی می‌فروخت و سود سرشاری عایدش می‌شد. علاوه بر آن، عبدالرضا از سهامداران گروه کارخانه‌های نورد آلومینیم و شرکت ماشین‌آلات کشاورزی جان‌دیر و مالک شرکت شکار ایران بود. عبدالرضا نیز مانند سایر افراد خاندان پهلوی برای افزایش درآمدهای خود از انجام معاملات غیرقانونی و نیز دریافت رشوه از شرکت‌های اقتصادی برای عقد قراردادهای خلاف مقررات، روی‌گردان نبود. از جمله موارد رشوه‌خواری عبدالرضا می‌توان به قرارداد احداث کارخانه کاغذسازی در شمال ایران توسط یک شرکت کانادایی اشاره کرد. در این معامله، عبدالرضا با استفاده از نفوذ خود از وزیر دارایی می‌خواهد که مبلغ قرارداد ساخت کارخانه از هشتاد میلیون دلار به یکصد میلیون دلار افزایش پیدا کند. در مقابل شرکت کانادایی علاوه بر مشارکت وی در معامله، مبلغ دوازده میلیون دلار به حساب او واریز می‌کند.

✓ برادر دیگر شاه محمود رضا بود. محمود رضا ۲۴ مؤسسه‌ی صنعتی، چندین معدن، یک کارخانه‌ی آجر و یک کارخانه‌ی لاستیک اتومبیل داشت. اسامی بانک‌ها و مؤسساتی که با محمود رضا پهلوی شراکت داشته‌اند، عبارتند از: شرکت فیروزه‌ی مشهد: محمود رضا، سهامدار؛ شرکت صنعتی شهوند: محمود رضا، سهامدار عمده؛ شرکت معدنی دونا: محمود رضا، سهامدار عمده؛ شرکت معدنی ایران و رومانی: محمود رضا، جزو سهامداران؛ شرکت دونا سنگ: بنیاد پهلوی و محمدرضا جزو سهامداران؛ شرکت معدنی نورگان: محمدرضا، سهامدار عمده؛ شرکت شه‌باف: محمدرضا، سهامدار عمده؛ شرکت بریجستون ایران: محمدرضا با مشارکت دو شرکت ژاپنی، سهامدار عمده؛ شرکت ایران پوبلن: محمدرضا، جزو سهامداران؛ شرکت آجر جنوب: محمدرضا، اکثریت سهام؛ شرکت ساختمانی کلید [یا کلبه]: محمدرضا، سهامدار عمده؛ شرکت میم‌جیم‌میم: محمدرضا، اکثریت سهام؛ شرکت عمران ملک شهر: محمدرضا، اکثریت سهام؛ شرکت خانه‌سازی و توسعه‌ی تهران بزرگ: محمدرضا، اکثریت سهام؛ شرکت شهرسازی و ساختمانی فرح‌آباد: محمدرضا، اکثریت سهام؛ شرکت کشت و صنعت شهیاران: محمدرضا، اکثریت سهام؛ شرکت کشاورزی کیان شهر: محمدرضا، اکثریت سهام؛ شرکت کشاورزی و دامپروری ایران: محمدرضا، اکثریت سهام؛ شرکت صنایع و کشاورزی کل تپه: محمدرضا، اکثر سهام؛ شرکت ماشین‌آلات عمرانی و واردات ماشین‌آلات راهسازی ساختمانی: محمدرضا، سهامدار عمده؛ شرکت تدارکات و خدمات دریایی باسکو: محمدرضا، سهامدار عمده؛ شرکت هتل شهسواران: محمدرضا، اکثریت سهام.

✓ احمد رضا برادر دیگر پهلوی دوم به واسطه‌ی استفاده از موقعیت خاندان خود صاحب و یا سهامدار مؤسسات اقتصادی چندی بود که از جمله‌ی آنها می‌توان به شرکت کشت و صنعت شاهین‌کی؛ شرکت کشاورزی شهرناز؛ شرکت کشاورزی شهپرن؛ شرکت تهران یوره؛ مرکز بین‌المللی پروژه‌های ایران؛ شرکت توسعه‌ی تجارت شهاوران و شرکت کارخانه‌های نان ماشینی اشاره کرد.

✓ شمس بزرگ‌ترین خواهر تنی شاه بود که در عرصه‌ی فعالیت‌های اقتصادی، تجاری و ملکی بسیار فعال بود. وی علاوه بر زمین‌هایی که از پدرش به او ارث رسیده بود، با اتکا به موقعیت خانوادگی و توسل به فعالیت‌های زمین‌خواری، صاحب زمین‌های زیادی شد. شمس با اعمال نفوذ موفق شد مسیر بزرگراه تهران-کرج را به نوعی منحرف کند که از وسط املاکش در کرج بگذرد تا وی بتواند زمین‌ها را چند برابر نرخ معمول به خریداران بفروشد. وی علاوه بر سوءاستفاده از اموال دولتی برای منافع شخصی خود، به همراه همسر و فرزندان‌ش صاحب و یا سهامدار عمده‌ی چندین مؤسسه‌ی اقتصادی از جمله: شرکت پرشیان متال فورمز؛ شرکت صنعتی آلوم شارس؛ شرکت ساختمانی فرامین؛ شرکت شهر صنعتی کوروش؛ شرکت ساختمانی و مهندسی مهرشهر؛ شرکت مهندسی و ساختمانی ایرا؛ شرکت ایراسر؛ شرکت سازندگان؛ شرکت ایرا اس. پی. کاپاگ؛ شرکت ساختمانی خطوط لوله‌ی ایران؛ شرکت عمرانی شهر صنعتی ساوه؛ شرکت ساختمانی فیاتک؛ شرکت آناهیتا؛ شرکت ایران موبیل هومز؛ شرکت بازرگانی واردات؛ شرکت نان شهر؛ شرکت کشتیرانی دماوند و کانون ورزشی مهر بودند. به رغم ثروت هنگفت، شمس برای کسب درآمد بیشتر دست به هر عمل زشتی می‌زد. فریدون هویدا در کتاب خاطرات خود در این باره نوشته است: «عمل زشتی که شمس انجام می‌داد، گرفتن مبالغ هنگفت از واردکنندگان اشیای گرانبها، طلا، جواهر و کالاهای پر قیمت بود. سرمایه‌داران به او باغ می‌دادند و در مقابل، کالاهای خود را به عنوان دربار شاهنشاهی وارد مملکت می‌کردند و از هرگونه بازرسی و مالیات معاف می‌شدند.»

✓ در کنار فرزندان پهلوی اول، همسران وی نیز از موقعیت و جایگاه شان به منظور دستیابی به منافع اقتصادی بیشتر بهره‌برداری می‌کردند. ملکه توران امیرسلیمانی، سومین همسر پهلوی اول، زمانی که از واگذاری املاک سلطنتی در مازندران به درباریان مطلع شد، از محمدرضا درخواست کرد که یکی از دهات مزروعی مازندران به وی واگذار شود، شاه نیز دستور داد، هر یک از دهات شمال را

که وی طالب آن است به او واگذار کنند. ملکه توران نیز یکی از زمین‌های مرغوب مازندران به نام ایزده را انتخاب کرد. وی با پرداخت مبلغی بالغ بر سیصد هزار تومان، مالک سه دانگ از دهستان ایزده شد و ظرف مدت سه سال، زمین‌ها را از صد و پنجاه هکتار به پانصد هکتار توسعه داد. در موردی دیگر، ملکه توران وقتی از اعتبارات کلان دولت برای ساخت مسکن باخبر شد، به فکر استفاده از آن و ساخت شهرکی با نام تورانشهر افتاد. به همین منظور در اواخر سال ۱۳۵۳ با یک معمار آلمانی قراردادی را منعقد ساخت تا این شهرک در زمین ملکی او به مساحت هفتصد هزار مترمربع واقع در جنوب تهران احداث شود؛ به علت بروز پاره‌ای مشکلات این پروژه معوق ماند.

✓ فریدون هویدا در کتاب خاطرات خود در این باره نوشته است: «... یک بار کمیسیون تحقیق سنای آمریکا افشا کرد که در جریان یکی از معاملات با کمپانی‌های آمریکایی، عده‌ی زیادی از جمله شوهر خواهر شاه و فرمانده نیروی هوایی ایران [ارتشبد محمد خاتمی] به اتفاق پسر بزرگ والاحضرت اشرف [شهرام] رشوه‌ی هنگفتی دریافت کرده‌اند و نیز در موقعی دیگر همه باخبر شدند که دریادار رمزی عطایی، فرماندهی نیروی دریایی، ضمن یک معامله‌ی تسلیحاتی، حدود سه میلیون دلار رشوه گرفته است...»

✓ پس از ازدواج شاه با فرح و وارد شدن وی به دربار پهلوی، نزدیکان وی نیز در رشوه‌خواری و رانت‌خواری رقیب سایر درباریان شدند. محمدعلی قطبی، مقاطعه‌کاری‌های سازمان برنامه را به خود منحصر و با کمک رئیس سازمان برنامه، این کارها را با ۲۵ درصد سود، به افراد دیگری واگذار کرد. وی همچنین در کار واردات گوشت یخ‌زده نیز فعال بود. قطبی به همراه ارتشبد خاتمی، واردات گوشت یخ‌زده را در انحصار داشت. این گوشت‌ها که از استرالیا وارد می‌شدند، سال‌ها از تاریخ مصرفشان گذشته بود و به قیمت کود خریداری و تبلیغات وسیع فروخته می‌شدند.

هر توزیع کننده‌ای که از خرید گوشت‌ها خودداری می‌کرد، سروکارش با ساواک بود و عواقب ناشی از آن را باید تحمل می‌کرد.

✓ مهدی بوشهری، همسر سوم اشرف پهلوی، مدیر شرکت تکنی ساز بود که سهام عمده‌ی آن متعلق به اشرف بود. این شرکت با نفوذ اشرف، اکثر مناقصات دولتی را به خود اختصاص می‌داد و پروژه‌های نان و آبدار را در دست می‌گرفت. بوشهری با استفاده از رانت همسر خود به قدرت و ثروت فراوانی دست یافت. وی در هر فعالیت اقتصادی مانند ساختمان سازی، شهرک سازی، صنایع کشاورزی، دامداری و امور هنری و فیلم سازی با پشتوانه‌ی اشرف حضور داشت و منافع سرشاری را به دست می‌آورد. بوشهری پس از آنکه مورد غضب اشرف قرار گرفت، به پاریس رفت و با پشتیبانی دربار به فعالیت‌های اقتصادی خود ادامه داد. وی پس از مراجعت به ایران شرکت گسترش صنایع سینمایی ایران را تأسیس کرد و از طریق آن موفق به دریافت وام‌ها و اعتبارات کلان و وسیع از بانک‌های رژیم شد. بوشهری به بهانه‌ی اعتلای سینمای ایران و با استفاده از نفوذ همسرش، مبالغ کلانی را از خزانه‌ی مملکت به غارت برد.

✓ محمد خاتمی، شوهر خواهر شاه و فرمانده نیروی هوایی رژیم در دریافت رشوه از شرکت‌های خارجی، سرآمد درباریان محسوب می‌شد. وی به علت خدماتی که به شاه کرد، موفق شد به کسوت دامادی شاه درآمده و پس از تصدی پست فرماندهی نیروی هوایی، خرید تمامی ابزار، وسایل و سلاح‌های نیروی هوایی از خارج را به دست گرفت. در جریان خرید هواپیماهای جنگی اف ۱۴ از کمپانی آمریکایی گرومن، مبلغ ۳/۹ میلیون دلار به وی پرداخت شد تا موافقت وی در این معامله به دست آید. در مورد دیگری کمپانی راکول آمریکا برای فروش سیستم جاسوسی و اطلاعات پیشرفته به ایران برای استفاده‌ی دفاع هوایی که مبلغ پانصد میلیون دلار ارزش داشت،

مبلغ قابل توجهی به خاتمی رشوه پرداخت تا بتواند موافقت وی را برای انجام این معامله کسب کند.

✓ امیرعباس هویدا نخست‌وزیر که دولتش ۱۳ سال تداوم داشت، نیز پرداخت رشوه را یکی از موجبات دوام و بقای دولت خود می‌دانست. هویدا با استفاده از بودجه‌ی محرمانه‌ی نخست‌وزیری که پس از افزایش قیمت نفت، رشد چشمگیری یافت به دفاتر مخصوص شاه، ملکه، ملکه‌ی مادر، اشرف و سایر اعوان و انصار پهلوی و دیبا، کمک‌های سخاوتمندانه‌ای می‌کرد و به تمام تقاضاهای آنان پاسخ مثبت می‌داد. این‌گونه بخشش‌ها، به مثابه پرداخت رشوه بود تا معایب حکومت وی پوشیده بماند و اعتراض به عملکرد خود را به حداقل برساند. در کنار آن هویدا به وزارت اطلاعات و جهانگردی دستور داده بود از طریق آگهی‌های دولتی به مطبوعات طرفدار او، رشوه‌های قابل توجهی سوب سیدهای دولتی پرداخت شود تا این مطبوعات در انجام تعریف و تمجید از وی همچنان فعالیت کنند. هویدا به بذل و بخشش اموال و املاک وقفی به نوچه‌ها و بله قربان‌گوهای خود نیز علاقه‌مند بود. در فهرست افرادی که زمین‌های موقوفه، به خصوص در شمال کشور به آنها اهدا شده است، از وزرای کابینه‌های هویدا، خواننده و نوازنده تا مدیران مطبوعات و خبرنگاران یافت می‌شود. تاج‌الملوک، مادر محمدرضا در کتاب خاطرات خود در مورد گزارش‌هایی که درباره‌ی رشوه‌خواری هویدا که از سوی نصیری، رئیس ساواک به شاه ارائه می‌شد، آورده است: «... مثلاً [نصیری] می‌گفت، هویدا یک آپارتمان مجانی از یک شرکت فرانسوی گرفته و یا در فلان سفر که به خارج داشته، قراردادهایی را امضا کرده و چند میلیون پوند پول گرفته و از این قبیل گزارشات.»

✓ ابوالحسن ابتهاج از دیگر وابستگان دربار بود که سخت مورد حمایت اشرف بود. وی یک بانکدار و مدتی نیز سفیر رژیم در فرانسه بود. ابتهاج زمانی که با سفارش اشرف به ریاست سازمان برنامه و

بودجه‌ی کشور رسید، با استفاده از رانت‌های اقتصادی در ردیف ده ثروتمند طراز اول کشور درآمد. وی دو برادر داشت که یکی از آنها به نام غلامحسین مدت‌ها شهردار تهران بود و مدتی هم به مدیرعاملی هواپیمایی ملی ایران رسید. برادر دیگر ابتهاج با نام احمد، مقاطعه‌کار بود. فریده دیبا در کتاب خاطرات خود درباره نحوه‌ی سوءاستفاده‌ی این سه برادر از بودجه‌های دولتی، آورده است: «برادری که رئیس هواپیمایی بود، اعلام مناقصه می‌کرد که مثلاً می‌خواهد فرودگاه بسازد یا هواپیما بخرد یا ابنیه‌ی مورد نیاز هواپیمایی را احداث کند. برادر بزرگ‌تر که رئیس برنامه و بودجه بود، بودجه‌ی لازم را تدارک می‌دید و برادر سوم که مقاطعه‌کار بود، به عنوان برنده‌ی مناقصه اعلام می‌شد و کار را در دست می‌گرفت.» به این ترتیب این سه برادر با سوءاستفاده از موقعیت و جایگاه خود پول‌های کلانی را از بیت‌المال به جیب زدند.

✓ تیمور بختیار اولین رئیس ساواک از جمله وابستگان رژیم بود که به رغم فقر و نداری اولیه‌اش، بلافاصله پس از تصدی پست ریاست سازمان اطلاعات و امنیت کشور (ساواک)، به یکی از سرمایه‌داران بزرگ کشور تبدیل شد. وی علاوه بر حیف و میل بیت‌المال، برای کسب ثروت بیشتر شیوه‌های دیگری را نیز به کار می‌برد. یکی از راه‌ها این بود که وی متمولین و ثروتمندان را بی‌جهت دستگیر می‌کرد و پس از تشکیل پرونده، ادعا می‌کرد که این افراد توده‌ای، مصدقی و یا اسلامگرا هستند، این ثروتمندان نیز برای رهایی از دست بختیار، رشوه‌های کلانی را به او می‌پرداختند. بدین ترتیب بختیار که تا قبل از ریاست بر ساواک از مال دنیا فقط یک خانه‌ی محقر داشت، صاحب میلیاردها تومان ثروت، جواهرات، عتیقه‌جات، املاک و مستغلات شد. بخشی از ثروت‌های وی که از راه‌های نامشروع به دست آمده بود، عبارت بودند از: خانه‌ها و کاخ‌های مجلل در سعدآباد، تهرانپارس، الهیه، ایزه و خیابان بهار. باغ‌ها و زمین‌های وسیع در رام‌سر، تهرانپارس، شمیران و تجریش. سهام کارخانه‌ها و شرکت‌های متعدد. تمام و یا بخش اعظم تعداد ده پارچه

روستا در بختیاری، گرگان، خوزستان و اصفهان. تعداد زیادی قطعات گرانبهای عتیقه، طلا و جواهرات. علاوه بر موارد فوق، فقط یک حساب بختیار در یکی از بانک‌های سوئیس مبلغ ۳۲ میلیون فرانک سوئیس موجودی داشت.

✓ حسین فردوست در کتاب خاطرات خود به یکی از این روش‌های منحصر به فرد که توسط جلال آهنگیان از تجار بزرگ و سرشناس بازار و ناصر گل‌سرخ‌ی که با هم در مجالس قمار هم‌بازی بودند، اشاره کرده است: «ماجرای این قرار بود که آهنگیان به گل‌سرخ‌ی (وزیر منابع طبیعی) می‌گفت که فلان بازاری یا مالک، یک میلیون مترمربع زمین در فلان منطقه دارد که متری ۱۰۰۰ تومان می‌ارزد یا چند هکتار زمین در فلان روستا دارد که یک میلیارد تومان می‌ارزد، کافی است که آگهی دهید و این زمین را به استناد ماده‌ی ۵۶، جزو اراضی منابع طبیعی (ملی) اعلام کنید. من [آهنگیان] از صاحب زمین ۵۰۰ میلیون تومان برای شما [گل‌سرخ‌ی] اخذ می‌کنم و یک هفته بعد اعلام کنید که در روزنامه اشتباه شده و زمین جزو منابع طبیعی نیست. البته آهنگیان حدود نصف مبلغ را به گل‌سرخ‌ی می‌داد و از صاحب زمین مبلغ کلانی برای خود دریافت می‌کرد.

✓ ابوالفتح محوی یکی دیگر از نزدیکان شاه بود که پس از افزایش قیمت نفت، از راه دلالی اسلحه ثروت کلانی را به دست آورد. افزایش درآمد حاصل از فروش نفت، رژیم پهلوی را برآن داشت که بخش اعظم این درآمدها را صرف خرید صنایع و ابزار نظامی کند؛ محوی هم که پای ثابت قمار محمدرضا بود و امکانات زن‌بازی شاه را فراهم می‌کرد، با حمایت او وارد معاملات اسلحه شد. محوی با دریافت حق دلالی و کمیسیون که مورد تأیید شاه نیز بود، ثروت انبوهی را به چنگ آورد؛ به طوری که پس از گذشت سال‌ها از پیروزی انقلاب اسلامی، وی همچنان مشغول دریافت پورسانت و حق حساب فروش نفت و خرید اسلحه‌ی زمان شاه بود.

✓ نعمت‌الله نصیری رئیس ساواک رژیم پهلوی و غلام حلقه به گوش شاه که مقامی جز نوکری پهلوی دوم را نمی‌پسندید، در زمینه‌ی ثروت‌اندوزی و زیاده‌خواهی مالی نبوغ خاصی داشت. وی در زمان ریاست بر ساواک با استفاده از موقعیت خود صدها هکتار از اراضی مردم را به زور تصاحب کرد. نصیری علاقه‌ی خاصی به کارهای ساختمانی و شهرک‌سازی داشت. وی در جهت احیای جزیره‌ی کیش تلاش بسیاری کرد و حدود هشتاد درصد ساخت و ساز جزیره را به نام ساواک به دست گرفت.

✓ هژبر یزدانی با ایجاد ارتباط با دربار و اهدای رشوه‌های کلان به درباریان، صاحب یک امپراتوری و وسیع اقتصادی در کشور شد. او به راحتی هرگونه عمل خلاف قانونی را مرتکب می‌شد. برای نمونه با پرداخت رشوه‌ی ۲۵ میلیون تومانی توانست یکی از عوامل خود را از زندان آزاد کند. این شخص مدیرعامل فروشگاه‌های تعاون شهر و روستا بود که متهم به سوءاستفاده‌های کلان مالی بود؛ اما یزدانی با پرداخت رشوه، علاوه بر آزادی این شخص، پرونده‌ی وی را نیز مختومه کرد.

✓ فلیکس آقایان یکی از نزدیک‌ترین دوستان محمدرضا بود که ریاست فدراسیون اسکی را نیز بر عهده داشت «و تمام پول‌های فدراسیون را به جیب می‌زد.» آقایان در اکثر معاملات کلان دوران شاه وارد می‌شد و سودهای هنگفتی کسب می‌کرد. آقایان انحصار واردات شکر را هم در دست داشت و وزارت بازرگانی رژیم با توجه به موقعیت وی در دربار، همراهی‌های لازم را با او انجام می‌داد و آقایان از این راه نیز سودهای کلانی را به دست می‌آورد. گاهی نیز بر سر استفاده از رانت‌های اقتصادی، بین عوامل رژیم درگیری و تضاد منافع به وجود می‌آمد که قضیه با تنبیه یا اخراج فرد یا افرادی که از پشتیبانی کمتر و یا حامی ضعیف‌تری برخوردار بودند، فیصله پیدا می‌کرد. برای نمونه در همین مسئله واردات شکر، وقتی که پرویز بوشهری فهمید که در این کار منفعت زیادی وجود دارد، تمایل پیدا کرد که وارد معاملات شکر شود، اما به رقیب قدرتمندی به نام فلیکس آقایان

برخورد. بوشهری نیز دست‌بردار نبود، به‌خصوص زمانی که شاهپور ریپورتر نیز از وی حمایت کرد. با سرشاخ شدن دو جریان نیرومند دربار، در خصوص امتیاز واردات شکر، بسیاری از اسرار پشت پرده‌ی این مسئله، بیرون افتاد. از آنجایی که کسی توانایی مقابله و برخورد با دو طرف قضیه را نداشت، بنابراین وزیر بازرگانی و دو تن از معاونین او در مظان اتهام قرار گرفتند و پس از تشکیل پرونده از وزارت بازرگانی کنار گذاشته شدند.

✓ امیرھوشنگ دولو، معروف به «سلطان خاویار ایران» که از یک خانواده‌ی قاجاری بود، از نزدیکان صمیمی محمدرضا بود. وی از زمانی که وارد دربار شاه شد، مستقیماً به اتاق خواب محمدرضا راه یافت و تمام درخواست‌های مطرح شده‌ی او را شاه بلافاصله تصویب می‌کرد. از این رو بسیاری از مقامات لشکری و کشوری که به دنبال کسب منافع و یا حل مشکلات خود بودند، به دولو مراجعه می‌کردند و دولو نیز پس از دریافت هدیه‌ی مناسب، به مسائل آنان رسیدگی می‌کرد. درخصوص رشوه‌خواری دولو در یکی از اسناد مربوط به رژیم پهلوی آمده است: «شاهرخ فیروز در یک بازی قمار، ۵ میلیون تومان به امیرھوشنگ دولو می‌بازد. بعد از اتمام بازی، ۵ میلیون تومان دیگر نیز به وی می‌دهد و در مقابل از او می‌خواهد که از شاه تقاضا کند که نامبرده را به مقام سفارت منصوب کند. تقاضای شاهرخ مورد قبول شاه قرار می‌گیرد و او به سفارت منصوب می‌شود. فیروز از میلیاردرهای معروف کشور است.»

۷. ریخت و پاش‌های نجومی

✓ جشن ۲۵۰۰ ساله

جشنهای ۲۵۰۰ ساله سال ۱۹۸۰ به عنوان مجلل‌ترین و یکی از پرهزینه‌ترین جشنهای مهمانی در طول تاریخ بشر، جزء رکوردهای گینس در سال ۱۳۵۰ ثبت شد.

بودجه برگزاری جشنهای ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی ایران که ابتدا از سوی مقامات برگزار کننده ۲۵۰ میلیون ریال برآورد شد و بعداً تا ۴۵۰ میلیون ریال افزایش یافت طبق اعلام یک کارشناس انگلیسی نزدیک به دربار ۳۰۰ میلیون دلار اعلام شد.

خبرنگار روزنامه ایرلندی «ایونینگ هرالد» که عنوان کرد: «من در زیر سایه های ستونهای تخت جمشید در شگفت شدم که این همه پول را در بیابانی بی آب و علف برای چه خرج کرده اند؟ آیا وسیله دیگری برای خودنمایی باقی نمانده بود؟»

محمدرضا شاه که از تاخیر ۱۳ ساله خشمگین بود، بدون مشورت با مقامات دربار و دولت و حتی کمیته برگزارکننده مراسم، دستور داد جشنها در سال ۱۳۵۰ برگزار شود.

اولین مهمانی که به این مراسم دعوت شد ریچارد نیکسون شریک سیاسی محمدرضا پهلوی و رئیس جمهور آمریکا بود اما او در این مراسم حضور نیافت و به اعزام نماینده اکتفا کرد. ملکه انگلستان و ملکه هلند نیز شرایط مشابهی داشتند و نمایندگان شان را به ایران فرستادند. رئیس جمهور آلمان شرقی نیز با وجود دعوت رسمی سفیر ایران به تخت جمشید نرفت.

مهمان دیگری که به تخت جمشید نرفت، ژرژ پمپیدو رئیس جمهور فرانسه بود. او هم معاونش را به مراسم فرستاد.

برنامه ریزی برای برگزاری جشنها در پاریس پایتخت فرانسه آغاز شد و در مرداد ۱۳۳۹ نخستین بخش مطالعات آن کامل شد.

اما ویلیام شوکراس نویسنده و مفسر انگلیسی درباره هزینه های واقعی این خودنمایی، نوشت: «بهترین آرایشگران از سالنهای کاریتا و الکساندر پاریس به تخت جمشید پرواز کردند و الیزابت آردن، کرم آرایشی

را به نام فرح دیبا تولید کرد که آن را در بسته‌بندی‌های مخصوص به میهمانان هدیه دهند. باکارا، طرح شراب‌خوری‌ها را ریخت، ماکسیم هم غذاها را آماده کرد و به این منظور دیگر سرآشپزان مهم فرانسوی هم به آنان کمک کردند. یک رشته چیزهای بد دیگر هم بود، از جمله تاریخ ایران، یا حداقل آن تصویری که آنها از آن تاریخ ارائه دادند. سربازان ارتش را از تراشیدن ریشه‌هایشان از یک ماه پیش از برگزاری جشنها منع کردند تا چهره آنها به جنگاوران باستان شبیه‌تر شود. حدس می‌زنم هزینه این مراسم بالغ بر ۳۰۰ میلیون دلار شد. شاه با بزرگداشت ایران زمان کوروش و داریوش، کاملاً و عمداً بخشی از تاریخ ایران را نادیده گرفت که به مراتب بیشتر به قرن بیستم ارتباط داشت و آن هم تعالیم حضرت محمد پیامبر اسلام بود.»

۸. کاخ‌های دودمان پهلوی

✓ کاخ چای خوران

کاخ چای‌خوران از بناهای مربوط به دوره پهلوی اول است و در جنوب میدان معلم چالوس و در محوطه کاخ، جنب دادگستری واقع شده است. این بنا در محوطه‌ای به وسعت حدود ۴۰۰۰ متر مربع و در یک طبقه و زیرزمین ساخته شده است. امروزه این مکان تاریخی زیبا توسط بخش خصوصی بازسازی شده و به عنوان رستوران از آن استفاده می‌گردد.

✓ کاخ رضاخان (ناهارخوران)

کاخ رضاخان (ناهار خوران) مربوط به دوره پهلوی است و در رودسر، میدان شهدا واقع شده.

✓ کاخ رضاشاهی گچسر

کاخ رضا شاهی گچسر مربوط به دوره پهلوی اول است و در شهرستان کرج، بخش مرکزی، روستای گچسر واقع شده.

✓ کاخ رودسر

کاخ رودسر مربوط به دوره پهلوی است و در رودسر، جنب ساختمان فرمانداری رودسر واقع شده.

✓ کاخ شهوند

کاخ شهوند یا کاخ سبز، در نقطه‌ای مرتفع، در شمال غربی مجموعه سعدآباد قرار دارد.

✓ کاخ مرجان کیش

کاخ مرجان کیش مربوط به دوره پهلوی دوم است و در جزیره کیش، شهر ستان بندرلنگه، استان هرمزگان واقع شده است.

✓ کاخ مرمر

کاخ مرمر یکی از کاخ‌موزه‌های تاریخی تهران و از آثار دوره دوره پهلوی است.

✓ کاخ مرمر رامسر

ساختمان کاخ در میان باغی به مساحت ۶۰۰۰۰ متر قرار دارد که اولین نهال‌های مرکبات اصلاح شده و گیاهان تزئینی نایاب در این باغ کاشته شده است و یکی از جالب‌ترین و متنوع‌ترین باغ‌های ایران است.

✓ کاخ مروارید

کاخ مروارید یا کاخ شمس، کاخی در بلوار ارم مهر شهر کرج، واقع در استان البرز است که در سال‌های ۱۳۴۵ تا ۱۳۴۷ با زیربنای ۲۵۰۰ متر برای زندگی شمس پهلوی (فرزند رضا شاه) ساخته شد.

✓ کاخ ملکه مادر

این کاخ در دو طبقه ساخته شده است و برای اقامت موقت مادر محمدرضا پهلوی، تاج‌الملوک آیرملو (همسر دوم رضا شاه) در مدتی که محمدرضا پهلوی در رامسر به سر می‌برد به دستور وی و توسط بنیاد پهلوی و تحت نظر اسدالله علم ساخته شد. این کاخ معماری خاص و زیبایی دارد که در زمینی به مساحت ۵۰۰۰۰ متر مربع بنا گردیده است.

✓ کاخ نازدشت

کاخ نازدشت مربوط به دوره پهلوی دوم است و در شهرستان رودان، بخش رودخانه، روستای نازدشت واقع شده.

✓ کاخ نیاوران

کاخ نیاوران یا کاخ موزه نیاوران، در گوشه شمال شرقی باغ نیاوران قرار دارد. این کاخ در مجموعه باغ نیاوران در میدان نیاوران شهر تهران واقع شده و مساحت آن حدود ۱۱ هکتار است. کاخ نیاوران اقامتگاه تابستانی محمدرضا پهلوی بود.

✓ کاخ موزه سعدآباد

مجموعه فرهنگی - تاریخی سعدآباد، مجموعه‌ای ۱۱۰ هکتاری در شمال شهر تهران است که توسط شاهان در دوره قاجار و دوره پهلوی، بنیانگذاری شده و گسترش یافت. این مجموعه تاریخی دارای چند هکتار

جنگل طبیعی به همراه چندین کاخ، عمارت، موزه، ساختمان‌های متعدد، قنات، باغ، گلخانه و خیابان است. این مجموعه در ناحیه شمیران، در مجاورت دربند و در دامنه رشته‌کوه البرز ساخته شده است.

✓ کاخ موزه گرگان

کاخ موزه گرگان یک موزه باستان‌شناسی است که در شهر گرگان قرار دارد.

۹. شاه دزدترین دزد تاریخ

روزنامه فاینشال تایمز آمریکا با انتشار لیستی از بزرگترین دیکتاتورهای دزد دنیا، محمدرضا شاه را با ۳۵ میلیارد دلار دزدی از اموال مردم ایران، در صدر این لیست قرار دارد. که به تازگی پرسش رضا پهلوی در تلویزیون در جواب سوال از پرسش دزدی پدرش اقرار به دزدی پدرش کرد که فیلم آن در گوگل موجود است.

روزنامه نیویورک تایمز ۲۰ دی ۱۳۵۷ نوشته: بر اساس برآورد بانکداران و گزارش کارشناسان مالی، شاه ایران یکی از بزرگ‌ترین ثروت‌های خصوصی جهان رو داره که بیش از یک میلیارد دلار! و قسمت اعظم ۲ الی ۴ میلیارد دلاری که طی ۲ سال گذشته از ایران به آمریکا منتقل شده برای خانواده شاه!

روزنامه دیلی تلگراف انگلیس در گزارشی که اخیراً تو ژانویه ۲۰۲۳ منتشر کرده، برق از سرش پریده و به کنایه گفته: شاه آنقدر طلا و وسایل قابل حمل بار هواپیما کرده بود که هواپیما بلند نمی‌شد!

کریستین ساینس مانیتور تو در یک مقاله برای دزدی پهلوی با تیترو: «ثروت افسانه‌ای شاه ایران» نوشته: ثروتش واقعا افسانه‌ایه چون هیچکس جز خودش نمیدونه چند میلیون یا میلیارد دلار دزدیده و اگه همه چیز فراهم باشه لااقل ۵ سال طول می‌کشه وکیل ایران دارایی دزدی رو محاسبه کنه!

روزنامه واشنگتن پست یک روز بعد از فرار شاه نوشته: شاه و خانواده‌ش قطعا برای پول نقد معطل نمی‌مونن چون طی ۵۳ سال سلطنت پهلوی، میلیاردها دلار ثروت جمع کردن و به اقتصاددان اون رو بیش از ۲۰ میلیارد دلار تخمین زده! واشنگتن پست در ادامه‌ی همون مقاله مدعی میشه به روزنامه فرانسوی سندی رو افشا کرده که نشون میده ۲ سال قبل انقلاب ۱۲ میلیارد دلار از پول فروش نفت ایران به حساب بانکی بنیاد پهلوی در سوئیس منتقل شده!

امیرا صلان افشار آخرین رئیس تشریفات دربار پهلوی در کتاب خاطراتش می‌گوید: «۱۰ روز مانده به رفتن، پیش از هر چیز جواهرات ملکه در صندوق‌هایی که از یک موسسه خارجی خریداری شده بسته‌بندی شد. وسایل قبلاً در ۲ هواپیمای بوئینگ قرار گرفته بود و شاه شخصا جواهرات را جمع می‌کرد»

۱۰. دست و دلبازی برای بیگانه‌ها

✓ کمک مالی بلاعوض ۲ میلیارد دلاری شاه به اسرائیل و مصر!

اردشیر زاهدی از درباریان معروف زمان پهلوی و داماد شاه در خاطرات خود می‌گوید که محمدرضا پهلوی یک میلیارد دلار کمک مالی بلاعوض به اسرائیل و یک میلیارد دلار هم به مصر داده است!

✓ فاضلاب لندن یا قبرستان کاشان

با وجود وضعیت رفاهی نامناسب مردم در زمان محمدرضا شاه، بودجه کشور صرف مسائلی مانند بازسازی فاضلاب لندن می‌شد. به طوری که عبدالمجید مجیدی، رئیس سازمان برنامه و بودجه در حکومت پهلوی در خاطراتش می‌نویسد: مردم در سال ۵۵ حاضر بودند آب غیربهداشتی را در شهرهای بزرگی همچون کاشان تحمل کنند، قطعی متناوب برق و.. را نادیده بگیرند، اما دست کم یک قبرستان خوب داشته باشند.

همچنین روزنامه اطلاعات، آبان ۱۳۵۳ نوشت: تأمین این نیازهای ابتدایی ضروری در برنامه کار دولت نبود چون بازدهی نداشت. ظاهراً وام یک میلیارد و دویست میلیون دلاری محمدرضا پهلوی برای بازسازی آب و فاضلاب لندن در همین ایام دارای بازده کوتاه مدت و میان مدت اقتصادی بود.

ج. موانع بعد از انقلاب

۱. ۸ سال جنگ تحمیلی ۲۴ سال توقف

برخی از تحلیل گران معتقدند که دو برابر مدت زمانی که در یک کشور جنگ اتفاق افتاده زمان لازم است تا کشور به حالت اولش برگردد، یعنی بعد از ۸ سال جنگ، ۱۶ سال زمان لازم است تا خسارت های وارد شده بر کشور جبران شود، یعنی بعد از ۲۴ سال از اول جنگ ایران به حالت اولیه خود برگشت.

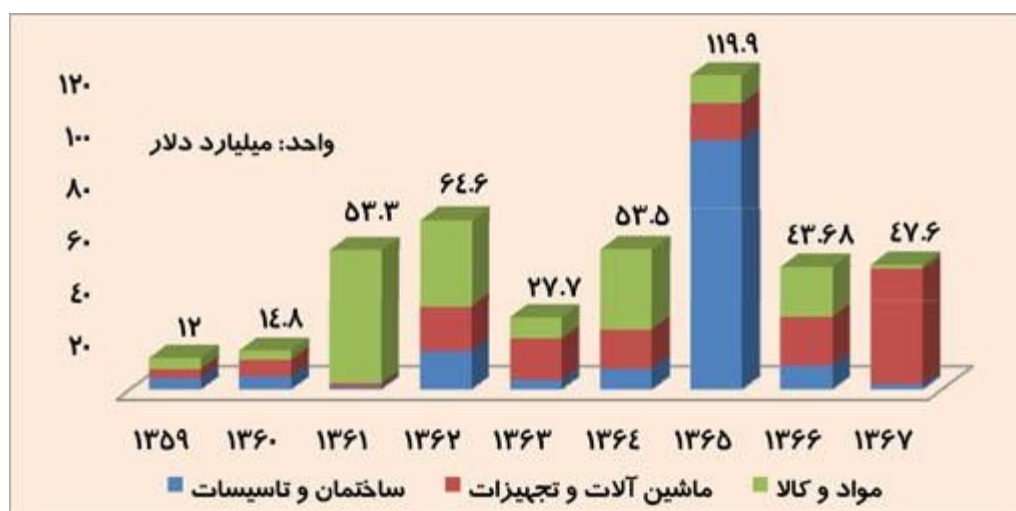
میزان خسارت هشت ساله جنگ تحمیلی معادل ۴۴ درصد کل درآمد نفتی ۳۲ سال اخیر ایران بوده است.

هشت سال جنگ تحمیلی در ایران با تحمل هزینه های فراوانی همراه بود، جنگی که علاوه بر هزینه های انسانی خسارتهای فراوانی را به دنبال داشت، براساس منابع جمع آوری شده در کتاب اقتصاد ایران در دوران جنگ تحمیلی به قلم فرهاد دژپسند، میزان خسارتهای مستقیم وارد شده به ایران از محل تخریب ساختمان ها و تاسیسات، ماشین آلات و تجهیزات و مواد کالاهای سرجمع رقمی بالغ بر ۳۰۸۱ میلیارد تومان به نرخ جاری سال ۵۹ تا ۶۷ خواهد بود این رقم در صورتی که بر مبنای دلار رسمی و تغییر آن به ریال و دلار تبدیل شود می توان گفت سرجمع خسارات جنگ تحمیلی برای ایران رقمی معادل ۴۴۰ میلیارد دلار بوده است، این رقم در صورتی که بر مبنای تغییر نرخ ارز رسمی از ۷ تومان به ۲۴۸۰ تومان امروز مورد محاسبه قرار گیرد به نرخ روز رقمی معادل ۱,۱ تریلیون تومان را شامل می شود.

میزان خسارت ایران در اثر جنگ تحمیلی				
سال	ساختمان و تاسیسات	ماشین آلات و تجهیزات	مواد و کالا	خسارتهای مستقیم
۱۳۵۹	۴.۲	۳.۴	۴.۳	۱۲.۰
۱۳۶۰	۴.۹	۶.۴	۳.۵	۱۴.۸
۱۳۶۱	۰.۷	۱.۴	۵۱.۱	۵۳.۳
۱۳۶۲	۱۴.۶	۱۷.۲	۳۲.۸	۶۴.۶
۱۳۶۳	۳.۴	۱۶.۳	۸.۱	۲۷.۷
۱۳۶۴	۸.۰	۱۵.۱	۳۰.۴	۵۳.۵
۱۳۶۵	۹۵.۳	۱۳.۷	۱۰.۹	۱۱۹.۹
۱۳۶۶	۸.۹	۱۹.۰	۱۸.۹	۴۶.۸
۱۳۶۷	۱.۸	۴۴.۱	۱.۷	۴۷.۶
جمع:	۱۴۱.۸	۱۳۶.۵	۱۶۱.۹	۴۴۰.۲

منبع: کتاب اقتصاد ایران در دوران جنگ تحمیلی به قلم فرهاد دزیبند
واحد: میلیارد دلار

کل درآمد نفتی ایران طی سالهای ۱۳۵۹ تا ۱۳۸۳ یعنی قبل از دوران طلایی رونق بازار نفت معادل ۴۳۲ میلیارد دلار بوده است یعنی کمی کمتر از خسارت های جنگ تحمیلی و با احتساب درآمدهای طلایی هشت سال اخیر کل درآمد حاصل از صادرات نفت خام ایران طی ۳۲ سال اخیر به رقمی حدود ۱۰۰۰ میلیارد دلار می رسد که می توان گفت معادل ۴۴ درصد این درآمدها در دوران جنگ از زیر ساختهای اقتصادی کشور حذف شده است، زیر ساختهایی که بعضا در برخی از مناطق جنگ زده کشور هنوز هم به مانند آنچه پیش از آغاز جنگ بود بازسازی نشده است.



۲. ترور مسئولین و نخبگان رده بالای کشور در اول شکل گیری نظام

دشمنان سعی داشتند تا از طریق ترور، ایران را از مسیر رشد و پیشرفت متوالی دور سازند اما عملکرد جمهوری اسلامی در دهه‌های اخیر نشان می‌دهد که این اقدامات ترورسیتی تاثیر چندانی بر روند پیشرفت ملی و مذهبی ایرانیان نداشته است. در این نوشتار کوتاه به بررسی برخی از ترورهای مهم در ایران بعد از پیروزی انقلاب اسلامی می‌پردازیم:

✓ ترور محمدولی قرنی

محمدولی قرنی، تا تاریخ ۲۳ بهمن ۱۳۵۷ مسئولیت ریاست ستاد کل ارتش اسلامی را برعهده داشت و عضو شورای انقلاب اسلامی بود، اما ماموریت وی به عنوان ریاست ستاد کل ارتش تنها ۴۳ روز طول کشید. او سرانجام در تاریخ ۳ اردیبهشت ۵۸ توسط گروهک فرقان ترور شد.

✓ ترور آیت‌الله مرتضی مطهری

آیت‌الله مرتضی مطهری از چهره‌های برجسته انقلابی و رئیس شورای انقلاب، در حدود ساعت ۱۱ شب روز سه‌شنبه ۱۱ اردیبهشت ۱۳۵۸ هدف گلوله یکی از افراد گروهک فرقان قرار گرفت.

✓ ترور ناموفق هاشمی رفسنجانی

در شب ۴ خرداد ۵۸ حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی در داخل منزلش توسط گروهک فرقان مورد اصابت گلوله قرار گرفت و ضاربین به سرعت گریختند.

✓ ترور حاج مهدی عراقی و فرزندش

گروهک فرقان در ۴ شهریور ۱۳۵۸، حاج مهدی عراقی و پسرش حسام عراقی را به شهادت رساندند. این اقدام، در خیابان زمرد، در ساعت ۷ صبح در ست زمانی که آن دو عازم محل کار خود در مؤسسه کیهان بودند صورت گرفت. حاج مهدی عراقی مدیر مالی مؤسسه و حاج حسین مهدیان مدیر کل آن بود.

✓ ترور دکتر محمد مفتاح

کوشش‌های سیاسی استاد مفتاح پس از انقلاب با شدتی بیشتر دنبال شد. وی علاوه بر عضویت در شورای انقلاب با درخواست دانشجویان دانشکده الهیات و بعد از مشورت با استاد مطهری سرپرست دانشکده الهیات شد و علاوه بر این سرپرستی کمیته منطقه ۴ تهران نیز بر عهده وی بود. از آنجایی که دشمنان انقلاب اسلامی، او را یکی از نظریه پردازان و حامیان اصلی انقلاب اسلامی میدانستند، سعی در ترورش داشتند از همین رو دکتر مفتاح در ساعت ۹ صبح روز سه شنبه ۲۷ آذر ۱۳۵۸ در حیاط خلوت دانشکده الهیات دانشگاه تهران با شلیک چند گلوله از سوی ضاربین -کمال یاسینی، عضو گروهک فرقان- به شدت زخمی شد و حدود ساعت ۲ بعدازظهر همان روز به شهادت رسید.

✓ ترور آیت‌الله سید محمود قاضی طباطبایی

آیت‌الله قاضی طباطبایی همچنان که در تلاش‌های علمی کوشا بودند، در مبارزات سیاسی نیز شرکت فعالانه داشت. وی یکی از رهبران و پایه‌های نهضت اسلامی در آذربایجان بود که در جریان همین مبارزات دستگیر و در زندان قزل‌قلعه تهران زندانی شد و سپس به بافق کرمان تبعید شد.

آیت‌الله قاضی همچنین همیشه سدّ مستحکمی در مقابل خطوط انحرافی در جریانات ضد انقلابی بود و از اوان پیروزی انقلاب علیه جریانات منحرف و وابسته، نظیر خلق مسلمان افشاگری‌های لازم را می‌کرد.

آیت‌الله قاضی طباطبایی بلافاصله بعد از پیروزی انقلاب از طرف امام به سمت امام جمعه تبریز منصوب شد و اولین نماز جمعه را در این شهر بزرگ برپا کرد. او سرانجام پس از اقامه نماز عید قربان در روز ۱۰ آبان ۱۳۵۸ در راه بازگشت به منزل توسط گروهک فرقان ترور شد.

✓ ترور نافر جام آیت‌الله خامنه‌ای

در ۶ تیر ۶۰، هنگامی که آیت‌الله خامنه‌ای در مسجد ابوذر تهران سخنرانی می‌کردند، گروهک فرقان اقدام به ترور ایشان کرد که باعث جراحت ایشان شد. در این ترور گروهک فرقان بمبی در ضبط صوتی که بر میز سخنرانی آیت‌الله خامنه‌ای در مسجد ابوذر تهران بود کار گذاشتند.

✓ انفجار دفتر حزب جمهوری اسلامی

در روز ۷ تیر ۱۳۶۰ آیت‌الله بهشتی، رئیس وقت دیوان عالی کشور و بیش از ۷۰ نفر از مقامات و چهره‌های برجسته سیاسی از جمله چهار وزیر، چند معاون وزیر، ۲۷ نماینده مجلس و جمعی از اعضای حزب جمهوری اسلامی در جریان انفجار مقر اصلی این حزب به شهادت رسیدند.

عامل انفجار دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی، محمدرضا کلاهی، از اعضای رده پائین سازمان منافقین بود.

✓ ترور محمد کچویی

وی پس از پیروزی انقلاب اسلامی به دادستانی انقلاب تهران که در زندان قصر واقع بوده و ریاست آن با آقای هادوی بود می‌رود و از بهمن ۵۷ تا تیرماه ۵۸ در دادستانی مشغول فعالیت و محاکمه دستگیر شدگان رژیم قبل بود. وی در تیر سال ۵۸ به ریاست زندان اوین برگزیده می‌شود و بیش از ۲ سال اداره زندان اوین را بر عهده داشته است.

✓ انفجار دفتر نخست‌وزیری

در روز ۸ شهریور ۱۳۶۰ محمدعلی رجایی رئیس جمهوری و محمدجواد باهنر نخست وزیر وقت به همراه گروهی از اعضای هیات دولت در انفجار دفتر نخست وزیری به شهادت رسیدند.

✓ ترور آیت‌الله مدنی

اقدامات شهید مدنی در تثبیت اوضاع تبریز، مقابله با اقدامات سازمان مجاهدین خلق (منافقین) و نیز بنی صدر و ختنی کردن توطئه‌های دشمنان کشور، کینه عمیق دشمنان را موجب شده بود. به دلیل این بود که آنان درصدد ترور و به شهادت رساندن وی برآمدند. منافقین روز ۲۰ شهریور ۱۳۶۰ او را در محراب به شهادت رساندند.

✓ ترور سید عبدالکریم هاشمی نژاد

سید عبدالکریم هاشمی نژاد در سال ۱۳۵۳ و ۱۳۵۴ فعالیت‌های سیاسی خود را به شکل علنی و با بی‌پروایی خاصی دنبال کرد و به همین دلیل به اتفاق آیت‌الله طوسی در مشهد دستگیر شد. وی ۲ سال در زندان بود و در این مدت (اواخر سال ۱۳۵۵) با تفکرات انحرافی گروهک‌هایی چون مجاهدین خلق آشنا شد. ضمن اینکه آنها نیز به خوبی از تفکرات هاشمی نژاد اطلاع یافتند.

✓ ترور آیت‌الله سیدعبدالحسین دستغیب

در روز ۲۰ آذر ۱۳۶۰ آیت‌الله سیدعبدالحسین دستغیب، نماینده امام خمینی در فارس و امام جمعه وقت شیراز توسط منافقین ترور شد.

✓ ترور آیت‌الله علی قدوسی

آیت‌الله قدوسی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی هم در صحنه اجرایی فعالیت‌های انقلابی ظاهر شد و یکی از اعضای فعال کمیته استقبال از امام بود و به فرمان امام ماموریت پیدا کرد تا در دادگاه‌های انقلاب که در تهران تشکیل می‌شد حضور یافته و متصدی مقام قضاوت شود.

✓ ترور سیدحسن آیت

سید حسن آیت، پس از پیروزی انقلاب اسلامی علاوه بر کار تدریس، نمایندگی مردم نجف آباد را در مجلس خبرگان به عهده گرفت و با عضویت در هیات ریسه نقش اساسی در تصویب اصل ولایت فقیه ایفا کرد.

✓ ترور آیت‌الله عطاءالله اشرفی اصفهانی

در ۲۳ مهر سال ۶۱، آیت‌الله اشرفی اصفهانی در حالی که برای اقامه نماز جمعه آماده می‌شد، در مسجد جامع کرمانشاه توسط فردی به نام محمدحسین خداکرمی به شهادت رسید.

✓ ترور آیت‌الله محمد صدوقی

آیت‌الله صدوقی که از مبارزان دوران پهلوی بود، پس از پیروزی انقلاب توسط امام خمینی به امامت جمعه یزد منصوب شد. وی به دلیل تاثیرگذاری فراوان در جریان انقلاب، به شدت مورد خشم دشمنان انقلاب قرار داشت و چند بار نیز مورد سوء قصد قرار گرفت.

✓ ترور ناموفق آیت‌الله واعظ طبسی

در ۲۹ بهمن ۱۳۶۱، دو تن از اعضای گروهک منافقین در فاصله دو خطبه نماز جمعه مشهد تلاش کردند تا آیت‌الله واعظ طبسی را ترور کنند اما این عملیات آنان توسط اعضای سپاه پاسداران خنثی شد. این دو تن به نام‌های بابایی و میرنژاد با هوشیاری سپاه در انجام عملیات ترور ناکام ماندند.

✓ ترور اسدالله لاجوردی

اسدالله لاجوردی پس از خاتمه پرونده فرقان و پیشگیری از ادامه ترورها توسط این گروهک، مسئولیت دادستانی انقلاب تهران را در طول سال‌های ۶۰ تا ۶۳ برعهده گرفت. لاجوردی با توجه خاص به اهداف منافقان که روی احساسات جوانان سرمایه‌گذاری کرده بودند، مردم را متوجه ایده‌های التقاطی و ضد فطری سازمان منافقین می‌کرد. گروهک‌ها که با رفتار اسلامی و مقتدرانه او مجال هیچگونه فعالیتی نداشتند، با فشارهای بسیار زیادی که از سوی باند مهدی‌ها شمی و از طریق منتظری وارد ساختند، برای برکنارش می‌کوشیدند.

در طول سال‌های پس از انقلاب اسلامی، منافقین بارها کمر به ترور و قتل او بستند ولی در هر بار ناکام بودند تا این که در اول شهریور ۱۳۷۷ شهید لاجوردی توسط علی اصغر غضنفرنژاد و علی اکبر اکبری از اعضای گروهک منافقین مورد سوء قصد قرار گرفت و به شهادت رسید.

✓ ترور علی صیاد شیرازی

علی صیاد شیرازی در سازماندهی نیروهای انقلابی ارتش نقش بسزایی داشت و پس از پیروزی انقلاب، در بحبوحه غائله سال ۱۳۵۸ ضد انقلاب در کردستان، به فرماندهی عملیات شمال غرب کشور برگزیده شد و در پاکسازی کردستان به همراه شهید دکتر چمران نقش مهمی ایفا کرد. صیاد شیرازی در تیر ۱۳۶۵ با

پیشهاد آیت‌الله خامنه‌ای و به فرمان امام به عضویت شورای عالی دفاع منصوب شد و در ۱۸ اردیبهشت ۱۳۶۶ به درجه سرتیپی ارتقاء یافت. در مهر ۱۳۶۸، بنا به درخواست رئیس ستاد کل نیروهای مسلح، و با موافقت و حکم فرماندهی کل قوا به سمت معاونت بازرسی ستاد کل نیروهای مسلح منصوب شد.

در نهایت صیاد شیرازی در بامداد ۲۱ فروردین ۱۳۷۸ به وسیله عوامل مسلح سازمان مجاهدین خلق (منافقین) در پوشش رفتگر، مقابل درب منزل مسکونی‌اش واقع در تهران و در برابر دیدگان فرزندش ترور شد و به شهادت رسید.

✓ ترور دانشمندان هسته‌ای

شهید مسعود علی‌محمدی: در صبح روز ۲۲ دی ماه ۱۳۸۸ در اثر انفجار بمبی که در موتورسیکلت جاسازی شده بود و به فاصله یک متر از درب ورودی منزل وی به یک درخت بسته شده بود، در قیطریه تهران، به شهادت رسید.

دکتر مجید شهریاری: صبح روز دوشنبه ۸ آذر ماه ۸۹ در بلوار ارتش، مورد سوء قصد قرار گرفت و به مقام شهادت نائل آمد.

شهید رضایی‌نژاد: در تاریخ اول مرداد ۱۳۹۰ توسط سرویس جاسوسی رژیم صهیونیستی (موساد) به شهادت رسید.

شهید مصطفی احمدی روشن: در ۲۱ دی ۱۳۹۰ پس از خروج از منزل در ساعت ۸:۳۰ صبح توسط یک موتورسیکلت سوار با چسباندن یک بمب مغناطیسی در خیابان گل نبی تهران، ترور شد.

شهید محسن فخری زاده:

۳. گروهک‌ها و ترورهای داخلی و عملیات مرصاد

گروه‌هایی که پس از پیروزی انقلاب اسلامی، بر ضد آن صف‌آرایی کردند و فضای کشور را به تشنج و درگیری کشیدند، در سه دسته قابل بررسی‌اند:

✓ گروه‌های تجزیه‌طلب

این گروه‌ها مانند حزب دموکرات کردستان، خلق عرب، خلق ترکمن، جبهه آزادی‌بخش بلوچستان و التحریر در خوزستان، که برخی از آنان پیش از انقلاب نیز در کردستان و خوزستان، در صدد درگیری و تحریکات قومیتی و تلاش برای خودمختاری بودند، پس از سقوط رژیم پهلوی مبارزه علنی علیه انقلاب اسلامی را آغاز کردند و با حمایت سلطنت‌طلب‌ها و برخی کشورهای خارجی مانند آمریکا و عراق، با بهره‌گیری از تفاوت زبانی، نژادی و مذهبی، همچنین سوء استفاده از موقعیت جغرافیایی و اقتصادی، در مناطقی چون کردستان، خوزستان، مناطق ترکمن‌نشین و بلوچستان به شورش و اختلاف‌افکنی اقدام کردند.

✓ گروه‌های مارکسیست

این گروه‌ها مانند فداییان خلق، پیکار و حزب توده اگرچه خود را همراه با انقلاب معرفی می‌کردند ولی در عمل به ضدیت با آن روی آوردند. حزب توده (۱۳۲۰-۱۳۶۲) به‌رغم آنکه خود را هوادار انقلاب می‌دانست، در عمل به ایجاد شکاف میان نیروهای انقلابی، القای بی‌اعتمادی به رهبران و تضعیف و ترسیم چهره‌ای ناکارآمد از نظام اسلامی اقدام کرد. اقدام‌هایی مانند جاسوسی برای شوروی، سرقت و نگهداری سلاح، سازماندهی گروه‌های مخفی، جذب نیروهای نظامی (برخلاف نظر امام‌خمینی مبنی بر حضور نداشتن نظامیان در امور سیاسی) و ارتباط پنهانی با آنان از جمله اقدامات آنان بود. با برملا شدن

این سوابق، امام خمینی این حزب را ساخته دست انگلستان و آمریکا، مبلغ و جاسوس شوروی در ایران و ضد دین و روحانیت دانست که در صدد جدا کردن مردم از دین و روحانیت است.

گروه مارکسیستی فداییان خلق نیز با ادعای سازش کاری، لیبرال و ضد انقلابی بودن دولت و حاکمیت، جمهوری اسلامی را رژیم ارتجاعی و ضد خلق می دانست و با بیان ناتمام ماندن انقلاب ایران، ضمن حمایت از شورش های قومی ترکمن صحرا و کردستان، خواستار قیام عمومی مسلحانه علیه نظام و سرنگونی انقلاب با استفاده از بحران کردستان شد. با توجه به مواضع و اقدامات این گروه، امام خمینی ضمن محکوم کردن عملکرد این گروه، فداییان خلق را ضد انقلاب و فداییان خلق آمریکا خواند که در صدد سوء استفاده از شرایط کردستان اند.

✓ گروه های مسلمان

این گروه ها خود دو دسته بودند:

دسته اول، گروه های مسلمانی مانند گروه فرقان که با اعتقاد به اسلام منهای روحانیت و مخالفت با حاکمیت روحانیون، مبارزه با جمهوری اسلامی را همچون رسالتی برای خود می دانستند و به همین دلیل با هدف ایجاد ترس و وحشت، صدمه زدن به پشتوانه های فکری نظام و القای ناکارآمدی دولت در برقراری امنیت، به ترور و حذف روحانیان و افراد مؤثر نظام اقدام کردند.

دسته دوم گروه هایی بودند که در چگونگی همکاری با انقلاب، سیاستی دوگانه در پیش گرفتند. آنها در شرایطی که نخست خود را حامی جریان انقلاب معرفی می کردند، پس از ناکامی در رسیدن به اهداف خود مانند نزدیکی به مراکز قدرت، برخلاف مواضع پیشین خود، در برابر جریان انقلاب ایستادند. از جمله این گروه ها می توان به حزب جمهوری خلق مسلمان و سازمان مجاهدین خلق اشاره کرد.

حزب جمهوری خلق مسلمان در حالی که خود را در مسیر اعتدال و دارای اهداف مشترک با حزب جمهوری اسلامی، اما با روشی متفاوت معرفی کرده بود، به مرور مخالفت خود را با سیاست‌های کلی نظام آشکار کرد.

سازمان مجاهدین خلق ایران نیز گروه سازمان‌یافته دیگری بود که پس از پیروزی انقلاب اسلامی سیاستی دوگانه پیش گرفت. این سازمان از یک‌سو در صدد مشارکت فعال در عرصه سیاسی و دستیابی به سطوح بالای قدرت بود و از سوی دیگر، به تربیت نیروهای شبه‌نظامی (میلیشیا) و افزایش سطح توانایی نظامی و تبلیغاتی خود می‌پرداخت.

با خروج اعضای سازمان مجاهدین خلق از کشور، در حالی که کشور درگیر دفاع در برابر جنگ تحمیلی عراق بود، این گروه ضمن ارتباط اطلاعاتی با دستگاه‌های جاسوسی غربی و رژیم بعث عراق با دخالت در چندین عملیات ویژه، از جمله عملیات مرصاد در سال ۱۳۶۶ وابستگی نظامی و تجهیزاتی خود را به رژیم بعث عراق نشان داد.

۴. ۴۴ سال تحریم و ۱۴ سال تحریم فلج‌کننده

امام خامنه‌ای: تحریم هم جزو تاخت‌وتاز است... آنها همچنان که داروهای لازم را ممنوع کردند، آن وقتی که واکسن لازم داشتیم پولش را گرفتند [اما] واکسنش را ندادند. در سال ۹۹ پول واکسن را گرفتند و به بهانه‌های مختلف واکسن را ندادند-شک نداشته باشید اگر چنانچه می‌توانستند کاری کنند که غذای مردم، نان مردم داخل کشور نیاید و در کشور به وجود نیاید، حتماً می‌کردند.

✓ فتنه ۸۸ و تحریم

در دوران پسافتنه علاوه بر افزایش سختگیری‌ها، قوانین جدید تحریمی علیه ایران وضع شد که تاکنون علیه هیچ کشوری در دنیا وضع نشده است. آمریکا به پشتوانه سیستم مالی و حاکمیت دلار از سال ۲۰۰۹ و بعد از اتفاقات ۱۳۸۸، علاوه بر افزایش سخت‌گیری‌ها علیه بانک‌های غیر آمریکایی که با ایران کار می‌کنند، قوانین تحریم‌های ثانویه بانکی را علیه ایران اعمال کرد. از آن پس اصطلاح «تحریم‌های فلج‌کننده» به جای تحریم‌های هوشمند بیشتر بر زبان مسئولین آمریکایی جاری می‌شد.

برای مثال در دسامبر سال ۲۰۰۹ مصادف با آذرماه ۱۳۸۸، وزارت خزانه‌داری آمریکا در اقدامی بی‌سابقه، دو بانک غیرآمریکایی یعنی «کردیت بانک سوئیس» و «لوید بانک انگلستان» را به علت تسویه دلاری برای ایران به ترتیب ۵۳۶ و ۲۱۷ میلیون دلار جریمه کرد.

پس از آن و در اقدامی بی‌سابقه و در قانون جامع تحریم‌های ایران در تیرماه سال ۸۹، آمریکا برای اولین بار تحریم‌های ثانویه بانکی علیه سیستم مالی ایران وضع کرد و تمام بانک‌های دنیا را ملزم به رعایت آن کرد، در بخش ۱۰۴ این قانون انجام تراکنش‌های مشخص با سیستم مالی ایران برای تمام بانک‌های دنیا از سوی آمریکا ممنوع شد، یکی از علل وضع این قانون همانطور که در مقدمه قانون بیان شده بود، اتفاقات سال ۸۸ ایران بود.

پس از آن آمریکا در مهرماه سال ۸۹ دستور اجرایی ۱۳۵۵۳ را با عنوان نقض حقوق بشر و مشخصاً به علت فتنه سال ۸۸ صادر کرد و تعدادی از ایرانیان را در لیست تحریم گذاشت. در گام‌های بعدی بانک مرکزی ایران و خرید نفت خام از ایران طی «قانون اختیارات دفاع ملی برای سال مالی ۲۰۱۲» (NDAA, 2012)

تحریم شد و در «قانون آزادی و مقابله با ایران» (IFCA, 2013) شرایط سخت‌تری بر همکاری با نظام بانکی ایران، افراد و نهادهای تحریم شده ایرانی ایجاد شد.

در این مدت، حدود ۶۰۰ فرد، نهاد و بانک ایرانی از جمله بانک مرکزی در لیست تحریم‌های آمریکا قرار گرفتند و عملاً روابط مالی بین‌المللی ایران در تنگنایی بی‌سابقه قرار گرفت. در تمامی این قوانین نیز به صورت رسمی و علنی و بدون پرده‌پوشی یکی از علل وضع قانون، حوادث سال ۸۸ عنوان شده بود.

در این مدت، آمریکا علاوه بر وضع قوانین تحریمی با اعمال سخت‌گیرانه آنها و جریمه بسیاری از بانک‌های دنیا مثل جی هلند یا استاندارد چارترد انگلستان در سال ۹۱ و یا کلیر استریم آلمان در سال ۹۲ به علت نقض قوانین تحریمی ایران، نشان داد که در اعمال تحریم‌ها جدی است و با توجه به نیاز بانک‌های دنیا به سامانه مالی آمریکا عملاً همه بانک‌های دنیا از تصمیم آمریکا پیروی کردند و فشارها بر سیستم مالی ایران افزایش پیدا کرد.

توجه به این نکته که پرونده هسته‌ای ایران مدت‌ها پیش از سال ۸۸ نیز مطرح بود اما هیچ‌گاه منجر به چنین تحریم‌های بی‌سابقه‌ای نشده بود، نقش فتنه ۸۸ را در تبدیل شدن تحریم‌های فلج‌کننده به راهبرد اصلی آمریکا در آن سال‌ها و اعمال تحریم‌های بی‌سابقه بانکی و نفتی علیه ایران آشکار می‌کند. فتنه سال ۸۸ مسئولین آمریکایی را به این نتیجه رسانده بود که می‌توانند با افزایش فشار اقتصادی، شکاف بین مردم و حاکمیت را زنده نگه دارند تا ایران در اثر فشارهای داخلی مجبور به تغییر رفتار به نفع آمریکا در مسئله هسته‌ای و سایر مسائل شود.

تا پیش از فتنه سال ۸۸، تحریم‌های آمریکا و اروپا و شورای امنیت سازمان ملل علیه ایران، دامنه شمول محدودی داشتند؛ مثلاً شرکت‌ها را از سرمایه‌گذاری بیشتر از حد معینی در بخش نفت ایران منع می‌کردند؛

اما در تحریم‌های پس از سال ۸۸، هر نوع معامله با بخش نفت ایران ممنوع شد و جریمه‌های سنگینی برای آن وضع شد.

✓ خسارت‌های فتنه‌گران به اموال عمومی

اردوکشی‌های خیابانی پس از دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری در ابتدا با تحمیل خسارت به اموال عمومی و خصوصی آغاز شد. با استناد به گزارش شهرداری تهران، در فتنه ۸۸، بیش از ۶۳ میلیارد تومان به اموال عمومی تهران خسارت وارد شد و علاوه بر این، تعداد ۱۱ بانک دولتی و خصوصی و موسسه اعتباری در اغتشاشات آن سال مورد تخریب و آتش‌سوزی واقع شدند که برآورد حاصله خسارت وارده به هر بانک در حدود ۵۰۰ میلیون تومان بود.

آتش زدن اتوبوس‌های شهری، بانک‌ها، مساجد، سطل‌های زباله، اماکن دولتی و عمومی و... بخشی از خسارات میدانی فتنه‌گران در آشوب‌های ۸۸ بود که اگر خساراتی چون تعطیلی مراکز دولتی در مرکز شهر اعم از بانک‌ها، ادارات و حتی مراکز خرید و ... را به آن اضافه کنیم، رقم بسیار بالایی خواهد شد.

✓ ضربه فتنه ۸۸ به صادرات کشور

نتیجه حاصله از تحریم‌ها گریبان بخش صادرات کشور را نیز گرفت. آنچنان که آمار «اداره بررسی‌ها و سیاست‌های اقتصادی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران» نشان می‌دهد، ارزش کل صادرات کشور در سال ۱۳۸۸ نسبت به سال ۸۷، ۱۳/۶ درصد کاهش داشت. همچنین متوسط شاخص بهای کالاهای صادراتی نیز نسبت به قبل از اغتشاش فتنه‌گران، با ۸/۶ درصد کاهش روبرو شد.

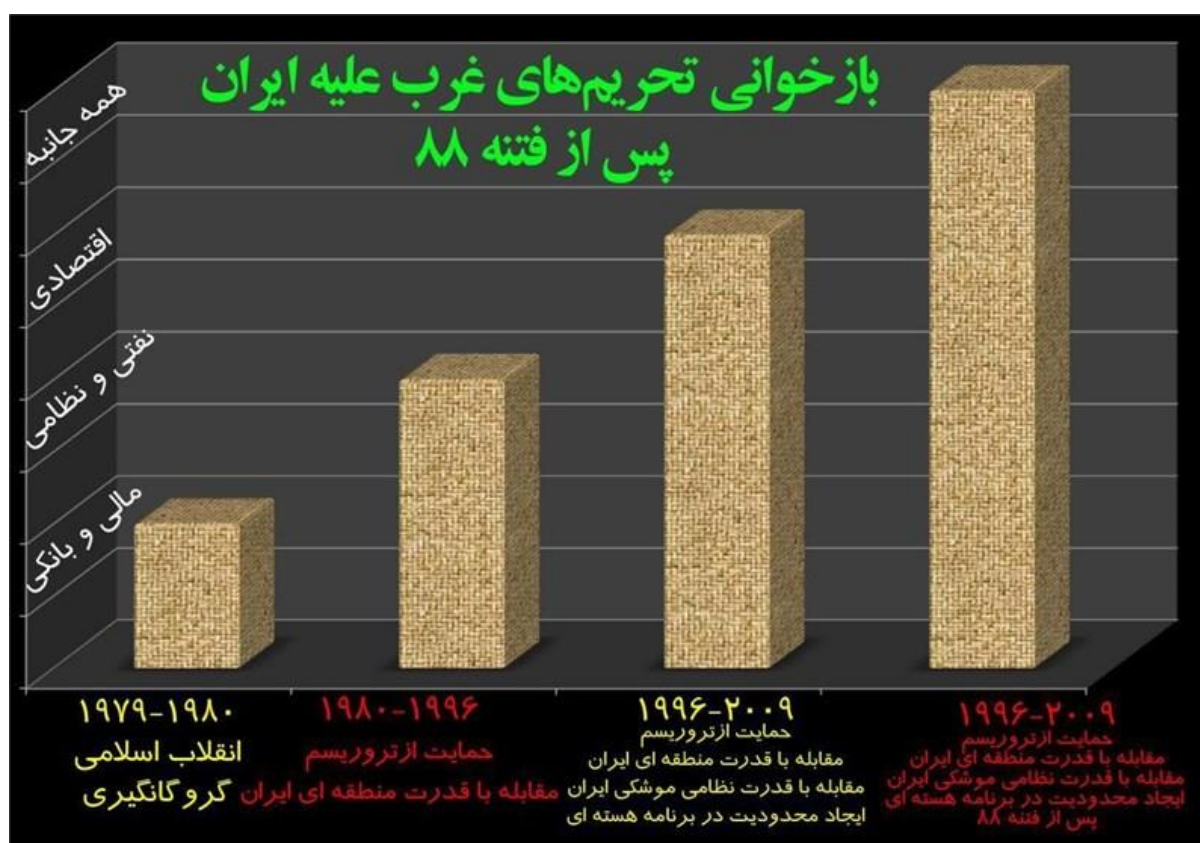
با اعمال تحریم‌های همه‌جانبه، اقتصاد ایران از سال ۸۸ پویایی سابق خود را از دست داد و رشد اقتصادی ایران وارد یک مرحله رکود شد. کاهش چشمگیر صادرات نفتی و تحریم بانکی ایران که موجب جلوگیری

از هرگونه صادرات و واردات جز در اقلامی خاص شد تاثیر چشمگیری بر رشد اقتصادی داشت تا جایی که رشد ۶/۳۶ درصدی اقتصاد ایران در سال ۸۷ بعد از آن روند نزولی به خود گرفته و در سال آخر دولت دهم به ۶/۴- رسید.

✓ افت سرمایه‌گذاری در ایران پس از آشوب‌های فتنه‌گران

"ثبات" در اقتصاد، عامل رشد، توسعه، برنامه‌ریزی و سرمایه‌گذاری است و همه شاخص‌های اقتصادی به گونه‌ای بسیار معنی‌دار و کاملاً مرتبط با "ثبات" است.

نتایج بررسی‌های تحلیل‌گران "وال‌استریت" بیانگر آن است که تحریم‌ها باعث شد فقط در بخش سرمایه‌گذاری در بخش انرژی ایران ۵۰ تا ۶۰ میلیارد دلاری کاهش داشته باشیم.



✓ کاهش تولید و صدور نفت خام به واسطه تحریم صنعت نفت

آمار ارائه شده توسط معاونت بررسی‌های اقتصادی اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی در بهمن ۹۳ نشان می‌دهد که تولید نفت خام و همچنین صادرات آن پس از فتنه ۸۸ به شدت افت کرد. حجت‌الاسلام غلامرضا مصباحی مقدم، از اعضای کمیسیون اقتصادی مجلس هشتم درباره خسارتی که تحریم‌ها به صادرات نفت ایران زد می‌گوید: «بعد از تحریم‌ها، صادرات نفت از ۷/۲ میلیون بشکه به کم‌تر از یک میلیون بشکه در روز کاهش پیدا کرد. قیمت نفت هم از ۱۱۰ دلار به صورت میانگین در طول یک سال به ۴۰ دلار و حتی زیر ۴۰ دلار رسید.

در بحث صادرات نفت نیز این روند نزولی دیده می‌شود. پس از اغتشاشات فتنه‌گران، بسیاری از کشورها از خرید نفت ایران منع شدند. تنها ۵ کشور خریدار، یعنی چین، ژاپن، هند، کره جنوبی و ترکیه مجوز واردات مقدار معینی از نفت خام ایران را در روز از سوی آمریکا برای دوره‌های زمانی شش ماهه قابل تمدید، دریافت کردند.

✓ رکود بخش تولید و کاهش صادرات غیرنفتی

رکود بخش تولید و در پی آن کاهش صادرات غیرنفتی نیز از عواملی بود که فتنه ۸۸ سهم عمده‌ای در تشدید و شروع آن داشت. البته دلایل متفاوتی برای کاهش صادرات غیرنفتی در سالهای بعد از فتنه ۱۳۸۸ وجود دارد اما نمی‌توان نقش آشوبهای اجتماعی و نوسانات اقتصادی حاصل از آن را در رکود بخش تولید که در نهایت به کاهش صادرات غیرنفتی منتهی شده است را انکار نمود.

✓ تشدید بیکاری پس از فتنه ۸۸

وزیر نفت دولت نهم می‌گوید: فتنه ۸۸ بی‌ثباتی اقتصادی را در کشور به وجود آورد و باعث کاهش سرمایه‌گذاری بخش خصوصی شد.

آمار نیز نشان از ضربه فتنه ۸۸ بر وضعیت اشتغال دارد؛ مرکز آمار ایران نرخ بی‌کاری در سال ۸۸ را ۹/۱۱ درصد اعلام کرد که نسبت به سال ۸۷ با رشد ۵/۱ درصدی همراه بوده است.

✓ کاهش ورود تعداد گردشگران و مسافران خارجی

یکی از بخش‌های مهم اقتصادی که بسیاری از کشورهای جهان از جمله ایالات متحده، فرانسه، اسپانیا و ترکیه مبتنی بر آن توسعه یافته یا در حال توسعه و پیشرفت هستند، بخش گردشگری بین‌المللی است. گردشگران خارجی تحت تاثیر تبلیغات رسانه‌های بین‌المللی مقاصد سفر خود را انتخاب می‌کنند.

تبلیغات گسترده امپراطوری رسانه‌ای غرب علیه امنیت داخلی جمهوری اسلامی ایران در سال فتنه و چند سال بعد از آن ورود گردشگران خارجی به ایران را تحت تاثیر قرار داد. در سال ۱۳۸۸ نسبت به سال ۱۳۸۷ تقریباً ۱۳ هزار نفر گردشگر خارجی فقط در استان اصفهان کاهش یافته است.

در سال ۱۳۸۹ نسبت به سال قبل از فتنه یعنی ۱۳۸۷ تعداد ۲۴ هزار نفر گردشگر خارجی در اصفهان کاهش یافته است و این آمار در سال بعد یعنی سال ۱۳۹۰ نیز تداوم یافته تا آنجا که در سال ۱۳۹۱ نیز تعداد گردشگران ۳ هزار نفر کمتر از سال قبل فتنه یعنی ۱۳۸۷ بوده است. بدین ترتیب کاهش بیش از ۶۰ هزار نفری گردشگران خارجی فقط در طول سه سال ۱۳۹۰-۱۳۸۸ آن هم در استان اصفهان نشان‌دهنده یک ضرر بسیار گسترده‌تر در تعمیم این آمار به کل کشور است که سهم عمده این ضرر بر بخش خصوصی تحمیل شده است.

۶. عقبگرد در دهه ۹۰ به علت تفکر غربگرایی و وابستگی

✓ وابستگی به غرب و برجام: گره زدن مسائل کشور بر غرب و آمریکا(خارج) و نهایتاً پشت پا زدن

غربی ها به تعهدهای خود.

✓ مسکن:

کیهان، در ستون خبر ویژه نوشت: کاهش ۵۰ درصدی ساخت و ساز و افزایش ۶۵۰ درصدی قیمت

مسکن در کنار رشد سرسام آور قیمت اجاره بها، گوشه ای از کارنامه دولت روحانی در حوزه مسکن

است.

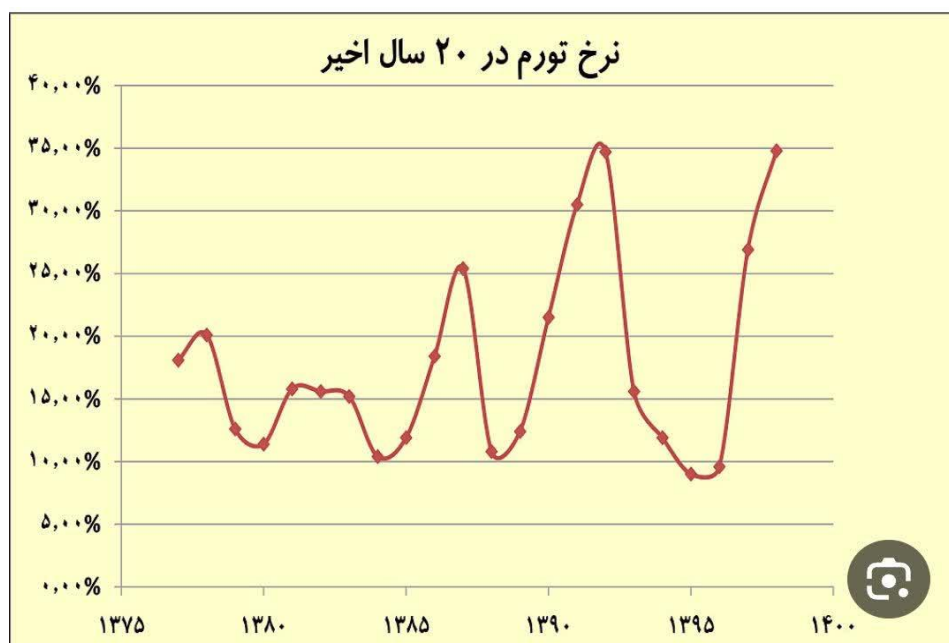
✓ خودرو:

نوع خودرو	قیمت خودرو در ۱۳۹۲	قیمت خودرو ۱۴۰۰
سمند سورن	۳۳ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان	۲۴۸ میلیون تومان
پژو ۴۰۵	۲۶ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان	۱۹۰ میلیون تومان
پژو ۲۰۶ تیپ ۲	۳۴ میلیون و ۲۰۰ هزار تومان	۲۰۳ میلیون تومان
پژو ۲۰۶ تیپ ۵	۳۶ میلیون و ۴۰۰ هزار تومان	۲۵۸ میلیون تومان
پژو ۲۰۷ اتوماتیک	۵۷ میلیون تومان	۳۹۸ میلیون تومان
پژو ۲۰۶ صندوق دار مدل ۳۷۷۸	۳۷ میلیون و ۳۰۰ هزار تومان	۲۴۷ میلیون تومان
پراید ۱۳۲	۱۷ میلیون و ۲۰۰ هزار تومان	۱۱۲ میلیون تومان
پراید ۱۱۱	۱۶ میلیون و ۴۰۰ هزار تومان	۱۳۰ میلیون تومان
تیبا	۲۱ میلیون تومان	۱۲۷ میلیون تومان
پژو پارس سال	۳۳ میلیون و ۲۰۰ هزار تومان	۲۲۰ میلیون تومان
سمند ال ایکس	۲۶ میلیون و ۹۰۰ هزار تومان	۱۹۳ میلیون تومان
سوزوکی ویتارا اتومات	۱۲۷ میلیون تومان	۹۶۰ میلیون تومان
تندر ۹۰	۳۶ میلیون تومان	۳۳۲ میلیون تومان
مزد ۳	۱۰۵ میلیون تومان	۸۷۶ میلیون تومان

✓ تورم

خبرگزاری تسنیم:

افشاگری بانک مرکزی از تورم دولت روحانی در ۷۰ سال گذشته بی سابقه بود



✓ خلق پول

دولت روحانی که رکورددار خلق پول بی ضابطه در میان دولت‌های پیش از خود بوده است. رشد ۱۴۰ درصدی نقدینگی (حدوداً ۲۲۰۰ میلیارد تومان) و ۱۲۰ درصدی پایه پولی (تقریباً ۲۷۰ هزار میلیارد تومان) از نیمه اول سال ۹۷ تا ۹۹. دوم اینکه حجم اوراقی که در دولت روحانی و بخصوص در سال ۹۹ فروخته شده کمی کمتر از ۱۸۵ هزار میلیارد تومان بوده که رشد ۱۰۸ درصدی در مقایسه با سال ۹۸ را نشان می‌دهد.

✓ حقوق‌های نجومی

رسوایی فیش‌های حقوقی مدیران دولتی به انتشار سلسله‌ای از فیش‌های حقوقی برخی مدیران دولتی ایران در زمان ریاست جمهوری حسن روحانی و تعدادی مربوط به دوره‌های پیش از آن

اشاره دارد. این جنجال در خرداد ۱۳۹۵ با انتشار فیش‌های حقوقی مدیران بیمه مرکزی ایران، رئیس صندوق توسعه ملی، مدیران بانک رفاه کارگران و مسئولان و مدیران چند سازمان دیگر رخ داد و بازتاب گسترده‌ای در رسانه‌ها و افکار عمومی در پی داشت. علاوه بر استعفای چند نفر از مدیران صنعت بیمه، بانک‌ها و موسسات اقتصادی دیگر، نام اشخاصی مانند حسین فریدون، برادر رئیس جمهور ایران هم در جریان این جنجال‌ها مطرح شده است.

✓ افزایش بیکاری جوانان

بر اساس گزارش مرکز آمار در زمستان سال ۱۳۹۹ جمعیت شاغلان ۱۵ ساله و بیشتر در کشور به ۲۳ میلیون و ۱۳۵ هزار نفر رسید در حالی که در فصل پایانی عملکرد دولت دهم یعنی بهار سال ۱۳۹۲ جمعیت شاغلان کشور ۲۲ میلیون و ۱۷۱ هزار نفر بود. بدین ترتیب دولت هشت ساله روحانی تا پایان زمستان گذشته به طور خالص توانسته ۹۶۳ هزار شغل ایجاد کند و دولت قبل در همین مدت خود به طور خالص یک میلیون و ۶۷۱ هزار شغل ایجاد کرده بود.

✓ فاجعه مسکن

بررسی‌ها نشان می‌دهد دولت روحانی در بین دولت‌های قبلی رکورددار کاهش تولید و عرضه مسکن بوده است. براساس آخرین آمارهای ارائه شده، طی سال ۹۹ در مجموع ۵۳ هزار و ۴۰۰ واحد مسکونی مجوز ساخت گرفته‌اند که در مقایسه با سال‌های گذشته، رکورد کمترین ساخت و ساز سالانه در ۱۶ سال اخیر را به خود اختصاص داده است. همچنین بررسی و وضعیت استان‌های دیگر که آمارهای آنها تا پایان سال ۹۸ منتشر شده نشان می‌دهد تعداد واحدهای مسکونی درج شده در پروانه‌های ساختمانی طی سال ۹۲ تا ۹۸ در کل کشور از ۷۶۸ هزار و ۱۴۱ واحد در سال ۹۲ با کاهش ۵۰ درصدی به ۳۸۱ هزار و ۷۳۲ واحد در پایان سال ۹۸ رسیده است. این وضعیت در استان تهران کاهش ۷۰ درصدی، در خراسان رضوی کاهش ۶۵

در صدی، در البرز و اصفهان کاهش ۵۴ در صدی و در قزوین و خوزستان نیز کاهش ۴۴ تا ۴۵ در صدی را نشان می‌دهد.

در شاخص قیمت مسکن نیز بررسی داده‌های آماری (بانک مرکزی و وزارت راه و شهرسازی) نشان می‌دهد طی دوره دولت روحانی، در شهر تهران قیمت مسکن از متری سه میلیون و ۸۰۰ هزار تومان در تابستان ۹۲ با رشد ۶۴۷ در صدی به ۲۸ میلیون و ۳۸۹ هزار تومان در پایان بهمن سال ۹۹ رسیده است. در همین زمینه گزارشی که اخیراً منتشر شد، حکایت از آن داشت که زمان انتظار برای خرید مسکن در کشور به شرایط بحرانی خود رسیده و این مدت در شهر تهران حدود ۱۰۰ سال است.

✓ جهش نقدینگی، تورم و ارز

براساس آمارهای بانک مرکزی در ابتدای فعالیت دولت تدبیر و امید در شهریور ماه ۹۲ حجم نقدینگی ۵۰۶ هزار و ۳۹۶ میلیارد تومان بوده که با احتساب افزایش سطح پوشش آماری بانک مرکزی و اضافه شدن ۸۰ هزار و ۹۰۰ میلیارد تومان به آمارهای نقدینگی در مجموع می‌توان گفت حجم نقدینگی تا پیش از آغاز به کار دولت روحانی ۵۸۷ هزار و ۲۹۶ هزار میلیارد تومان بوده است. این عدد در پایان سال ۹۹ به سه میلیون و ۴۷۵ هزار میلیارد تومان رسیده که افزایش پنج و ۹ دهم برابری را نشان می‌دهد.

تاسف آورتر اینکه بررسی‌های آماری نشان می‌دهد تولید ناخالص داخلی در سال ۹۹ کمتر از تولید ناخالص داخلی در سال ۹۰ است. بنابراین افزایش نزدیک به هفت برابری نقدینگی در هشت سال اخیر هیچ تاثیری در بهبود تولید ناخالص داخلی نداشته است.

طبق بررسی آمارهای سال‌های گذشته و سوابق آماری، دولت روحانی به‌جز سال ۱۳۷۴ (دوره ریاست جمهوری مرحوم هاشمی رفسنجانی) رکورددار نرخ تورم سالانه در ۶۰ سال اخیر یعنی از سال ۱۳۳۸

تاکنون بوده است. همچنین در بین دولت‌ها، «تدبیر و امید» تنها دولتی است که در دوره نزدیک به هشت ساله خود بالاترین رقم میانگین تورم (۲۳ درصد) را به ثبت رسانده است. نکته قابل تأمل اینکه در یک اتفاق نادر، اقتصاد ایران در سه سال متوالی تورم بالای ۳۰ درصد داشته که در سال‌های ۹۷ و ۹۸ و ۹۹ رقم خورده است. تورم در سال ۹۲ به میزان ۳۲ و هشت دهم و در سال ۹۹ به مقدار ۳۶ و چهار دهم بوده است و براساس گزارش مرکز آمار در فروردین ماه ۱۴۰۰ تورم نقطه به نقطه ۵۰ درصد و در اردیبهشت ماه ۴۷ درصد شد.

در دوره هشت ساله دولت نهم و دهم قیمت دلار در بازار آزاد ۲۵۲ درصد رشد کرد، درحالی که در دولت روحانی با رشد ۷۰۰ درصدی از سه هزار تومان به ۲۴ هزار تومان به‌طور میانگین افزایش یافته است. این عملکرد در مقایسه با دولت‌های پیشین نیز بسیار فاجعه‌بارتر است، چرا که براساس آمار نرخ رشد ارز در هشت سال دولت اصلاحات در حدود ۸۰ درصد و در هشت ساله سازندگی نیز ۲۷۰ درصد بوده است.

✓ بدهی دولت

بدهی دولت به بانک مرکزی در پایان خردادماه پس از کسر تنخواه بودجه ۹۹، مالیات ۹۸۰۰ میلیارد تومانی بودجه ۹۷ و به میزان ۱۰ هزار و ۵۸۰ میلیارد تومان اسناد به تعهد دولت، در مجموع به ۵۶ هزار و ۶۰ میلیارد تومان می‌رسد که نسبت به سال ۹۱ معادل ۳۲۶ درصد افزایش داشته است. این در حالی است که بررسی دیگری از وضعیت بدهی دولت به بانک مرکزی در سال‌های ۹۱ تا خرداد ماه ۹۹ نشان می‌دهد که این بدهی از رقم ۱۳ هزار و ۱۶۱ میلیارد تومان به ۹۶ هزار و ۹۷۰ میلیارد تومان رسیده که رشد ۶۵۰ درصدی را نشان می‌دهد.

✓ آمارهای دیگر

شاخص منفی سرمایه‌گذاری و صفر شدن نرخ رشد اقتصادی، افزایش ۱۴۶ تا ۷۵۰ درصدی قیمت اقلام خوراکی، شش برابر شدن قیمت پراید و وضعیت آشفته تولید و توزیع و بهای خودرو، جهش نرخ سکه و اجاره بها، وضعیت اسف بار بورس، حیف و میل‌های ده‌ها میلیارد دلاری و افزایش شاخص فلاکت و...

قسمت دوم: در نظر نگرفتن شرایط کشورهای باصطلاح توسعه یافته

۱. علت توسعه غرب

✓ چند قرن غارت

شروع تاریخ کشور آمریکا با غارت و غصب همراه بوده است در سال ۱۴۹۲ میلادی کریستوف کلمب دریانوردی اسپانیایی برای سفر به هندوستان آماده شد. سفر به هندوستان معمولاً از شرق اتفاق میافتاد ولی راه شرقی برای اروپایی‌ها دور و ناامن بود؛ از این رو پادشاه اسپانیا با توجه به این که می‌دانست زمین گرد است به کریستوف کلمب دستور داد راهی از غرب پیدا کند کلمب و همراهانش با سه کشتی بزرگ و همراه با اسلحه‌ها و توپ‌های جنگی سفر خود را آغاز کردند تا طلا و ابریشم و ادویه و دیگر کالاهای ارزشمند را تهیه کنند. کلمب و یارانش بعد از ۳۳ روز به خشکی رسیدند. آنها ابتدا گمان کردند به هندوستان رسیده‌اند اما بعدها فهمیدند آنجا جایی غیر از هند است. آنها به جای قاره آسیا به قاره آمریکا رسیده بودند.

کلمب در ابتدای ورود به قاره آمریکا در جزیره باهاماس لنگر انداخت. مردم سرخ پوست و مهمان نواز آن منطقه به استقبال آنها آمدند آنان اروپایی‌ها را به دهکده خود بردند و برایشان هدایایی آوردند. اروپایی‌ها با دیدن گوشواره‌های طلا که در گوش سرخ‌پوستان بود فهمیدند در آن سرزمین طلا وجود دارد. کلمب به طمع رسیدن به سرچشمه طلا مردم را اسیر کرد و با تهدید و زبان زور آدرس منابع طلای آنجا را از مردم پرسید.

کلمب در آن سرزمین معادن طلا و نقره را پیدا کرد و به یارانش فرمان داد تا میتوانند طلا پیدا و ذخیره کنند. کلمب با خبر کشف آمریکا به اسپانیا رفت و با هفده کشتی بزرگ و بیش از ۱۲۰۰ خدمه به سوی آمریکا بازگشت.

بعد از کلمب کشورهای مثل انگلستان، سوئد، هلند، پرتغال، آلمان و... برای رسیدن به ثروت و اسیرکردن برده ها به قاره آمریکا یورش بردند.

همین الان ۲۶ کشور مستعمره فرانسه هست. (در ۳ قاره که بیش از ۸ درصد مساحت جهان می باشد)

آفریقا (مراکش، سنگال، الجزایر، توگو، تونس، کامرون، بنین، آفریقای مرکزی، بورکینا فاسو، چاد، گابون، کنگو، ساحل عاج، گینه، مالی، کومور، موریتانی، ماداگاسکار، نیجر، رواندا)
آمریکا (بخشی از کانادا، سن پیر و میکلن (شرق کانادا)، برزیل، گویان (شمال شرق برزیل)، بخشی از ایالات متحده)

آسیا (مستعمرات فرانسه در هند، ویتنام، لاوس، کامبوج)

بیش از ۵۸ کشور مستعمره انگلیس است که معادل بیش از یک چهارم از خشکی ها و جمعیت جهان است. انگلیس به بیش از ۱۰۰ کشور جهان حمله نظامی کرده است

چند نمونه:

۱. انگلیس از چین چای وارد می کرد و بابت آن نقره می داد. انگلیس نقره ها را از مکزیک که مستعمره اش بود به دست می آورده و به چین پرداخت می کرد. تا اینکه با کمبود ذخایر نقره مواجه شد. به همین دلیل تصمیم گرفت به جای نقره، تریاک را از کشور هند که مستعمره دیگرش بود به چین که قبلاً آنها را مبتلا به مصرفش کرده بود صادر کند.

مصرف تریاک در چین غیر قانونی بود اما انگلیسی ها با تمام توان و با دادن رشوه به ماموران دولتی تریاک را وارد چین می کردند و مصرف آن را رواج می دادند.

۲. از ۱۸۰۰ تا ۱۹۴۷ میلادی (۱۴۷ سال) افزایش قیمت فلفل از سوی هلندی ها؛ همین دلیل ساده باعث شد انگلیسی ها به فکر رفتن به هند بیافتند. کشوری که از نظر کشاورزی و منابع معدنی

آنقدر غنی بود که انگلیسی‌ها حتی فکرش را هم نمی‌کردند «توماس استیفن کشیش مسیحی اولین تبعه انگلیس بود که در سال ۱۵۷۹ پایش به شبه قاره هند باز شد گزارش‌های روزانه کشیشی که در آن دوران، وارد حیطه تجاری پرتغالی‌ها که مبادلات تجاری وسیعی در هند داشتند شده بود، انگلیسی‌ها را روی هند حساس کرد.

انگلیسی‌ها علاوه بر گرفتن مالیات‌های سنگین از مردم هند، کشاورزان را مجبور می‌کردند تا آن محصولی را بکارند که انگلیسی‌ها برای مسائل تجاری و صنعتی خود، به آنها نیاز داشتند. اغلب این محصولات ربطی به نیازهای واقعی جامعه هند نداشتند و از همه مهمتر خوردنی هم نبودند. مثلاً گیاهی به اسم «ایندیگو (Indigo)» بود که از آن رنگ لباس تولید می‌شد چون در همان زمان، صنعت نساجی در انگلیس رونق پیدا کرده بود آنها کشاورزان هندی را مجبور به کاشت این محصول می‌کردند.

۳. طبق قرارداد نفتی موسوم به «دارسی دوم» که توسط رضاخان با انگلیس بسته شد از سال ۱۳۱۲ تا ۱۳۷۲ به مدت شصت سال سهم ایران از فروش نفت خود به ۲۰ درصد محدود شد و ۸۰ درصد متعلق به دولت انگلیس بود. نهضت ملی شدن صنعت نفت بر علیه این قرار داد استعماری شکل گرفت، اما این نهضت با توطئه انگلیس، آمریکا و دربار، شکست خورد و سلطه پهلوی ادامه پیدا کرد.

۴. بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ رژیم پهلوی قرارداد نفتی جدیدی بست که طبق آن ایران فقط به دو شرط می‌توانست صاحب سهم پنجاه درصدی از فروش نفت خود باشد، اول اینکه باید مثل قبل کمپانی‌های غربی نفت ایران را استخراج کنند و درآمد آن را دریافت کنند و دوم اینکه ایران با تمام درآمد فروش سهم پنجاه درصدی خود باید از آمریکا کالا و تسلیحات نظامی خریداری کند و به این ترتیب تمام درآمد فروش نفت ایران به جیب آمریکا می‌رفت.

آنها از هندوستان چای و تریاک و ادویه و... و از استرالیا و نیوزیلند، گو سفند و از آفریقا الماس و

طلا و کائوچو و.... و از ایران نفت وارد می کردند

✓ برده داری (فروش برده، تولید با برده، جنگ با برده)

بعد از استقرار سفیدهای اروپایی در قاره آمریکا آنها برای کشاورزی، دامداری، ساخت خانه‌ها و... به مشکل کمبود کارگر برخوردند. بعدها با تصمیم آمریکایی‌ها پنجاه میلیون آفریقایی طی چهارصد سال به زور به آمریکا منتقل شدند.

به خاطر علاقه اروپا و بلژیک به دوچرخه سواری و ماشین «لئوپولد دوم» به مصر و فلسطین هم طمع داشت اما نتوانست مصر را به دست آورد و از سرمایه گذاری در فلسطین یا چین هم سودی نبرد در عوض کنگو برای او حکومت بلژیک بیش از تصورش سود داشت. با اختراع خودرو و لاستیک، بازار کائوچو گسترش زیاد یافت این ماده اولیه در کنگو فراوان بود. استعمارگران بلژیکی برای اجبار بومیان به انجام کار رایگان، زن و فرزندان آنها را گروگان گرفته و آنها را به کار اجباری همراه با اعمال شاقه وادار میکردند گاهی برای گرفتن زهر چشم و اجبار به همکاری دهکده‌ها را می سوزاندند، دست و پاها و سرها را می بریدند؛ اجساد را مثله می کردند و بدن‌ها را با شمشیر نصف می کردند!

انواع استفاده از برده‌ها:

۱. نیروی کار برده: یکی از اصلی ترین استفاده‌های استعمارگران از انسانهای برده، مورد استفاده قرار دادن آنها به عنوان نیروی کار برای بهره‌برداری از منابع طبیعی یا تولید کالاها بود. این انسان‌ها به صورت غیرقانونی مورد اسارت و برده‌داری قرار می گرفتند و برای تولید سود برای استعمارگران کار می کردند.

۲. کشاورزی و مزرعه‌داری: استعمارگران به طور گسترده از برده‌ها برای کشاورزی و مزرعه‌داری استفاده می‌کردند. آنها را به زمین‌های کشاورزی می‌فرستادند تا محصولات مانند برنج، قند، بتو، چای و غیره را برداشت کنند.

۳. معادن: استعمارگران از برده‌ها برای استخراج معادن مانند طلا، الماس، آهن و سایر منابع معدنی استفاده می‌کردند. آنها به برده‌ها دستور می‌دادند در معادن کرک و سنگ‌ها را بشکنند و در جستجوی دارایی‌های ارزشمند باشند.

۴. خدمات غیرنیروی برده: برده‌ها به عنوان خادم، خدمتکار، نگهبان و سایر وظایف خدمتی مورد استفاده قرار می‌گرفتند. آنها وظایف خانگی استعمارگران را انجام می‌دادند و به آنها خدمت می‌کردند.

۵. همچنین، برده‌ها ممکن بودند به عنوان موضوع آزمایشات پزشکی و علمی مورد استفاده قرار بگیرند.

به‌طور کلی، برده‌ها به عنوان نیروی کار ارزان‌تر و در دسترس برای استعمارگران به کار می‌رفتند.

✓ انقلاب صنعتی و صادرات

اروپایی‌ها در طول استعمار خود در قاره آمریکا میلیون‌ها نفر را از قاره آفریقا به بردگی گرفتند و بازماندگان سفرهای ماورا اقیانوس اطلس را به کار اجباری در مزارع شکر، تنباکو، پنبه و قهوه در دریای کارائیب و آمریکای شمالی و جنوبی فرستادند. در این فرآیند، اروپایی‌ها ثروت اندوختند و از طریق تجارت برده و تولید مزارع، مثلی گسترده‌تر بین اروپا، آفریقا و قاره آمریکا ایجاد کردند. شواهد و داده‌ها نشان می‌دهند که هر قدر این برده‌داری و استعمار موجب توسعه نیافتگی آمریکای لاتین و آفریقا شد، به همان اندازه در توسعه و حتی انقلاب صنعتی در اروپا سهم داشت.

این ایده که برده‌داری و تجارت برده باعث شروع انقلاب صنعتی شد، جدید نیست؛ اریک ویلیامز (۱۹۴۴) استدلال معروفی داشت که بریتانیا ثروت هنگفتی را از تجارت مثلی انباشته کرد و این ثروت را دوباره در بخش‌های پیشرو انقلاب صنعتی سرمایه‌گذاری کرد؛ در واقع هیچ کشوری به اندازه بریتانیا در تجارت برده اقیانوس اطلس دخالت نداشت. برخی داده‌ها در این زمینه جالب هستند. برای نمونه خرید و فروش انسان تنها بخشی از اقتصاد برده‌داری بود؛ در حالی که بیشتر ثروت انباشته شده از برده‌داری از مزارع شکر، تنباکو، پنبه و شرکت‌های مستعمره به دست می‌آمد. مشارکت در تجارت برده اغلب انتقال به مالکیت مزارع را تسهیل می‌کرد؛ در واقع سولو (۱۹۹۳) استدلال می‌کند که منافع حاصل از برده‌داری بسیار بزرگ‌تر از منافع مستقیم خود تجارت برده بود. برای اندازه‌گیری این ثروت از برده‌داری، از ویژگی متمایز محیط تجربی استفاده می‌شود. به طور کلی، یافته‌های مقاله با این دیدگاه سازگار است که ثروت برده‌داری انقلاب صنعتی بریتانیا را تسریع کرد.

آنان برای کمک به تولیدکنندگان و صنایع داخلی خود کوشش می‌کردند تا مردم دیگر کشورهای جهان به جای خرید کالاهای ساخت داخل کشورهای خود، کالاهای آنها را بخرند.

✓ پول پول می‌آورد

کشورهای غربی با انباشت سرمایه که از طریق غارت و استعمار به دست آورده بودند توانستند نخبگان زیادی را از کشورهای دیگر جذب کنند این امر باعث شد که از سرمایه‌هایی که داشتند به نحو احسن استفاده کنند و آنها را چند برابر کنند.

همچنین دستگاه‌ها پیشرفته‌ای که خودشان نداشتند و مواد خامی که در کشور خودشان یا کشورهای مستعمره شان نبود از دیگر کشورها که تحت استعمار آنها نبودند را می‌خریدند.

قسمت سوم: مقایسه نقاط قوت همه کشورها با نقاط ضعف ایران

✓ مقایسه غلط

وقتی در مورد کشورها می‌خواهیم بحث کنیم که کدام کشور شرایط مناسب برای زندگی ایده آل را دارد، چیزی که باید به آن توجه کنیم این است که فقط نقاط ضعف آن کشور را با نقاط قوت دیگر کشورها مقایسه نکنیم. به عنوان مثال وقتی می‌خواهیم دو تا ورزشکار را با هم مقایسه کنیم هیچ موقع وزنه بردار را با فوتبالیست مقایسه نمی‌کنند؛ که مثلاً فلان وزنه بردار دویست کیلو را با یک ضرب بلند می‌کند؛ ولی فلان فوتبالیست نمی‌تواند پنجاه کیلو را بردارد یا فلان فوتبالیست خیلی خوب دیربل می‌زند ولی فلان وزنه بردار حتی نمی‌تواند شوت بزند. هر یک از این ورزشکارها در رشته خود امتیازاتی دارد که مربوط به رشته دیگری نیست. در مورد ایران هم متأسفانه برخی‌ها به خاطر روحیه خود تحقیری فقط نقاط ضعف ایران را می‌بینند و نقاط قوت آن را نمی‌بینند و در عوض نقاط قوت کشورهای دیگر را می‌بینند و نقاط ضعف آن‌ها را نمی‌بینند.

کشورهای غرب در عین اینکه نکات مثبت دارند و ظاهر شهرسازی شان خوب است و از برخی حیث‌ها توسعه یافته هستند ولی ایراداتی دارند که حتی مهاجران بعد از مدتی به آنها اذعان می‌کنند.

✓ ایرادات غرب

در ادامه به نمونه‌هایی از ایرادات غرب اشاره می‌شود:

۱. مالیات سنگین بر درآمد

فنلاند: ۵۶,۹۵ درصد

ژاپن: ۵۵,۹۷ درصد

دانمارک: ۵۶ درصد

اتریش: ۵۵ درصد

سوئد: ۵۲,۹۰ درصد

بلژیک: ۵۰ درصد

اسرائیل: ۵۰ درصد

اسلوونی: ۵۰ درصد

هلند: ۴۹,۵ درصد

پرتغال: ۴۸ درصد

چین و کره جنوبی و استرالیا و انگلیس و آلمان: ۴۵ درصد

هند: ۴۲ درصد

آمریکا: ۳۵ درصد

فرانسه: ۳۴,۴۳ درصد

۲. اقتصاد

• بدهی ها

فهرست بدهکارترین کشورهای جهان از لحاظ ارزش ارزی بدهی در شهریور ۱۴۰۱:

رتبه اول: آمریکا ۳۱٫۸٪ کل بدهی جهان

رتبه دوم: ژاپن ۱۸٫۸٪

رتبه سوم: چین ۷٫۹٪

رتبه چهارم: ایتالیا ۳٫۹٪

رتبه پنجم: آلمان و فرانسه ۳٫۸٪

رتبه ششم: انگلیس ۳٫۷٪

رتبه هفتم: فرانسه ۲٫۵٪

• چادر خوابی و کیفیت مسکن

۷۰۰ هزار نفر بیخانمان در آمریکا. ۶۰ هزار نفر چادر خواب در شیکاگو به نقل از روزنامه گاردین

۶۵۰ هزار نفر بی خانمان در آلمان

۲۸۵۰۰ نفر بیخانمان در اسپانیا

۹۲ هزار نفر بیخانمان در انگلستان که ۱۰۰۰ نفر آن در سرمایه سال گذشته به جهت سرما مردند

یخ زدن هرساله و مردن تعداد قابل توجهی از آمریکاییها و اروپایی ها در فصل سرما

• درمانی

۱۳ هفته میانگین انتظار برای ویزیت دکتر

• کشورهای پیشرفته مدعی رفاه و شادی در رتبه‌های بالای مصرف داروهای افسردگی در جهان هستند.

گزارش یورو نیوز از بالاترین میزان افزایش مصرف داروهای ضد افسردگی در بین ۱۸ کشور اروپایی در جمهوری چک. دوز تعریف شده روزانه مصرف داروهای ضد افسردگی در این کشور طی ۲۰ سال ۵۷۷ درصد افزایش یافت.

در پرتغال ۳۰۴ درصد، در بریتانیا ۲۵۶ درصد، در اسپانیا ۲۰۸ درصد و در آلمان ۲۰۰ درصد، سوئد ۱۳۵٪، فنلاند ۱۳۰٪، دانمارک ۱۲۹٪.

• خدمات رفاهی:

طبق آمار سال ۲۰۱۷ حدود ۴ میلیارد نفر حدود دو سوم جمعیت جهان دسترسی به سرویس بهداشتی در منزل ندارند، و فقط ۳۸٪ دسترسی دارند

به گزارش یورو استات: ۱۵٪ از خانه‌های اروپایی دسترسی به سرویس بهداشتی و حمام ندارند

تعجب اروپایی‌ها از آب داشتن دستشویی در جام جهانی قطر

نداشتن دستشویی عمومی در غرب

یک پنجم خانه‌های روسیه WC ندارد

از میان کسانی که به توالت دسترسی ندارند، قریب به ۹۰۰ میلیون نفر در مکان‌های سرباز مانند کنار

جاده‌ها، پشت بوته‌ها یا در قسمت‌های باز نهرها و رودخانه‌ها ادرار یا مدفوع خود را دفع می‌کنند.

گشت مدفوع در اروپا

• آلمان

اگرچه آلمان در صنعت خودرو Benz و Bmw پیشرفت دارد ولی:

رکورد پنجم در بدهی

بی مسکنی و بد مسکنی (خانه های ۲۰ متری و مشترک بدون امکانات) و پیدا نکردن خانه برای زندگی

۶۵۰،۰۰۰ نفر بی خانمان

نداشتن کولر (هزینه برق چیلر به اندازه یک ماه حقوق کارمندی) آسانسور، آیفون، یخچال ساید و جای

آب، و...

به گزارش پلیس فدرال آلمان در سال ۲۰۲۱، ۱۷۷۰۴ کودک زیر ۱۴ سال مورد آزار جنسی قرار گرفته

بیش از نیمی از ۱۲۰۰۰ دانشجوی دختر در آلمان که برای یک مطالعه در سرا سر اروپا مورد مصاحبه

قرار گرفتند، نشان دادند که در طول سالهای تحصیل در کالج، آزار یا خشونت جنسی را تجربه کرده‌اند

دزدترین مردم (دزدی کی رخ می‌ده؟)

برچسب ضد سرقت زدن بر مواد غذایی حتی کره و...

شکستن شیشه ماشین‌ها و سرقت داخل ماشین

گرانترین انرژی: طوری که عمدتاً فقط قسمت کوچکی از خانه را گرم میکنند و توان پرداخت هزینه

گاز را ندارند و فقط یک چراغ کم مصرف روشن میکنند.

مالیات سنگین بر درآمد تا ۴۵٪

گرانی و عدم برابری دخل و خرج برای عموم افراد مخصوصاً بعد از کرونا و جنگ اوکراین

رایج شدن گسترده فروش لباس های دست دوم در کشور

تخلیه خود در سطح شهر

• انگلیس:

به گزارش مرکز آمار انگلیس خودکشی اصلی ترین علت مرگ مردان زیر ۴۵ سال است. یعنی هر ساله

حدود ۴۵۰۰ نفر در انگلیس اقدام به خودکشی می کنند

ماجرای ۸۴ مجسمه در پشت بام شبکه تلویزیونی آی تی وی لندن: خودکشی هفته ای ۸۴ نفر از مردان

انگلیس، منجر به ساخت ۸۴ مجسمه در پشت بام شبکه تلویزیونی آی تی وی به عنوان نماد شده است.

بنا به گزارش اداره آمار ملی بریتانیا ۱۴۰۰ خودکشی در عرض ۳ ماه پایانی سال ۲۰۱۹

۵۶۹۱ خودکشی در ۱۱ شهریور ۱۳۹۹

۲۵۶٪ افزایش مصرف داروهای ضد افسردگی طی ۲۰ سال گذشته

چند ده هزار نفر زندگی حیوانی را برای زندگی خود انتخاب کرده اند به خاطر فرار از افسردگی در

زندگی

مالیات بر درآمد ۴۵٪

مالیات شهرداری یا کانسیل تکس نسبت به محل زندگی تعیین میشود

به گزارش خبرگزاری انگلیسی: گوشت ، شیرینی (برای کودکان) و الکل بیشترین موارد دزدی این

روزهای انگلیس

ثبت ۶۵۰۰ تجاوز در بیمارستان های انگلیس

روزنامه دیلی میل روز دوشنبه ۱۷ آوریل ۲۰۲۳ (۲۸ فروردین ۱۴۰۲) در گزارشی، از بیمارستان های کشور انگلیس با عنوان "بازاری مطلوب برای مجرمان جنسی" یاد کرده است.

در این گزارش آمده است: بیمارستان ها مکان هایی هستند که همه بیماران، کارکنان و عموم مردم باید کاملاً احساس امنیت کنند، اما تجاوزها و تجاوزات خشونت آمیز هر هفته در بیمارستان ها اتفاق می افتد از جمله تجاوزهای گروهی و تجاوز به کودکان!

۷۶ درصد کارمندان و کارکنان خواستار محدودیت ارتباط و جدایی محیط کار بین زن و مرد شده اند!!!
بابای من کیه؟

به گزارش نیویورک پست ۷ ژوئن ۲۰۲۳: تقریباً از هر ۱۰ مادر انگلیسی یک نفر مطمئن نیست که چه کسی پدر فرزندش است.

• فرانسه:

اگر چه فرانسه به زیبایی و آزادی مشهور شده ولی:

استعمارگر ترین دولت کنونی

چاپ پول فرانک CFA و اخذ مالیات از ۱۴ کشور آفریقایی

چهارمین رتبه در ذخایر شمش طلا بدون یک معدن طلا در حالی که کشور مالی با ۸۶۰ معدن طلا بدون ذخایر طلا

رکورددار کثیفترین کشور

رکورددار زن کش ترین کشور (هر دو نیم روز یک همسر کشته می شود)

اعتراضات خیابانی مردم و خوابیدن وسط خیابان

به همراه آلمان رتبه پنجم در بدهی

مالیات حدود ۳۵٪

زنانه مردانه کردن پیاده رو ها

به گزارش پلیس ۸۵۰۰۰ تجاوز در سال و میانگین ۲۳۲ تجاوز در روز

رتبه دوم در زنازادگی ۶۳,۵٪ بعد از ایسلند ۶۹,۴٪

عدم آزادی بیان، پوشش و...

مجازات توهین کنندگان به همجنسگرایان

محرومیت ۴ بازیکن پاریسن ژرمن (عثمان دمبله، اشرف حکیمی، مووانی، کورزاوا)

اخراج انزو استرنال از تیم ملی جوانان به خاطر نوشتن جمله «خدا بزرگ است» در زیر پیراهن و نمایش

آن بعد گل زنی

گشت ارشاد فرانسوی با ۲۰۰۰ نیرو در جلوی مدارس عدم اجازه به بانوان محجبه برای تدریس و

تحصیل برخلاف معلمین با خالکوبی شیطان پرستی

هزینه سنگین مسکن

یخچال و کولر و بخاری برای فقط ثروتمندان

خانه های ۱۴ متری

آپشن محسوب شدن سرویس بهداشتی

خیابان خوابی گسترده در پاریس

آلونک خوابی کنار ریل قطار

قطعی آب ۱۶ ساعته در شبانه روز کلانشهر های فرانسه و قابل شرب نبودن در ۵۰٪ مواقع

نظرسنجی ۲۱ آوریل ۲۰۲۳ ۷۴،۳٪ غذای کافی در طول سال ندارند

زباله گردی

آمار بالای خودکشی به خاطر تامین هزینه های زندگی رتبه ۱۸

ساخت دستگاه خودکشی به خاطر استقبال بالا

۹۲۰۰ دلار هزینه خودکشی با دستگاه

• انگلیس:

۴ سال در نوبت عمل فتق و زمان رسیدن نوبت، اگر پیامک تعویق عمل نیاید

به گزارش the peress و sky room: در اثر انتظار زیاد برای کشیدن دندان، کشیدن دندان با

انبردست رایج شده

بر اساس آخرین آمارها، تعداد بیمارانی که در سیستم بهداشت و درمان انگلیس مو سوم به NHS در

انتظار درمان جان خود را از دست میدهند، طی پنج سال دو برابر شده است

بیش از ۱۲۰,۰۰۰ نفر که در لیست انتظار دریافت خدمات درمانی NHS جان خود را از دست داده اند.

رتبه ششمین بدهکار دنیا

روزنامه گاردین: مردم انگلستان دارای بی کیفیت ترین سطح زندگی در اروپا هستند: از نظر گاردین

هزینه های بالای اجاره حمل و نقل، آب، برق و گاز، و نرخ بالای بیکاری و جرم و جنایت، از عوامل

اصلی بی کیفیت بودن سطح زندگی در انگلستان است.

از هر ۱۰ انگلیسی ۶ نفر مجبور به خرید کالای دست دوم هستند!

بنابر نظرسنجی پلتفرم trustpilot در انگلستان، خرید و فروش اجناس دسته دوم طی سال گذشته ۱۵

درصد افزایش یافته؛ وابستگی مردم به کالاهای دسته دوم عمدتاً به دلیل هزینه های بالای زندگی است.

بحران غذا:

توییت سیاوش اردلان (گزارشگر بی بی سی):

باور نکردنی که در بریتانیا ظرف ۱۵ سال گذشته تعداد نیازمندان غذایی از ۲۵۰۰۰ نفر به ۲,۶ میلیون نفر

رسیده

غم انگیز که این کمک ها بخش کوچکی از ۱۱,۳ میلیون نفری را پوشش میدهد که شبها گرسنه میخوابن

گزارش مفصل شبکه تلویزیونی «دویچه وله» از بحران رفاهی انگلیس:

۱۶ میلیون نفر مجبور به انتخاب گرم کردن اتاق یا هزینه خوراک خود و سگ هستند

۱۳ هفته میانگین انتظار برای ویزیت دکتر

تحت فشار اقتصادی شدید بودن قشر متوسط و درماندگی قشر کارگر و ضعیف

تاسیس وزارت خودکشی

در اواخر سال ۲۰۱۸ میلادی «ترزا می» نخست‌وزیر انگلستان، در پی افزایش آمار خودکشی در این

کشور، یک نفر را به‌عنوان وزیر پیشگیری از خودکشی انتخاب کرد. به‌نوعی این نخستین بار در جهان

است که یک کشور، وزیری (خانم جکی دوایل پرایس) را برای پیشگیری از خودکشی انتخاب می‌کند.

قسمت چهارم: سرعت رشد یا رتبه

در یک مسابقه دو میدانی، زمانی رتبه دهنده نشانگر قدرت اوست که نقطه شروع مسابقه برای همه یکی باشد.

آمریکا و کشورهای اروپایی صدها سال پیش حرکت خود را با غارت کشورهای دیگر شروع کرده‌اند. جمهوری اسلامی فقط ۴۵ سال پیش این مسابقه را بعد از بی‌کفایتی شاهان قاجار و پهلوی با کوله باری از عقب ماندگی‌ها شروع کرده است.

در این شرایط سرعت رشد است که میتواند نشان دهنده‌ی توان دهنده باشد.

مثال:

أ. سرعت رشد علمی

کمیت و کیفیت سهم تولید علم در ایران پس از انقلاب به اندازه‌ای رشد پیدا کرده که از جایگاه ۵۴ جهانی به «رتبه پانزدهم در جهان» ارتقا یافته است.

سهم تولید علم ایران قبل از انقلاب یک صدم در صد بود که اکنون با رشد ۲۰۰ برابری به جایگاه پانزدهم جهان رسیده است.

جایگاه جهانی ایران در توسعه علم نانو و در حوزه تولیدات تعداد مقالات علمی در زمینه نانو از

رتبه ۵۷ در سال ۲۰۰۱ به رتبه چهارم جهان رسیده است

«نشریه نیوسایتیست» گزارش داده است: «ایران دارای سریع‌ترین نرخ رشد علمی و از پیشروترین

کشورهای جهان در تولیدات علمی است. نرخ رشد علمی در ایران ۱۱ برابر میانگین جهانی است.»

بر اساس گزارشی که توسط وب سایت بین المللی «Web of Science» منتشر شد: «ایران با

نرخ رشد علمی ۱۰,۴ درصدی در سال ۲۰۱۹، در میان ۲۵ کشور برتر جهان در رتبه دوم قرار

دارد.»

همچنین به گزارش دو پایگاه معتبر علمی New Scientist و Metrix Science،

جمهوری اسلامی ایران با نرخ رشد ۱۱ برابر متوسط جهانی، رتبه نخست رشد علمی را

در بین سال‌های ۱۹۸۰-۲۰۰۹ دارا بوده است.

ب. شاخص توسعه انسانی

در حالی رتبه‌ی ایران در شاخص توسعه انسانی ۷۶ جهان است؛ که از لحاظ سرعت رشد، از اول

انقلاب تا کنون، جایگاه اول جهان را دارد.

خبرگزاری تسنیم: بنا به گزارش توسعه انسانی سازمان ملل در فاصله سالهای ۵۸ تا ۱۳۹۵ یعنی

درست سال اول تشکیل جمهوری اسلامی تا سال ۱۳۹۵ روی هم رفته رتبه اول میزان رشد شاخص

توسعه انسانی را به خود اختصاص داده است. میانگین رشد شاخص انسانی در جهان بین

درصد ۱,۶ است یعنی رشد ایران از دو برابر متوسط جهانی هم بیشتر بوده است.

 Human Development Reports		 	
76	 Iran (Islamic Republic of)	0.774	▼ -0.003 >
121	 Iraq	0.686	▲ 0.007 >
8	 Ireland	0.945	▲ 0.002 >
22	 Israel	0.919	▲ 0.002 >
30	 Italy	0.895	▲ 0.006 >
110	 Jamaica	0.709	▼ -0.004 >
19	 Japan	0.925	▲ 0.002 >
102	 Jordan	0.720	▼ -0.003 >
56	 Kazakhstan	0.811	▼ -0.003 >
152	 Kenya	0.575	▼ -0.003 >
136	 Kiribati	0.624	▲ 0.001 >
19	 Korea (Republic of)	0.925	▲ 0.003 >
50	 Kuwait	0.831	▲ 0.009 >
118	 Kyrgyzstan	0.692	▲ 0.003 >
140	 Lao People's Democratic Republic	0.607	▼ -0.001 >
39	 Latvia	0.863	▼ -0.008 >
112	 Lebanon	0.706	▼ -0.020 >
168	 Lesotho	0.514	▼ -0.007 >
178	 Liberia	0.481	▲ 0.001 >
104	 Libya	0.718	▲ 0.015 >

According to UNDP calculations between the years 1980 and 2012 Iranian HDI value increased by 67 percent, on an average annual increase as about 1.6% of annual increase that is two-fold more than other countries in high human development category. For all countries around the globe, the average gain was even less (only 0.69 percent). The UNPD report also clarifies that Iran achieved the second highest reduction in HDI shortfall among developing countries during 1990 - 2012. The life expectancy is raised up from 64.8 in 1990 to 75.3 year, in 2013 for the female gender. All of the mortality indexes, as NMR, IMR, and U5MR, decreased considerably but the main weakness remained equity in health expenditure and lack of clinical guidelines for scientific guides of health.

قسمت پنجم: عدم جامعیت شاخصه‌ها و تفاوت ساختار

شاخصه‌های بین‌المللی، همیشه نشانگر واقعیتها نیستند. اغراض سیاسی و اقتصادی در همیشگی تاریخ، در این شاخصه‌ها مؤثر بودند.

به عنوان مثال چند نمونه از شاخص‌ها را در ذیل بیان می‌کنیم:

أ. شاخص فلاکت

شاخص_فلاکت شاخصی اقتصادی است که در دهه ۱۹۶۰ میلادی توسط اقتصاددانی آمریکایی به نام آرتور اوکان در دوره ریاست جمهوری جانسون در این کشور ابداع شد. این شاخص از حاصل جمع نرخ تورم و نرخ بیکاری در یک کشور بدست می‌آید. بنابراین هر چه تورم و بیکاری در یک کشور بیشتر باشد، شاخص فلاکت در آن بالاتر خواهد بود.

هرچند تورم و بیکاری از عوامل تاثیرگذار و بسیار مهم در احساس فلاکت یا سعادت مردم یک کشور به شمار می‌رود اما بی‌توجهی این شاخص نسبت به پارامترهای توزیعی اقتصاد مانند نرخ فقر و نرخ نابرابری باعث شده تا درک نادرستی از این شاخص در ذهن مخاطب ایجاد شود.

به عنوان مثال میتوان به سیاستگذاری اقتصادی نادرست برای مهارت‌تورم در بسیاری از کشورهای آفریقایی اشاره کرد. یکی از نمونه‌های بارز آن کشور برونودی با نرخ فقر ۶۵ درصد است که از فقیرترین کشورهای دنیا محسوب می‌شود اما نرخ تورم آن در سالهای گذشته همواره تک‌رقمی و حتی در سال ۲۰۱۸ و ۲۰۱۹ منفی بوده است! نمونه دیگر نیز کشور جمهوری دموکراتیک کنگو با نرخ فقر ۷۷,۲ درصد است که در سالهای گذشته تورم تک‌رقمی داشته است.

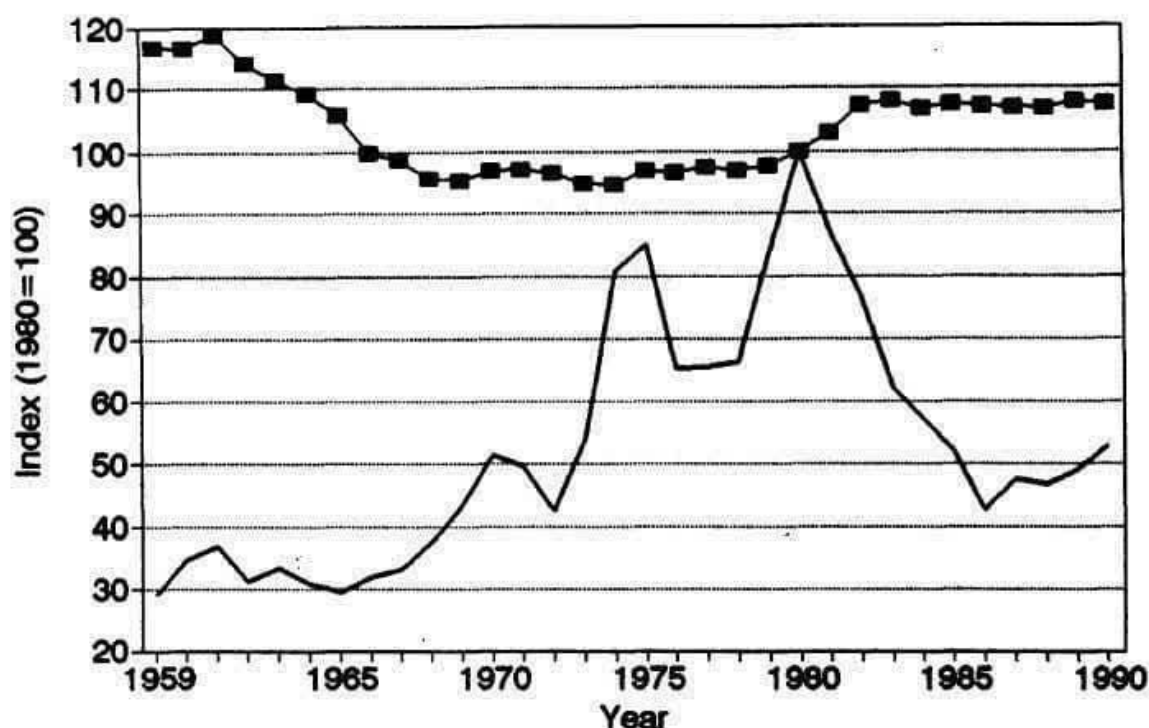
سیاستگذاری های نادرست برای مهار تورم و یا ایجاد اشتغال حتی در ایالات متحده آمریکا نیز تعارض هایی را بین شاخص فلاکت و وضعیت زندگی مردم بوجود آورده است. در سال ۱۹۸۰ میلادی رونالد ریگان جمهوریخواه در مناظرات تلویزیونی، کارتر دموکرات را بدلیل رسیدن شاخص فلاکت بعدد ۲۰ در دوره ریاست جمهوری وی نالایق خواند و با تکیه به همین مسئله توانست در انتخابات از رئیس جمهور وقت سبقت بگیرد و رئیس جمهور شود. در دولت بوش پدر که همفکر ریگان بود و بلافاصله پس از وی روی کار آمد علیرغم اینکه شاخص فلاکت نسبت به دوره دموکراتها پایین آمده بود اما فقر و نابرابری به حدی افزایش پیدا کرده بود که مردم دیگر به بوش پدر رای نداده و یک دموکرات بنام بیل کلینتون را به ریاست جمهوری ایالات متحده رساندند.

در پژوهشی که پس از رای آوردن بیل کلینتون و چهارساله شدن دولت بوش پدر در دانشگاه ایلانوا انجام شد اعلام شد که بعلت سیاستهای غلط اقتصادی جمهوریخواه ها برای مهار تورم و بیکاری، رابطه شاخص فلاکت و فقر در ایالات متحده رابطه ای معکوس است .

در ایالات متحده آمریکا کاهش شاخص فلاکت با افزایش فقر و نابرابری همراه بوده است.

رابطه مستقیم کاهش شاخص فلاکت با افزایش فقر و نابرابری در آمریکا

Figure 2 Misery and PAIN Indexes



منبع:

Martin A. Asher, Robert H. Defina & Kishor Thanawala (1993) The Misery Index:
Only Part of the Story, Challenge, 36:2, 58-62

این شاخص اقتصادی همچنین برای ضربه زدن به استقلال اقتصادی کشورهای در حال توسعه نیز مورد استفاده قرار میگیرد. رتبه بندی سالانه کشورهای دنیا بر اساس این شاخص باعث شده هر اقدامی که منتهی به تورم شود در سیاستگذاری مذموم تلقی شود، در صورتیکه سرمایه گذاری در بخشهای مختلف اقتصاد در کوتاه مدت تورم زاست. یکی از دلایل توسعه اقتصادی ژاپن عدم توجه به ارزیابی های سالیانه ترازهای مالی و تمرکز بر موفقیت سیاستها در انتهای مدت اجرای طرح های اقتصادی بود. در واقع با برجسته سازی رتبه بندی های سالیانه کشورها بر اساس شاخص هایی مانند شاخص فلاکت، کشورهای توسعه یافته لگد به نردبانی میزنند که خود بواسطه آن نردبان به قله های قدرت و ثروت رسیدند.

البته این واقعیات بدان معنا نیست که این شاخصها هیچ اهمیت اقتصادی ندارند. مسلماً تورم‌های سرکش و نرخ بیکاری بالا ضربه زننده به معیشت مردم هر کشوری است اما باید توجه داشت چه سیاستی برای مهار این علائم به کار گرفته می‌شود و رتبه بندی های سالیانه این شاخصها مسئولان را به سوی اتخاذ سیاستهای مسکن مقطعی که در بلندمدت منجر به تشدید بیماری‌های اقتصادی کشور میشود سوق ندهد؛ همانند اقدام دولت یازدهم در مهار تورم با استفاده از افزایش نرخ سود بانکی که ضربه مهلکی به بخش تولیدی کشور وارد کرد و زمینه افزایش شدید نقدینگی و تورم سرکش تری را پدید آورد.

ب. ارزش پول

اولاً با حذف صفرها، می‌توان یک‌شبه ارزش پول ملی را بسیار بالا برد؛ در حالی که در رفاه عمومی هیچ تغییری رخ نمی‌دهد. در ثانی، بررسی وضعیت درآمد در کنار ارزش پول ملی است که می‌تواند وضعیت قدرت خرید مردم را نشان دهد.

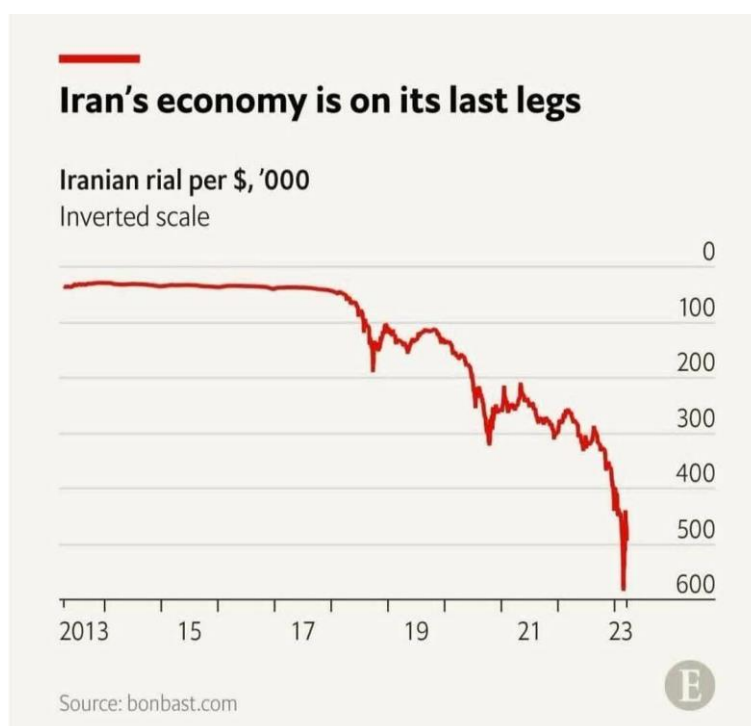
ارزش اسمی پول ملی یعنی آن چیزی که روی پول نوشته شده است. مثلاً در سال ۲۰۲۰ هر هزار تومان ما تقریباً برابر با ۲۰ افغانی افغانستان بوده است! هزار کجا و ۲۰ کجا. با نگاه اول، به نظر می‌رسد باید وضع اقتصاد ما از اقتصاد افغانستان بدتر باشد. اما دقیق‌تر که می‌شویم، می‌بینیم درآمد سرانه در افغانستان در سال ۲۰۲۰ میلادی (بر اساس آمارهای بانک جهانی) به‌طور متوسط برابر با ۳۹ هزار و ۷۶۱ افغانی یعنی معادل ۲ میلیون و ۱۸۵ هزار تومان در سال بوده است؛ این در حالی است که درآمد سرانه در ایران در سال ۲۰۲۰ (مطابق آمارهای بانک جهانی) برابر با ۴۶ میلیون و ۹۰۰ هزار تومان در سال بود.

بنابراین مهم نیست که ارزش یک افغانی نزدیک به ۵۵۰ ریال است. مهم آن است که بدانیم دریافتی و حقوق افراد چقدر است. در نسبت بین حقوق و ارزش پول ملی است که قدرت خرید معنا پیدا می‌کند.

بر اساس آمارهای بانک جهانی، ایران در سال ۲۰۲۰ میلادی در شاخص قدرت خرید سرانه رتبه‌ی ۸۵م دنیا را از میان ۱۹۷ کشور کسب کرده است؛ یعنی اگر جهان را به دو نیمه تقسیم کنیم، ما در نیمه‌ی بالایی قرار داریم و به‌طور میانگین، قدرت خرید مردم در ۱۱۲ کشور از ما ایرانیان کمتر است.

جالب آنکه برآوردهای صندوق بین‌المللی پول نشان می‌دهد که قدرت خرید سرانه در ایران، تا سال ۲۰۲۷ بالاتر هم خواهد رفت.

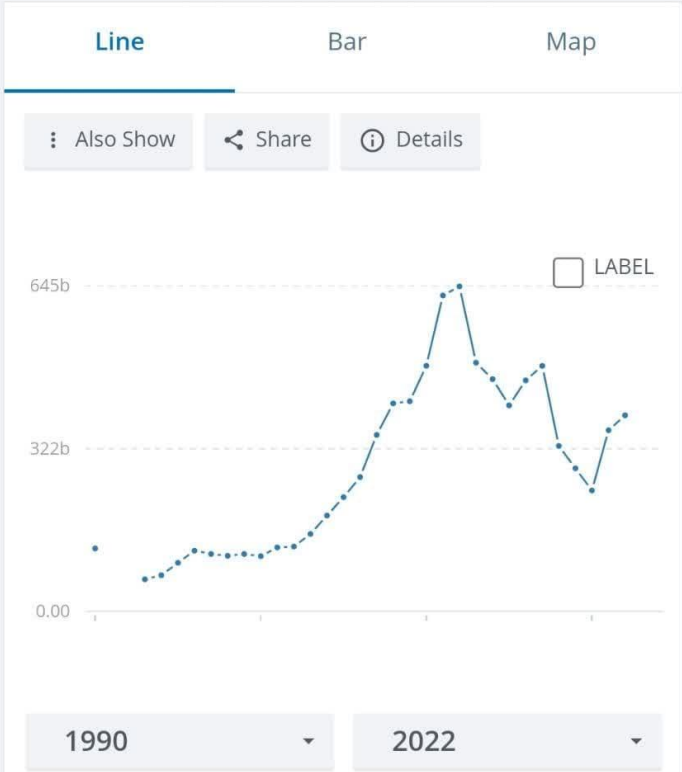
بسیاری از کشورها بوده‌اند که در چهل سال اخیر، #صفرهای پولشان را حذف کردند. همین امروز اگر ما ۴ صفر را حذف کنیم، ارزش پول ملی از ۸۱ کشور جهان بهتر می‌شود و تقریباً معادل ارزش پول ملی نیکاراگوئه خواهد شد. این در حالی است که قدرت خرید مردم نیکاراگوئه هم اکنون بر اساس آمارهای بانک جهانی، به‌طور متوسط یک‌سوم قدرت خرید ایرانیان است.



GDP (current US\$) - Iran, Islamic Rep.

World Bank national accounts data, and OECD National Accounts data files.

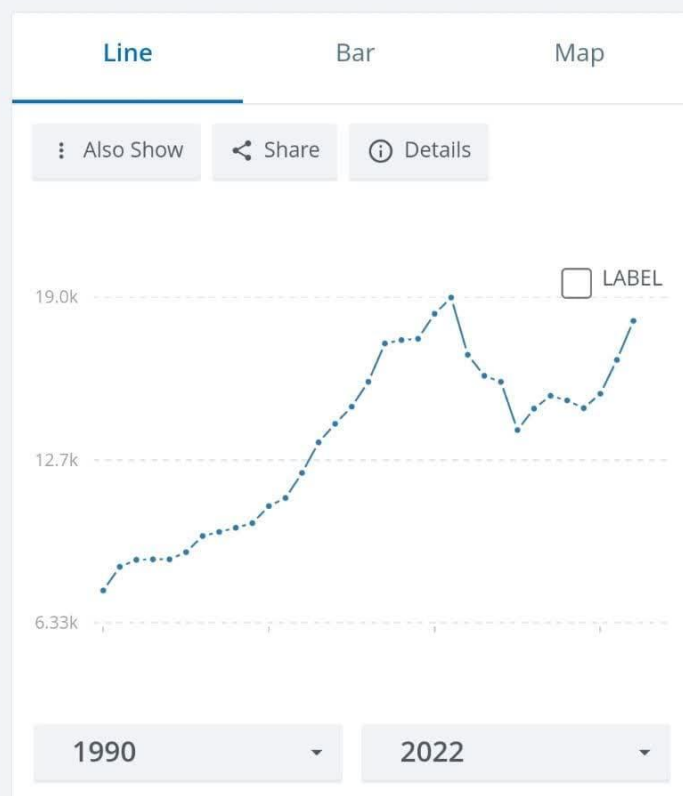
License : CC BY-4.0 ⓘ

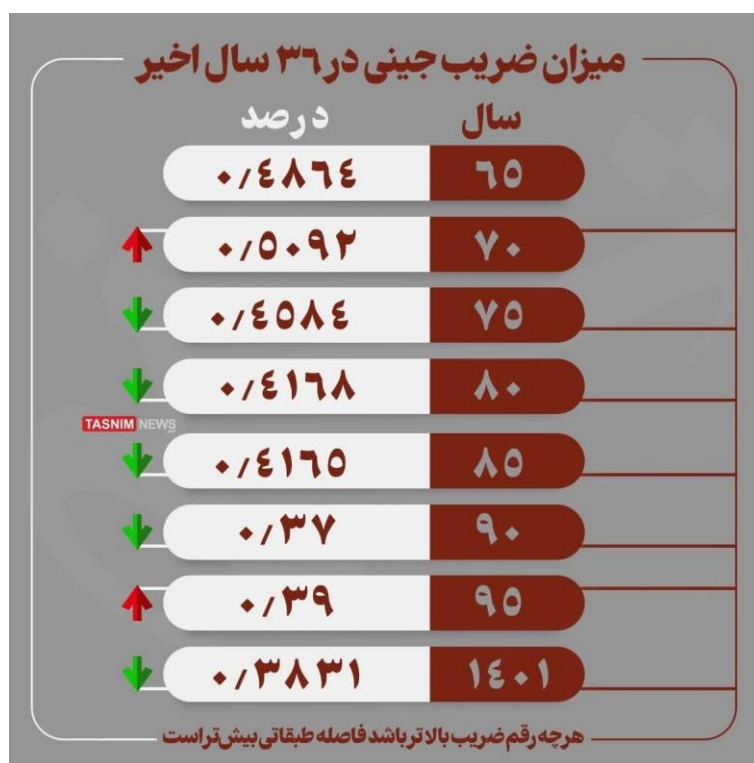


GDP per capita, PPP (current international \$) - Iran, Islamic Rep.

International Comparison Program, World Bank | World Development Indicators database, World Bank | Eurostat-OECD PPP Programme.

License : CC BY-4.0 [i](#)





ت. تولید ناخالص داخلی GDP

تولید ناخالص داخلی یا GDP که از معتبرترین شاخص های رشد اقتصادی یک کشور است و ایران در حال رشد در این شاخص است؛ با این حال توجه به این نکته که در غرب بنیان خانواده از هم پاشیده و تمام فعالیتهای زنان اعم از بچه داری و غذا درست کردن و... همه و همه در آمار آنها می آید. مثل انیمیشن پت و مت مادرها هم مجبورند کار کنند، از طرفی بچه را به مهدکودک ها می سپارند و غذا را از رستوران می خورند. ولی در ایران به سبب روابط صمیمی خانوادگی این کارها بدون هزینه و توسط مادر خانواده انجام می گیرد. و هرگز در میزان تولید ناخالص حساب نمیشود. ماهانه هر مادر ایرانی حدود ۶۰ میلیون GDP ارائه می دهد که در آمارها نمی آیند.

ث. آزادی زنان

دستاوردهای ایران در حوزه زنان نشان دهنده فراهم شدن زمینه های پیشرفت همه جانبه زنان است.

➤ برخی از واقعیتهای زن در غرب:

- رشد سریع تر میزان خودکشی در زنان، نسبت به مردان در آمریکا: در میان سالهای ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۶، با وجود این که آمار خودکشی در مردان نیز با میزان ۲۱ درصد در حال افزایش بود، افزایش این آمار برای بانوان نزدیک به ۵۰ درصد بود.
 - گزارشی به نام «پارادوکس خوشبختی زنان» که توسط دفتر ملی تحقیقات اقتصادی منتشر شد، می گوید علیرغم بهبود شاخص های کمی سلامت، طی ۳۵ سال گذشته در آمریکا، شادی کلی ذهنی در میان زنان هم به طور مطلق و هم به طور نسبی نسبت به شادی مردان کاهش یافته است.
 - پس از یک قرن آزادی زنان، وزارت بهداشت و خدمات انسانی آمریکا گزارش می دهد که از هر ۵ زن آمریکایی بیش از ۱ نفر، در طول زندگی خود به بیماری روانی مبتلا می شوند و دو برابر بیشتر از مردان در معرض افسردگی قرار دارند.
 - مصرف بی رویه الکل در میان زنان آمریکایی بین سالهای ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۳ بیش از دو برابر شده است.
 - موارد سندرم الکل جنینی در نوزادان تازه متولد شده از سال ۱۹۹۶ تا ۲۰۱۸ دو و نیم برابر شده است.
- بلایی که فمینیسم بر سر زنان غربی آورد این بود که به اسم آزادی و برابری زنان برخی از حقوق آنها را حذف کرد. به عنوان مثال حجم ساعات کاری یا شرایط خاصی که به نفع زنان در برخی کشورها وضع شده

بود به ضرر زنان تغییر کرد. طبق برخی قوانین اجبار نیروی کار زن به برداشتن و جابجایی بار بیش از یک وزن معین ممنوع بود اما به اسم برابری زن و مرد این امتیازات زنان لغو شد.

تشویق زنان به کسب شغل و استقلال مالی، پروژه‌ای بود که توسط موج_اول_فمینیسم ترویج شد. با ترویج ضرورت کسب شغل توسط زنان، اشتغال اولویت بالاتری نسبت به ازدواج پیدا کرد که در سال ۲۰۲۰، ۷۰ درصد طلاق‌ها توسط زن صورت گرفته است. که در میان زنان تحصیل کرده دانشگاه، تعداد کسانی که دادخواست طلاق را آغاز می‌کنند به ۹۰ درصد می‌رسد؛ چرا که آنها در معرض تبلیغات فمینیستی بسیار بیشتری از طریق برنامه‌های مطالعات زنان و جنسیت هستند.

ظلم مهمی که یکی از نتایج اصلی این موج از فمینیسم بود، تحمیل بار اقتصادی زندگی بر دوش زنان بود: اکنون سرپرست اقتصادی نیمی از خانواده‌های آمریکایی زنان هستند. یعنی فارغ از بحث شاغل بودن زنان، نیمی از خانواده‌ها مسئولیت تامین مالی آنها با زن هست.

بخش پنجم: بی‌اطلاعی از دستاوردها و نقاط قوت کشورمان

قسمت اول: تقویت معنویت و دینداری

أ. تعریف و معیار

تعریف، معیار و محدوده معنویت در قرآن با بیان ویژگی یاران پیامبر در این آیه خلاصه شده است:

مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ (فتح، ۲۹)

مردم ایران مصداق این آیه هستند. شاهد این مطلب این واقعیت است که محبوبترین شخص در شش سال اخیر در ایران حاج قاسم بوده که در مقابل استکبار ایستاده بود. مطالبه انتقام سخت از قاتلان حاج قاسم توسط مردم است.

شاهد دیگر، در روایات معیار دینداری با توجه به کلام پیامبر این گونه بیان شده است:

خدای متعال فرمود که قطعاً عذاب میکنم همه مسلمانان را اگر از امام ظالم پیروی کنند هرچند که از ابرار باشند و قطعاً میبخشم کسانی را که از امام عادل اطاعت کنند هرچند گناهکار باشند.

مردم ایران تابع امام عادل هستند.

ب. مصادیق

از نظر جامعه‌شناسی مردم در ۴ یا ۵ سال اول انقلاب بیشترین تمایل را به معنویت دارند که دوران طلایی دینداری نام دارد. پس باید الان که ۴۰ سال گذشته، معنویت کم شود اما در ذیل مثال‌هایی می‌آوریم که کاملاً برعکس این نظریه است.

۱. مقایسه با اوایل انقلاب:

- تشییع شهید بهشتی کم رونق تر از شهید حججی و حاج قاسم

- از کرامات شهدا در کلام مادرانشان مشروب نخوردن و فحشا انجام ندادن بوده است.

- بیشترین سوالات شرعی از حرم رضوی، احکام روزه خواری در جوانی است که معلوم می شود که جوانان روزه نمی گرفتند.

- تعداد افراد جبهه رفته در زمان جنگ تحمیلی شش در صد مردم ایران بودند اما در جنگ سوریه هشت درصد مردم در صف بودند که به بعضی ها اصلا نوبت نرسید.

۲. مثال هایی از بعد انقلاب

احیای مناسبت های مذهبی: پیاده روی اربعین، اعتکاف، غدیر، نیمه شعبان، نود هزار هیئت مذهبی،

گروه های جهادی در سال ۷۹، ۴۰ گروه بوده اما الان به تعداد ۱۲ هزار گروه رسیده که تعداد ۲،۰۰۰ گروه

برای سیل زدگان کرمانشاه رفتند نوبتشان نشد و تعداد ۲۰،۰۰۰ خانه و ۲،۴۰۰ کوچه و خیابان پاکسازی شد

برگزاری ۲۰،۰۰۰ یادواره شهدا

سالانه ۳۰ میلیون زائر مشهد

سالانه ۱۰ میلیون زائر قم

سالانه ۷،۵ میلیون زائر راهیان نور

سالانه ۳ میلیون زائر اربعین که بزرگترین اجتماع تاریخ در اربعین و عید فطر

سال ۹۶ حضور ۴۵ میلیون نفر در اماکن مذهبی

حضور میلیونی در شب‌های قدر و عرفه و کمیل و ندبه

جشن تکلیف سالانه برای ۷۰۰ هزار دانش آموز

جشن دهه کرامت در بیش از ۲،۰۰۰ نقطه ایران

جشن گلریزان برای آزادی ۸،۰۰۰ زندانی

ساخت مساجد حدود ۲،۵ برابر ۱۴۰۰ سال گذشته در این چهل سال

رشد ۱۰ برابری وقف نسبت به دهه گذشته

بیش از ۶،۰۰۰ موقوفه علمی و پژوهشی

ترجمه قرآن به بیش از ۱۴۸ زبان زنده دنیا که نوعاً خود جوش هستند

محبوب‌ترین فیلم‌ها، فیلم‌های دینی است: یوسف پیامبر، امام علی، مختار، مریم مقدس

۱. زمان پهلوی

• پهلوی و تورم:

۱. جان فوران استاد جامعه شناسی در دانشگاه سانتا باربارا کالیفرنیا در کتاب مقاومت شکننده تاریخ

تحولات اجتماعی ایران از سال ۱۵۰۰ میلادی تا انقلاب» می نویسد:

در بخش کشاورزی نه اصلاحات ارضی صورت گرفت و نه در بهره‌وری تولید تغییری روی داد تولید با افزایش جمعیت زیاد شد؛ اما دهقانان از حداقل معیشت برخوردار بودند بخش قبیله‌ای بر اثر تلاش‌های دولت به منظور اسکان سخت بر هم ریخت عده‌ای از مردم ایلات در این فرایند تلف شدند و تولیدات روستایی به شدت کاهش یافت. در بخش شهری نیز که دولت همه تلاش‌های تحول‌گرایانه‌اش را متمرکز کرد برای اکثریت مردم بهبودی در زندگی روزمره حاصل نشد. سطح استاندارد زندگی که با توجه به میزان درآمد و رژیم غذایی، مسکن، بهداشت و آموزش و پرورش اندازه‌گیری می‌شود؛ چندان بهبود نیافت صنعتی شدن به همراه مداخله دولت در تجارت خارجی به منظور احداث راه آهن به یک اقتصاد تورمی بلندمدت بعد از سال ۱۹۳۳م [شمسی ۱۳۱۲] انجامید؛ به طوری که در سال ۱۹۴۱م [شمسی ۱۳۲۰] قیمت‌ها دو برابر یا بیشتر شدند. دستمزدها به سرعت تورم افزایش نمی‌یافتند. تولید ناخالص ملی در فاصله سال‌های ۱۹۲۵ - ۱۹۴۰م [۱۳۰۴ - ۱۳۱۹ شمسی] دو برابر شد؛ اما بر میزان نابرابری درآمدها افزوده گردید. بخش روستایی تاوان غذای ارزان شهرنشینان را می‌پرداخت و توده‌های شهری هم بار سنگین مالیات‌ها را به جای سرمایه داران بر دوش می‌کشیدند منافع کلان سرمایه داران از قبل آنها تأمین می‌شد.

۲. آرتور چستر میلسپو، مشاور اسبق دفتر تجارت خارجی وزارت امور خارجه ایالات متحده که برای

سازمان‌دهی مجدد وزارت دارایی ایران استخدام شد در کتاب «آمریکایی‌ها در ایران» می‌نویسد:

در پایان حکومت رضا شاه از سال ۱۹۳۷ تا فوریه ۱۹۴۳م [۱۳۱۶ تا بهمن ۱۳۲۱ شمسی] هزینه زندگی طبق بهترین شاخص‌هایی که در دست بود از رقم پایه ۱۰۰ به ۷۷۸ افزایش یافته بود؛ یعنی قیمت‌ها تقریباً هشت برابر شده بود. تورم قبل از ۱۹۳۷ آغاز شده بود؛ اما بعد از هجوم نظامی و استعفا قیمت‌ها با سرعت افزایش یافت از مارس ۱۹۴۲ تا فوریه ۱۹۴۳ [از فروردین ۱۳۲۱ تا اسفند ۱۳۲۱] هزینه‌های زندگی بیش از دو برابر شد در زمان ورود ما به نظر می‌رسید که تورم به مرحله سر به فلک کشیده رسیده است.

۳. جان فوران، استاد جامعه‌شناسی در دانشگاه سانتا باربارا کالیفرنیا، در کتاب «مقاومت شکننده تاریخ

تحولات اجتماعی ایران از سال ۱۵۰۰ میلادی تا انقلاب» می‌نویسد:

در نیمه سال ۱۹۴۴م [۱۳۲۳ شمسی] قند و شکر جیره بندی شد کیلوگرمی ۸ ریال بود؛ اما در بازار سیاه کیلویی ۱۳۳ ریال خرید و فروش می‌شد. چای رسماً کیلویی ۴۰ ریال و در بازار سیاه ۴۰۰ ریال بود. لاستیک اتومبیل گران بها ترین قلم کالا در سال ۱۹۴۲م [۱۳۲۱ شمسی] در تهران بود؛ یعنی هر حلقه لاستیک ۲۰۰۰ دلار قیمت داشت. آسپرین در بازار رسمی یافت نمی‌شد؛ اما در بازار سیاه فراوان بود.

۴. محمد قلی مجد، مدرس مرکز خاورمیانه دانشگاه پنسیلوانیا، در کتاب «رضاشاه و بریتانیا» می‌نویسد:

دستمزدها فقط کفاف بخور و نمیر مردم را می‌دهد. یک کارگر معمولی روزانه ۴ تا ۱۰ ریال یا به طور متوسط ۸ ریال بیشتر دستمزد ندارد. صرف نظر از نرخ برابری ریال با ارزهای خارجی با یک ریال فقط می‌توان یک قرص نان سفید خرید؛ به عبارت دیگر یک کارگر باید ۳ تا ۷ ریال بابت غذای روزانه‌اش بپردازد؛ بنابراین می‌بینید که این دستمزدها حتی کفاف تأمین غذای یک خانواده را

هم نمی‌دهد؛ برای همین اکثر کارگران رژیم گرسنگی دارند. که شامل چای، نان محلی نه سفید، پنیر و پیاز، گاهی اوقات مقداری سبزی و انگور و به ندرت برنج و گوشت ارزان قیمت است؛ حتی پولی برای خرید لباس کافی یا داشتن رؤیای، تجملاتی چون تحصیل فرزندان نمی‌ماند. گاه همسر یا هم‌سران یک کارگر به همراه بچه‌ها کار می‌کنند تا خانواده درآمد بیشتری داشته باشد و سطح زندگی قدری بالاتر برود.

• پهلوی و کشورداری:

۱. استفانی کرونین، عضو هیئت علمی شرق شناسی دانشگاه آکسفورد در کتاب «ارتش و حکومت

پهلوی» می‌نویسد:

غارت و دزدی توسط ارتش یک اتفاق رایج بود، فرماندهان ثروتمند می‌شدند و دزدی و اختلاس تا پایین‌ترین سطوح لشکر رواج داشت چه در مشهد و چه در سرتاسر ایالت خراسان کسبه بهای کالاهایی را که به اسم ارتش از آنان خریداری شده بود دریافت نمی‌کردند و انتظار پرداخت آن را هم در آینده نداشتند.

۲. جان فوران، استاد جامعه شناسی در دانشگاه سانتا باربارا کالیفرنیا در کتاب «مقاومت شکننده تاریخ

تحولات اجتماعی ایران از سال ۱۵۰۰ میلادی تا انقلاب» می‌نویسد:

در سال ۱۹۴۵م [۱۳۲۴ شمسی] ایران به تنهایی بیشتر از تمام کشورهای عربی نفت تولید می‌کرد.

در بازه سال‌های ۱۹۵۰-۱۹۵۱م [۱۳۳۰-۱۳۲۹ شمسی] نیز حدود ۳۰ میلیون تن از جمع ۶۳۷

میلیون تن نفت جهان را تولید می‌کرد؛ اما در ازای هر بشکه نفت ۴۲ گالنی، تنها ۱۸ سنت دریافت

می‌نمود. در همان زمان بحرین به ازای بشکه‌ای ۳۵ سنت، عربستان سعودی بشکه‌ای ۵۶ سنت و

عراق بشکه‌ای ۶۰ سنت حق امتیاز می‌گرفتند. شرکت‌های نفتی آمریکایی در اواخر دهه ۱۹۴۰م

(دهه ۱۳۲۰ شمسی) قرارداد تقسیم سود بر مبنای ۵۰ - ۵۰ را با عربستان سعودی و ونزوئلا امضا

کردند. وقتی ایران خواهان تجدید نظر در میزان حق امتیاز خود شد؛ شرکت نفت ایران و انگلیس [APOC] تنها با یک قرارداد الحاقی موافقت کرد که حق امتیاز ایران را از تاریخ ۱۹۴۹م [۱۳۲۸ شمسی] به جای ۴ شیلینگ به ۶ شیلینگ برای هر تن افزایش دهد. م صدق در ژوئیه ۱۹۴۹م [تیر ۱۳۲۸ شمسی] با کش دادن بحث مجلس حول این مسئله مانع به تصویب رسیدن آن شد.

- پهلوی و رفاه:

۱. پرواند آبراهامیان مورخ ایرانی آمریکایی خاورمیانه و استاد برجسته تاریخ در کالج باروخ و مرکز تحصیلات تکمیلی دانشگاه نیویورک در کتاب «تاریخ ایران مدرن» می نویسد:

شکست رژیم [رضاخان] در یک حوزه اساسی یعنی بهداشت و سلامت عمومی به جز آبادان که یک شهر شرکت نفتی بود سایر شهرها از نظر پزشکی و بهداشت مدرن از جمله فاضلاب، آب لوله کشی، یا امکانات پزشکی، بهره کمتری داشتند. مرگ و میر کودکان همچنان زیاد بود. عوامل اصلی مرگ و میر اسهال، سرخک، حصبه، مالاریا و سل بودند؛ حتی در پایتخت نیز شمار پزشکان ثبت شده کمتر از ۴۰ نفر بود. سهم دیگر شهرها فقط ادارات بهداشت بود که وظیفه تأیید پزشکان و داروسازان جدید و همچنین سلب صلاحیت حکیمان سنتی را بر عهده داشتند و در عمل حکیمان سنتی درمان مردم را بر مبنای طب جالینوسی و «اخلاط چهارگانه» انجام می دادند.

۲. جان فوران استاد جامعه شناسی در دانشگاه سانتا باربارا کالیفرنیا در کتاب «مقاومت شکننده تاریخ تحولات اجتماعی ایران از سال ۱۵۰۰ میلادی تا انقلاب» می نویسد:

جدی ترین کمبود در زمان جنگ کمبود نان بود. در تهران قیمت نان در نیمه اول سال ۱۹۴۲م (۱۳۲۰ شمسی) از ۶ سنت به ۱ دلار افزایش یافت. هنگامی که احمد قوام در آگوست ۱۹۴۲م (مرداد ۱۳۲۱ شمسی) نخست وزیر شد در کنفرانس خبری خود تکه نانی را بالا برد و به سادگی گفت: «این برنامه من است. اگر بتوانم نان مرغوب را در دسترس همه ایرانیان قرار دهم حل

مشکلات دیگر آسان خواهد بود؛ با این حال کمبودها در پاییز شدید شد و کیفیت نان کاهش یافت؛ زیرا نانوایان برای ثروتمندان با آرد الک شده نان مرغوب می‌پختند و برای مردم فقیر آرد را با خاک آره، ماسه، خاکستر و خاک مخلوط می‌کردند. این بحران در ۸-۹ دسامبر ۱۹۴۲م [۱۷-۱۸ آذر ۱۳۲۱ شمسی] با کاهش سهمیه نان به اوج خود رسید. هزاران تظاهر کننده که بسیاری از آنها دانشجوی و زنان بچه دار بودند، جلوی مجلس جمع شدند و فریاد زدند «شما ممکن است ما را بکشید؛ اما ما باید نان داشته باشیم» نیروهای نظامی برای مهار غارت‌های پس از آن فراخوانده شدند و ۲۰ نفر کشته، ۷۰۰ نفر زخمی و ۱۵۶ نفر دستگیر شدند و خسارت ۱۵۰۰۰۰ دلاری به بازار وارد شد.

۳. محمد قلی مجد، مدرس مرکز خاورمیانه دانشگاه پنسیلوانیا در کتاب «رضاشاه و بریتانیا» می‌نویسد: «اسناد وزارت امور خارجه آمریکا درباره او ضاع و احوال ایران در اواخر حکومت رضا شاه نشان می‌دهد که بعد از ۲۰ سال غارت و وحشیگری انگلیسی‌ها و شریک‌شان، رضا شاه از ایران فقط برهوتی از فقر و قحطی باقی مانده بود تهران در سالهای ۱۹۴۰ و ۱۹۴۱م [۱۳۱۹ و ۱۳۲۰ شمسی] شاهد ناآرامی‌های اجتماعی و شورش مردم برای نان بود. در سال ۱۹۳۹م [۱۳۱۸ شمسی] برای همه ناظران خارجی مسلم بود که رضا شاه روزهای آخر حکومتش را می‌گذراند. خود شاه هم این مسئله را حس کرده بود؛ ولی تلاش‌های مذبوحانه‌ای که برای نجات رژیم متزلزلش انجام داد و شرح برخی از آنها در گزارش‌های دیپلماتیک آمریکا آمده است فقط موجب تضعیف بیشتر موقعیتش شد.

۱. پیتر آوری از برجسته ترین متخصصان تاریخ و ادبیات ایران در جهان و از محققان برجسته کمبریج در کتاب «ایران مدرن» می‌نویسد:

هنوز در کشور مناطقی وجود داشت که در آنجا دانش آموزان مدارس از فرط گر سنگی از علف و گل و بوته‌ی سبزینه‌های وحشی برای خود در حیاط مدرسه صبحانه درست می‌کردند به عبارتی دیگر نرخ سالانه رشد اقتصادی در سال ۱۹۵۴م [۱۳۳۲ شمسی] بین ۵ تا ۶ درصد را نشان می‌داد که این رقم نشانگر یک شکاف نسبتاً گسترده میان ثروتمندان و فقرا بود.

۴. فریدون هویدا نماینده ایران در سازمان ملل متحد تا سال ۵۷ و برادر امیرعباس هویدا در کتاب «سقوط شاه» می‌نویسد:

در بین راه به خاطر خستگی مفرط توانستم به راحتی لابه لای انبوه سربازان آمریکایی که مرا احاطه کردند و از بدنشان بوی توتون و آب جو متصاعد می‌شد؛ تا مدتی بخوابم. در سپیده صبح موقعی که قطار به اندیمشک رسید، متوجه حضور صدها مرد و زن و کودک پا برهنه در ایستگاه شدم که با لباس‌های کهنه از شدت سرما می‌لرزیدند و چشم به ما دوخته بودند. در گوشه‌ای از محوطه ایستگاه، نمایندگان مرکز تدارکات ارتش آمریکا، صبحانه سربازان آمریکایی قطار را به صورت ساندویچ‌هایی که در کاغذ پیچیده شده بود همراه با میوه و فنجانی قهوه بین آنها تقسیم می‌کردند این سربازان بلافاصله صبحانه خود را خوردند. قبل از سوار شدن به قطار باقیمانده غذاهایشان را به داخل بشکه‌هایی که در کنار محوطه قرار داشت پرتاب کردند. در این موقع ناگهان ایرانی‌های پابرهنه‌ای که در ایستگاه انتظار می‌کشیدند به سوی بشکه‌ها هجوم آوردند و با جست و جو در میان باقیمانده غذای آمریکایی‌ها هر کدام تکه‌ای نان یا پرتقال و یا پوست موزی بدست می‌آورد، به سرعت در دهان می‌گذاشتند و می‌خوردند.

۵. اسدالله علم اینطور تعریف کرده است:

«سواری زیبایی بود آرزو کردم ای کاش تنها نبودم؛ دو کامیون در جاده فرح آباد تصادف کرده بودند و ترافیک شده بود و راه را حسابی بند آورده بودند. صبر کردم و در این فاصله، نگاهی به

زندگانی مردم این بخش تهران انداختم تمام خیابان‌هایی که به بزرگراه می‌خورند کثیف و خاکی هستند... صبح زود بود و پلیس راهنمایی هنوز سر کار نیامده بود؛ ولی یک پلیس تنها که پی در پی سیگار می‌کشید باد در غبغب انداخته بود و چنان با مردم رفتار می‌کرد که گویی پادشاهی است در حضور رعایایش چند مرد و چند زن چادری با بغچه‌های زیربغل از حمام عازم خانه بودند... گروهی بچه دور هم جمع بودند. دخترها همگی چادر بر سر داشتند طبقات بالای جامعه ما هرگز چنین ساعتی از خواب بیدار نمی‌شوند، دخترهایشان هم چادر سرشان نمی‌کنند. مردم دور چرخ لبوفروشی ازدحام کرده بودند. در گوشه خیابان، چند سگ ولگرد و چند بچه لخت و عور لابه‌لای زباله‌ها می‌لولیدند... سربازان وظیفه با سرهای تراشیده، شلووارهای بدقواره و پوتین‌های بی‌ریخت در کنار خیابان قدم می‌زدند و ظاهراً از تعطیلی صبح جمعه شان لذت می‌بردند... هم کسالت آور بود و هم غم انگیز: صحنه‌ای از جامعه رو به توسعه ... هیچ مقدار خوش بینی، زندگی را در این خیابان‌ها تغییر نمی‌دهد.»

۶. با وجود فقر و عقب ماندگی مفرط مردم و کشور در دوره محمدرضا شاه، پهلوی بی‌هیچ نگرانی به سفرهای تفریحی خارج از کشور می‌رود. ا. س.دالله علم در خاطرات ۳۰ بهمن ۱۳۴۸ نوشته است: «امروز بعدازظهر که به حضور شاه، رفتم وسط کار ما ساژ و حمام بودند. دو ساعتی باهم صحبت کردیم. عرض کردم به نظر من ایشان هم در ورزش و هم در فعالیت‌های شبانه[!] افراط می‌کنند...! به تذکره خندید... بار دیگر پیشنهاد کردم به حد کافی خارج از مملکت بوده‌ایم و اکنون بهتر است برگردیم. مثل این [بود] که دنیا را بر سرش خراب کرده باشم اما وظیفه من ایجاب می‌کند که به اطلاع برسانم که پادشاه ایران نمی‌تواند ۴۵ روز را خارج از وطنش و صرفاً بابت استراحت و سرگرمی بگذراند. مردم این چیزها را تحمل نمی‌کند.»

• پهلوی و املاک مردم:

۱. تشکیل اداره املاک پهلوی در اول پادشاهی رضا شاه، غصب ۲۱۶۷ روستا: رضا شاه در غصب

املاک مردم سیری نداشت و با احتساب متوسط هر خانوار، شمار افرادی را که درآمدشان از

تصاحب زمین به جیب رضاشاه می‌رفت بالغ بر ۲۵۴۵۸۵ نفر بود.

۲. محمد علی همایون کاتوزیان عضو دانشکده مطالعات شرقی دانشگاه آکسفورد در کتاب «اقتصاد

سیاسی ایران مدرن استبداد و شبه مدرنیسم» می‌نویسد:

پیش از اصلاحات ارضی سال ۱۹۶۲م [شمسی ۱۳۴۱] این زمین‌ها پس از کناره‌گیری رضا شاه

توسط دولت مصادره شد و در سال ۱۹۴۸م [شمسی ۱۳۲۷] تحت سرپرستی شاه نهاده شد؛ قبل

از کودتای ۱۹۵۳م [شمسی ۱۳۳۲] از وی باز پس گرفته شد و پس از کودتا دوباره تحت اختیار شاه

قرار گرفت و این زمین‌ها را با قیمتی که میخواست به صورت اقساطی به دهقانان فروخت، بهای

آنها را از خزانه دولت گرفت و با سرمایه‌گذاری آن در زمینه‌های سودآور در داخل و خارج بر

ثروت خویش افزود، خود را از شر این اموال خطرناک و غیر منقول خلاص کرد و در انظار جهانیان

[هم] به خود بالید که زمین‌های خودش را به دهقانان بخشیده است.

۳. میشل فوکو، فیدسوف، جامعه‌شناس و مورخ، فرانسوی، در یکی از نوشته‌های خود که در جلد

سوم از مجموعه یادداشت‌ها در چهار جلد «گردآوری شده است، می‌نویسد:

از اصلاحات ارضی نه تنها ملاکان بزرگ بلکه دهقانانی هم که صاحب تکه زمینی شده‌اند،

پشت‌شان زیر بار قرض‌هایشان خم شده و ناگزیر به شهرها کوچ کرده‌اند. صنعتگران و صاحبان

صنایع خرد از این وضعیت ناراضی‌اند؛ زیرا پیدایش بازار داخلی عمدتاً به سود محصولات خارجی

بوده است. کاسب‌های بازار که مدل امروزی شهرسازی به تنگ‌نایشان آورده بود نیز ناراضی‌اند.

طبقه ثروتمند هم ناراضی است زیرا گمان می‌کرد که نوعی صنعت ملی به وجود خواهد آمد، اما

حالا باید سرمایه‌اش را در بانک‌های کالیفرنیا بگذارد یا صرف خرید مستغلات در پاریس کند.

۴. نیکی آرکدی، پروفیسور بازنشسته تاریخ در دانشگاه کالیفرنیا و لس آنجلس و یان ریچارد از اساتید و محققان برجسته دانشگاه سوربون فرانسه در کتاب «ایران مدرن؛ ریشه ها و نتایج انقلاب» می نویسند:

پدرش، اکثراً از راه‌های مشکوک حدود دو هزار پارچه آبادی را تصاحب کرده بود. لذا پس از تبعید رضا شاه سرو صدای زیادی در مورد برگرداندن آن املاک به صاحبان قبلی آنها وجود داشت. این کار تقریباً غیر ممکن به نظر می‌رسید، شاه در ابتدا آن زمین‌ها را در اختیار مجلس گذاشت تا مجلس به میل خود آنها را منتقل سازد. اما بعداً آنها را پس گرفت و برنامه‌ای در مورد فروش شخصی آنها به زارعینی که روی آن زمین‌ها کشت می‌کردند به اجرا درآورد اکثر مردم نمی‌دانستند پولی که از راه فروش این زمین‌ها به دست می‌آید تحت کنترل و اختیار شاه باقی خواهد ماند و حدود ثلث این زمین‌ها نیز در اختیار ثروتمندان نزدیک به دربار و همچنین اعضای خانواده سلطنتی قرار می‌گرفت.

• پهلوی و مردم‌داری:

۱. ویلیام داگلاس قاضی دادگاه عالی ایالات متحده در کتاب «سرزمین شگفت انگیز و مردمی مهربان و دوست داشتنی» می‌نویسد:

نرخ مرگ و میر مردم ایلات و عشایر در آن برهه از زمان در زمان تخت قاپوی عشایر به قدری بالا بود که بسیاری فکر می‌کردند اگر اوضاع و احوال چند دهه دیگر به همین منوال ادامه پیدا کند به زودی وجود آنها از صحنه روزگار محو خواهد شد. شایان ذکر است که این عشایر برای زنده ماندن چاره‌ای جز مهاجرت و کوچ نشینی نداشتند؛ بنابراین حاضر بودند برای اینکه به آنها اجازه مهاجرت داده شود، تمام دارایی خود را به افسران ارتش ر شوه بدهند و ارتش هم مثل زالو به این

مردم محروم چه سبیده بود ر شوه و باج خواهی و گرفتن حق و حساب به صورت رسم و برنامه روزانه درآمد بود.

۲. آنتونی پارسونز دیپلمات انگلیسی و سفیر بریتانیا در ایران در کتاب «غرور و سقوط ایران» می‌نویسد:

من از یک جنگل و مرتع حفاظت شده هم که به سبک کشورهای غربی برای حفظ حیات وحش قرق شده بود بازدید کردم عشایر و دامداران محلی که طی قرن‌ها از این جنگل‌ها و مراتع برای چرای دام‌های خود استفاده می‌کردند، اجازه‌ی ورود به مناطق ممنوعه را نداشتند و در صورت تخلف بازداشت و زندانی می‌شدند ولی اعضای خانواده‌های وابسته به رژیم با اجازه مخصوص از این مناطق ممنوعه برای شکار استفاده می‌کردند زنده‌ترین نوع تضاد در خودنمایی و فخر فروشی طبقات مرفه و نوکیسه‌های شمال شهر و وضع فلاکت بار و آشفته توده‌های مردم در جنوب تهران مشاهده می‌شد.

• پهلوی و قدرت نظامی:

۱. محمد قلی مجد مدرس مرکز خاورمیانه دانشگاه پنسیلوانیا، در کتاب «رضاشاه و بریتانیا» می‌نویسد: در ساعات اولیه روز ۲۵ اوت ۱۹۴۱م [۳] شهریور ۱۳۲۰ شمسی] نیروهای انگلیس و شوروی از غرب و شمال به ایران حمله کردند ارتش ملی رضاخان که به مدت ۲۰ سال، هر ساله حداقل ۵۰ درصد از بودجه مملکت صرف آن شده بود، همان ارتشی که ظاهراً بخش عمده‌ای از درآمدهای نفتی ایران خرج آن شده بود، همان ارتشی که چنان رشادتی در سرکوب تظاهر کنندگان بی سلاح مشهود در سال ۱۹۳۵م [۱۳۱۴ شمسی] نشان داده بود؛ به سختی توانست کوچک‌ترین مقاومتی در برابر مهاجمان از خود نشان بدهد. رضاشاه با خفت و خواری به سفارت انگلیس درخواست پناهندگی داد.

۲. شکی نیست که مقاومت جانانه میهن پرستانی نظیر میرزا کوچک خان و صولت الدوله قشقایی در برابر مهاجمان انگلیسی بسیار مقتدرانه تر و افتخارآمیزتر از واکنش رقت انگیز ارتش به اصطلاح ملی پهلوی بود.

• پهلوی و صنعت:

۱. محمد قلی مجد، مدرس مرکز خاورمیانه دانشگاه پنسیلوانیا، در کتاب «رضاشاه و بریتانیا» می‌نویسد: سی ون. اچ. انگرت کاردار آمریکا گزارش داده است که نزدیک به ۳۰۰۰۰ بنای قدیمی در تهران به دستور شخص رضاشاه تخریب و ساختمان‌های جدیدی به جای آنها ساخته شد تخریب بی دلیل و جنایتکارانه میراث فرهنگی با نام تجدد و ترقی صورت می‌گرفت. انگرت با اندوه قلع و قمع بی‌رحمانه درختان با شکوه و چند صد ساله را به بهانه ساخت بلوارهای عریض به سبک اروپایی گزارش کرده است اسناد وزارت امور خارجه آمریکا و گزارش‌های میدلسپو شرحی مستند از نحوه تاراج سیستماتیک جواهرات سلطنتی ایران را نیز به دست رضاشاه ارائه می‌دهد و در می‌یابیم که در سال ۱۹۳۷م [۱۳۱۶ شمسی] مقداری از جواهرات سلطنتی که رضاشاه علاقه خاصی به آنها داشت از جواهرات دیگر جدا گذاشته شدند او در سال ۱۹۴۱م [۱۳۲۰ شمسی] به هنگام ترک کشور آنها را نیز با خود برد. با توجه به حرص و طمع رضا شاه غارت جواهرات سلطنتی چندان تعجب آور نبود. گزارش‌های وزارت امور خارجه آمریکا به طور مستند نشان می‌دهد که مقادیر زیادی از اشیای عتیقه و آثار باستانی ایران بین سال‌های ۱۹۲۵ تا ۱۹۴۱م [۱۳۰۴ تا ۱۳۲۰ شمسی] از کشور خارج شد. این همان دوره‌ای است که موزه‌های اروپا و آمریکا بیشتر آثار باستانی متعلق به ایران را به دست آوردند نه فقط ثروت نفتی ایران که میراث فرهنگی آن به شکل سیستماتیک غارت یا ویران شد و در این میان، دانشگاه‌های پنسیلوانیا و شیکاگو از مجرمان اصلی بودند.

۲. محمد قلی مجد، مدرس مرکز خاورمیانه دانشگاه پنسیلوانیا، در کتاب «رضاشاه و بریتانیا» می‌نویسد:

بانک جهانی در گزارشی به بررسی تأثیر صنعت نفت ایران بر اقتصاد کشور می‌پردازد: در طول ۴۰ سال اخیر جمعیت ۱۳ تا ۱۸ میلیون نفری ایران عمدتاً به کشاورزی و بخش محدودی نیز به تجارت و تولید منسوجات اشتغال داشته‌اند به رغم وفور مواد خام، نیروی کار و دسترسی به دریا هیچگونه صنایع سنگین یا کارخانه تولید یا فراوری مواد خام به جز نفت در این کشور وجود ندارد. شاید هیچ کشور دیگری در جهان نباشد که با داشتن منابع قابل مقایسه با ایران از لحاظ توسعه اقتصادی به این اندازه عقب افتاده باشد؛ با این حال این کشور بدون شک دارای بزرگترین عملیات نفتی منسجم با پایین‌ترین هزینه تولید در جهان است؛ ولی این صنعت نفت چه سهمی در اقتصاد ایران داشته است؟ این، گزارش فقدان پیشرفت در ایران را با پیشرفت اقتصادی سریع ۳۰ سال اخیر در ترکیه که به اندازه ایران از موهبت منابع طبیعی برخوردار نیست مقایسه می‌کند متأسفانه اقتصاد ایران هیچ سودی از نفت نبرده بود.

۳. آرتور چستر میلسپو، مشاور اسبق دفتر تجارت خارجی وزارت امور خارجه ایالات متحده که برای سازمان دهی مجدد وزارت دارایی ایران استخدام شد در کتاب «آمریکایی‌ها در ایران» می‌نویسد: در زمینه اقتصادی هدف رضا شاه پیشرفت و خودکفایی کشور و ضمناً سودجویی خودش بود. او کشت و زرع را در زمینهایی که از دیگران غصب کرده بود ترقی داد. متأسفانه کشت تریاک در مقابل کشت گندم که ستون فقرات کشور بود توسعه یافت.

۴. سر ریدر بولارد وزیر و سفیر بریتانیا در ایران دیپلمات و نویسنده بریتانیایی در کتاب «نامه‌هایی از تهران» می‌نویسد:

ایران به علت سیاست اقتصادی احمقانه‌ای که سال‌ها در این مملکت دنبال شده در وضع بدی قرار دارد عاقلانه آن بود که برای خریدن ماشین آلات و غیره، مواد خام مانند پنبه و پشم که خود نمی‌تواند از آن استفاده کند صادر میکرد اما سال‌هاست که مقادیر عظیمی مواد غذایی به روسیه و

آلمان صادر می شود. در حال حاضر سیلوهای عظیمی در نقاط مختلف کشور وجود دارد که در هیچ یک از آنها یک دانه گندم یافت نمی شود و ایران یک مملکت تولیدکننده گندم ماهاست که آرد مورد نیاز نانوائی ها را با آرد جو و برنج مخلوط می کند و از هند گندم وارد کرده است و می خواهد بیشتر هم وارد کند. مملکت در اینجا و آنجا مزین به صنایع و کارخانه های جدیدی شده که اداره بعضی از آنها از توان ایرانی ها خارج است و همچنین مزین به هتل های عظیمی گردیده که به خرج دولت ساخته شده و معمولاً خالی است؛ بدون اینکه ذکری از یک سری قصرهایی شود که شاه هر چند ماه یک بار احتمالاً سر راه خود برای خوردن یک فنجان قهوه در آنها توقف می کند وضع ارزاق به حدی بد است که برای کشت برنج در اصفهان و چند جای دیگر که کاشت آن ممنوع گردیده بود دوباره مجوز صادر شده است. ممنوعیت آسمان برای حفظ جان مردم در مقابل مالاریا ولی در واقع به دلیل جلوگیری از رقابت با برنج املاک اختصاصی شاه در شمال است؛ املاکی که بیشتر آنها به طرق مشکوکی به دست آمده است.

۵. جان فوران استاد جامعه شناسی در دانشگاه سانتا باربارا کالیفرنیا در کتاب «مقاومت شکننده تاریخ

تحولات اجتماعی ایران از سال ۱۵۰۰ میلادی تا انقلاب» می نویسد:

در بخش کشاورزی نه اصلاحات ارضی صورت گرفت و نه در بهره وری تولید تغییری روی داد تولید با افزایش جمعیت زیاد شد؛ اما دهقانان از حداقل معیشت برخوردار بودند بخش قبیله ای بر اثر تلاش های دولت به منظور اسکان سخت برهم ریخت عده ای از مردم ایلات در این فرایند تلف شدند و تولیدات روستایی به شدت کاهش یافت در بخش شهری نیز که دولت همه تلاش های تحول گرایانه اش را متمرکز کرد برای اکثریت مردم بهبودی در زندگی روزمره حاصل نشد. سطح استاندارد زندگی که با توجه به میزان درآمد و رژیم غذایی، مسکن، بهداشت و آموزش و پرورش اندازه گیری می شود چندان بهبود نیافت صنعتی شدن به همراه مداخله دولت در تجارت خارجی به

منظورِ احداثِ راه آهن به یک اقتصادِ تورمی بلندمدت بعد از سال ۱۹۳۳م [۱۳۱۲ شمسی] انجامید؛ به طوری که در سال ۱۹۴۱م [۱۳۲۰ شمسی] قیمت‌ها دو برابر یا بیشتر شدند.

۶. رابرت گراهام خبرنگار سابق روزنامه فایننشال تایمز در کتاب «ایران سراب قدرت» می‌نویسد:

همان‌طور که جولیان باریر نیز درباره راه آهن ایران با ترش‌رویی گفته است، شکی نیست که با هر نوع معیار اقتصادی که بسنجیم ساخت راه آهن بی‌هدف و بی‌برنامه بوده است. ساخت هر مایل خط آهن ۳۵۰۰۰ پوند هزینه برداشت. در مقابل احداث ۱ جاده حداکثر ۵۲۵ پوند برای هر مایل هزینه برمی‌داشت احداث جاده می‌توانست همان هدف را برآورده کند و در مقابل عیوب آن از جمله شیب شدید که مانع حمل بارهای سنگین توسط قطار می‌شود و گرما و خشکی هوا که استفاده از لوکوموتیوهای بخار را غیر ممکن می‌سازد را هم نداشته باشد.

۷. محمد علی همایون کاتوزیان عضو دانشکده مطالعات شرقی دانشگاه آکسفورد در کتاب «اقتصاد سیاسی ایران مدرن استبداد و شبه مدرنیسم» می‌نویسد:

مسیر جنوبی راه آهن از تهران به خلیج فارس ظاهراً باید با در نظر گرفتن مسائل نظامی داخلی تعیین شده باشد؛ زیرا دستیابی به نقاط اصلی بحران‌های قومی و عشایری را بسیار آسان‌تر می‌ساخت در حقیقت احتمال دارد رضاشاه نخست هنگامی که برای سرکوب شیخ خزعل به خوزستان لشکرکشی می‌کرد به این فکر افتاده باشد. مسیر شمالی راه آهن از تهران تا بندر شاه ظاهراً اهداف دوگانه‌ای را برآورده می‌کرده است. تهران را به مازندران زادگاه خود رضاشاه و جایی که او املاک و سیعی را به دست آورده و در پی مصادره بسیاری دیگر بود و فراتر از آن به ترکمن صحرا متصل می‌کرد که از لحاظ تولید پنبه بسیار حاصل‌خیز بود و او به اراضی آن چشم طمع داشت؛ در ضمن این راه یک راه آهن سراسری واقعی و این خواست جزئی از یک چشم انداز کلی بود به دلایلی مشابه راه آهن به جاده ترجیح داده شد. هم دولت و هم وابستگان آن به شدت

خواستار ایجاد راه آهن بودند و ساختن جاده اشتیاق آنها را به هیچ وجه سیراب نمی‌کرد؛ از این گذشته ملاحظات مربوط به استراتژی نظامی در داخل کشور ممکن است به سود ساختن راه آهن بوده باشد؛ از این روی که معمولاً نقل و انتقال تجهیزات سنگین و نفرات نظامی از طریق راه آهن سریع‌تر و مؤثرتر انجام می‌گیرد و این امر به خصوص در مورد ایران در آن دوران صادق بود.

۸. سر ریدر بولارد وزیر و سفیر بریتانیا در ایران دیپلمات و نویسنده بریتانیایی در کتاب «نامه‌هایی از تهران» می‌نویسد:

شاه در حالی که تعدادی قصر بی‌استفاده در تهران ساخت درمورد تأمین آب لوله کشی هیچ کاری نکرد و گذاشت مردم تهی دست پایتختش حتی برای آب آشامیدنی محتاج جوی خیابان باقی بمانند.

۹. جان فوران استاد جامعه شناسی در دانشگاه سانتا باربارا کالیفرنیا در کتاب «مقاومت شکننده تاریخ تحولات اجتماعی ایران از سال ۱۵۰۰ میلادی تا انقلاب» می‌نویسد:

صنایع اصلی اتومبیل و لوازم برقی اساساً صنایع آچاری بودند بدین معنی که اکثر قطعات و اجزا را از خارج می‌آوردند و در داخل آنها را مونتاژ می‌کردند. لذا ارز افزوده کمی داشتند و فقط مقدار بسیار کمی به ارزش نهایی آنها افزوده می‌شد. شرکت‌های دارویی اغلب مواد دارویی و حتی وسایل بسته‌بندی دارو را از خارج می‌آوردند به گفته‌ی یکی از مدیران فراری شرکت دارویی خارجی بسیار بزرگ کارخانه او در ایران چیزی بیش از یک انبار بزرگ دارو نبود. در سال ۱۹۷۸م [۱۳۵۷ شمسی]، شرکت‌های دارویی ۸۵ تا ۱۰۰ درصد به مواد دارویی وارداتی اتکا داشتند. برای شرکت‌های شیمیایی میزان این وابستگی ۶۰ تا ۱۰۰ درصد برای بافندگی ۸۰ درصد ماشین‌ها؛ بعضی صنایع غذایی ۷۰ درصد و پاره‌ای مصالح ساختمانی ۵۷ درصد بود.

• پهلوی و مسکن:

۲. جان فوران استاد جامعه شناسی در دانشگاه سانتا باربارا کالیفرنیا، در کتاب «مقاومت شکننده تاریخ

تحولات اجتماعی ایران از سال ۱۵۰۰ میلادی تا انقلاب» می نویسد:

در سال ۱۹۷۲م [۱۳۵۱ شمسی] ۶/۴۳ درصد از درآمد میانگین [یک فرد] شهرنشین که ۱۲۲ دلار

در ماه درآمد داشت صرف مواد غذایی می شد اجاره ها در فاصله ی ۱۹۷۵-۱۹۶۰م [۱۳۳۹-۱۳۵۴

شمسی] ۱۵ برابر شده است. در فاصله ی ۱۹۷۴-۱۹۷۵م [۱۳۵۳-۱۳۵۴ شمسی] این هزینه ها ۲۰۰

در صد و در سال ۱۹۷۵-۱۹۷۶م [۱۳۵۴-۱۳۵۵ شمسی] ۱۰۰ درصد افزایش داشته است تعداد

خانواده های شهرنشین که تنها در یک اتاق زندگی می کردند از ۳۶ درصد در سال ۱۹۶۷م [۱۳۴۶

شمسی] به ۴۳ درصد در سال ۱۹۷۷م [۱۳۵۶ شمسی] افزایش یافت.

۳. پرواند آبراهامیان مورخ ایرانی آمریکایی خاورمیانه و استاد برجسته تاریخ در کالج باروخ و مرکز

تحصیلات تکمیلی دانشگاه نیویورک در کتاب «ایران بین دو انقلاب» می نویسد:

گزارش منتشر شده در نشریه ی اکونومیست لندن در سال ۱۹۷۶م [۱۳۵۵ شمسی] برآورد کرد که

اجاره بها در نقاط مسکونی تهران در عرض پنج سال ۳۰۰ درصد افزایش پیدا کرده است و در سال

۱۹۷۵م [۱۳۵۴ شمسی] یک خانواده ی طبقه متوسط می باید نصف درآمد سالیانه اش را صرف

مسکن کند مجموعه ی پیچیده ای از عوامل سبب این تورم بود فقدان مسکن و ورود بالغ بر ۶۰۰۰۰

تکنیسین خارجی با حقوق بالا، نارسایی تولید کشاورزی در قیاس با جمعیت فزاینده، افزایش

ناگهانی قیمت مواد غذایی در بازارهای جهانی شکست برنامه ی صنعتی کردن و رشد مداوم در

تسلیمات نظامی که باعث کمبود نیروی کار شد...

۴. میشل فوکو، فیلد سوف، جامعه شناس و مورخ، فرانسوی در یکی از نوشته های خود که در جلد

سوم از مجموعه یادداشت ها در چهارجلد گردآوری شده است، می نویسد:

در حاشیه شهر تهران تا چشم کار می‌کند آلودگی‌های پست است که در میان غبار با بیابان یکی می‌شود آن طرف‌تر شهر وارونه می‌شود در طی چند قرن حفره‌های عظیمی کنده‌اند تا از خاک آن خشت‌هایی تهیه و با آن خشت‌ها تهران را بسازند پانصد یا ششصد متر پایین‌تر از کاخ سلطنتی و هتل هیلتون شهر قالب خالی خود را رها کرده است بر فراز چاله‌ها پرده‌های سرخ و سیاهی کشیده‌اند تا سرپناهی به وجود بیاورند. آنجا که شهر پایان می‌پذیرد و بیابان کم‌کم احساس می‌شود دو موج در دو جهت مخالف با هم می‌آمیزند. موج روستاییانی که شکست اصلاحات ارضی آنها را از روستا فراری داده و موج شهرنشینانی را که پیروزی شهرسازی آنها را از شهر بیرون رانده است.

• پهلوی و اموال شخصی:

۱. محمد قلی مجد، مدرس مرکز خاورمیانه دانشگاه پنسیلوانیا، در کتاب «رضاشاه و بریتانیا» می‌نویسد: شواهد مستندی وجود دارد که نشان می‌دهد از ۱۵۵ میلیون دلاری که بابت حق الامتیاز نفت پرداخت شد حداقل ۱۰۰ میلیون دلار آن را رضاشاه به جیب زد. برای درک بزرگی این مبلغ در آن زمان همین قدر کافی است که بدانیم کل ظرفیت وام دهی بانک واردات صادرات آمریکا در سال ۱۹۳۹م [۱۳۱۸ شمسی] در حدود ۱۰۰ میلیون دلار بوده است.

۲. محمد قلی مجد مدرس مرکز خاورمیانه دانشگاه پنسیلوانیا، در کتاب «رضاشاه و بریتانیا» می‌نویسد: از ۱۸،۴۱۲،۰۰۰ پوندی که به مصارف نظامی اختصاص یافته بود حداکثر ۵/۴ میلیون پوند آن صرف خرید تسلیحات شد. ۱۴ میلیون پوند دیگر را رضاشاه بالا کشید. با اضافه کردن بیش از ۶ میلیون پوند بودجه تخصیصی برای راه آهن و بنادر به مبلغ ۱۴ میلیون پوند؛ می‌توان نتیجه گرفت که اعلیحضرت [رضا پهلوی] بیش از ۲۰ میلیون پوند از ۳۱ میلیون پوند درآمد نفت ایران را به سرقت برده است؛ علاوه بر این اینک محرز شده است که حساب‌های بانکی شاه در لندن مبالغی بین ۲۰ تا ۳۰ میلیون پوند در خود داشتند. با معیارهای آن زمان مبلغ فوق واقعاً سرسام آور بود. اگر این پول

برای خرید سهام شرکت نفت ایران و انگلیس (APOC) به مصرف می‌رسید ایران می‌توانست بسیاری از سهامی را که متعلق به دولت بریتانیا بود خریداری و از بحران سالهای ۱۹۵۱-۱۹۵۳م [۱۳۳۰ - ۱۳۳۲ شمسی] جلوگیری کند.

۳. محمد قلی مجد، مدرس مرکز خاورمیانه دانشگاه پنسیلوانیا در کتاب «رضاشاه و بریتانیا» می‌نویسد: از آنجایی که رضا شاه کل منطقه خزر و بجنورد را صاحب شده بود عواید حاصل از صادرات مستقیماً به جیب او میرفت صدور گندم، برنج، پنبه و دام از شمال ایران به اتحاد جماهیر شوروی دلارهایی به جیب او می‌ریخت و او هم آنها را به حساب‌هایش در نیویورک و نهایتاً بانک‌های سوئیس انتقال می‌داد؛ بنابراین تعجبی ندارد که رضاشاه تا روزهای آخر حکومتش مجدانه تلاش می‌کرد زمین‌های مناطق مجاور خاک اتحاد شوروی را به تصرف خود درآورد.

۴. رابرت گراهام خبرنگار سابق روزنامه فایننشال تایمز در کتاب «ایران سراب قدرت» می‌نویسد: سند جالبی در سال ۱۹۷۶م [۱۳۵۵ شمسی] توسط نشریه کانارد فرانسه منتشر شد. این سند ظاهراً یکی از گزارش‌های ماهانه حساب بنیاد پهلوی در یکی از بانک‌های سوئیس را که مربوط به سال ۱۹۶۲م [۱۳۴۱ شمسی] بود نشان می‌داد. در این ترازنامه درآمد اساسی بنیاد پهلوی در آن ماه یک رقم دوازده میلیون دلاری بود که از طرف شرکت ملی نفت ایران به حساب بنیاد پهلوی واریز شده بود هرچند هدف از چاپ این موضوع ناراحت کردن عمده‌ی شاه بود ولی اعتبار این سند هرگز انکار نشد.

• پهلوی و آزادی:

۱. ویلیام داگلاس قاضی دادگاه عالی ایالات متحده در کتاب «سرزمین شگفت انگیز و مردمی مهربان و دوست داشتنی» می‌نویسد:

پیرمرد به سخنان خود چنین ادامه داد: سرهنگ دستور داده بود که چند نفر از جوانان ما را اسیر کنند. در همین حین آتشی از زغال درست کرد خیلی زود فهمیدم که می‌خواهد چه کار کند. او یک طاوه آهنی بزرگ داشت. آن را آن قدر حرارت داد تا سرخ شد به افرادش دستور داد که یکی از گُرها را بیاورند دو سرباز اسیر را نگه داشته بودند سرباز سومی با شمشیر پشت سر زندانی ایستاده بود. او با اشاره سرهنگ شمشیر را چرخاند وقتی شمشیر به گردن زندانی اصابت کرد سرهنگ فریاد زد: «بدو» سر روی زمین افتاد. سرهنگ طاوه سرخ شده را روی گردن مرد چسباند مرد بی سر قدمی برداشت و افتاد سرهنگ فریاد زد آن قذبلند را بده. به من او می‌تواند بهتر از این بدود همین روند تکرار شد مرد قد بلند وقتی سرش بریده شد چند قدمی دوید جوانان لر یکی پس از دیگری سربریده شدند. بارها و بارها طاوه سرخ می‌شد و روی گردن آنها چسبانده می‌شد یک بار سرهنگ کُند پیش رفت و طاوه را دیر روی گردن اسیر چسباند و خون بیش از یک متر به هوا پرتاب شد سرهنگ شروع به شرط‌بندی کرد که این مردان بی سر تا کجا می‌توانند بدوند او و سربازان فریاد می‌کشیدند و هر قربانی را تشویق می‌کردند که نهایت تلاشش را بکند پیرمرد لحظه‌ای درنگ کرد خشمش همچنان از اینکه از این تجربه جان سالم به در می‌برد بیشتر می‌شد.

من پرسیدم چه کسی برنده مسابقه شرط بندی شد؟ او چند دقیقه صبر کرد تا صحبت کند. سرهنگ بیشتر شرط بندی‌ها را برد فکر می‌کنم او تنها در شرط بندی بر سر یکی از گُرها که ۱۵ قدم بعد از بریده شدن سرش دوید ۱۰۰۰ ریال برنده شد. پیرمرد انگار از گفتن این داستان‌ها بی‌رمق شده بود. از او پرسیدم سرهنگ بعد از آن چه کرد؟

او تمام گله‌های گوسفند بز گاو و اسب ما را با خود برد. روز بعد ده‌ها کامیون آمدند. تمام قالی‌ها، سماورها، ظروف، جواهرات و لباس‌های ما در این کامیون‌ها بار شد و ارتش آن‌ها را برد.

۲. محمد قلی مجد، مدرس مرکز خاورمیانه دانشگاه پنسیلوانیا، در کتاب «رضاشاه و بریتانیا» می‌نویسد:

جان گونتر (سیاح آمریکایی) فاش می‌کند که حتی سگ‌ها هم از قساوت اعلیح‌ضرت بی‌نصیب نمی‌ماندند. وقتی شاه در سفر است که البته بی‌وقفه در سفر است در هر روستا و قریه‌ای که شب در آن منزل می‌کند سگ‌ها را می‌کشند؛ زیرا او خواب سبکی دارد و هر صدایی او را پریشان می‌کند.

۳. استفانی کرونین، عضو هیئت علمی شرق شناسی دانشگاه آکسفورد در کتاب «ارتش و حکومت پهلوی» می‌نویسد:

همان‌طور که خشونت و بیرحمی عمدی ارتش منجر به نابودی توانایی رزمی و روحیه قبایل می‌شد به همان اندازه نیز ارتش در این سال‌ها مرتکب خشونت‌هایی علیه تمامی مردم غیر نظامی قبایل گردید. قتل عام و غارت تقریباً به صورت بخشی از جنگ با عشایر درآمده بود واقعیت این است که موجود نبودن موقعیت برای غارت غالباً منجر به ایجاد نارضایتی در میان نیروهای ارتشی می‌گردید و انگیزه‌ای برای جنگ‌های بعدی ایجاد نمی‌کرد؛ برای مثال عملیات [علیه] ترکمن‌ها در سال ۱۹۲۵م [۱۳۰۴ شمسی] معمولاً همراه با ددمنشی عمدی و غیر عمدی چشم‌گیری بود. گزارش رسید که وقتی سرتیپ دولو جان محمدخان امیر علایی قاجار با نیروی عظیمی مشغول پیشروی در دشت ترکمن بود مرتکب شنیع‌ترین خشونت‌ها شد. در هر دهکده‌ای تعدادی از مردان به دار آویخته شدند اموال‌شان به غارت رفت به زنان هتک حرمت شد و جواهرات‌شان را به غارت بردند. هر یک از افسران و افراد نیروی مذکور با دستی‌پُر که حاصل غارت قبایل ترکمن بود بازگشته بودند و سرتیپ دولو که گفته می‌شد بسیاری از افراد را شخصاً با گلوله کشته بود از این رهگذر ثروت زیادی را جمع کرد. از آنجایی که ترکمن‌ها مقاومت کمی در برابر نیروهای اعزامی داشتند رفتار افراد تحت امر دولو بسیار خشونت‌آمیز بوده است ترکمن‌ها علناً نشان دادند که هیچ تمایلی برای جنگ ندارند و همزمان با پیشروی نیروهای دولتی خود را از میدان کارزار کنار کشیده‌اند. آنان

در نهایت به آسانی از مرز اتحاد جماهیر شوروی گذشتند و راه را برای ارتش باز گذاشتند تا به هر جا می‌رسند آن را غارت کنند.

۴. ویلیام داگلاس، قاضی دادگاه عالی ایالات متحده در کتاب «سرزمین شگفت انگیز و مردمی مهربان و دوست داشتنی» می‌نویسد:

پیرمرد لر در جواب گفت: «بله او [فرمانده ارتش رضاخان] اموال غارت شده از دهات ما را بار ده‌ها کامیون کرده و به غنیمت برد و فقط ده‌ها هزار رأس گوسفند و بز ما را دزدید حالا به چه ترتیب این اموال غارت شده را بین افراد خود قسمت کرد من اطلاع ندارم سهم مقامات بالاتر از این غنائم چقدر بود من اطلاع ندارم تنها چیزی که مسلم است این است که امروز او مرد ثروتمندی است و از عایدی فروش غنائم غارت شده از ما چند صد باب خانه به دست آورده است.

به همان صورت که کلمات از دهانش بیرون می‌آمد در گفتارش نیز سرزنش بود. بالاخره پس از دقایقی سکوت گفت: من یک ایرانی هستم به کشورم علاقه دارم با کمال میل جانم را برای آن می‌دهم؛ اما از ارتش تنفر دارم خداوند در وقت خودش انتقام ما را می‌گیرد.

۵. یرواند آبراهامیان مورخ ایرانی آمریکایی خاورمیانه و استاد برجسته تاریخ در کالج باروخ و مرکز تحصیلات تکمیلی دانشگاه نیویورک در کتاب «ایران بین دو انقلاب» می‌نویسد:

از مجلس ملی ششم تا سیزدهم نتیجه هر انتخابات و ترتیب و ترکیب هر مجلس را شاه تعیین می‌کرد روال کار او این بود که به کمک رئیس شهربانی فهرستی از کاندیداهای نمایندگی مجلس را تهیه و به وزیر کشور ابلاغ کند. وزیر کشور همین نام‌ها را به استانداران استان‌ها ارسال می‌کرد استاندار نیز فهرست را به انجمن‌های نظارت بر انتخابات که پر از کارمندان وزارت کشور بودند و به کار رأی‌گیری نظارت می‌کردند تحویل می‌داد. مجلس دیگر نهادی بی‌محتوا بود و به صورت پوششی تزینی برای پوشاندن عریانی و صراحت حاکمیت نظامی درآمده بود؛ همان طور که یکی

از نخست وزیران رضاشاه سال‌ها بعد اقرار کرد چون شاه اصرار داشت که همه اقدامات اجرایی به تصویب قوه مقننه برسد مجلس نقش تشریفاتی خود را حفظ کرد.

۶. نیکی آرکدی، پروفیسور بازنشسته تاریخ در دانشگاه کالیفرنیا و لس آنجلس و یان ریچارد، از اساتید و محققان برجسته دانشگاه سوربون فرانسه در کتاب «ایران مدرن؛ ریشه‌ها و نتایج انقلاب» می‌نویسند:

در دوره رضاشاه مهم‌ترین زمینه استفاده از ارتش تثبیت اقتدار دولت مرکزی در داخل ایران از طریق سرکوبی نارضایتی‌های کشاورزی قبیله‌ای یا شهری بود. طبقات ممتاز اکنون از کارمندان دولت، افسران ارتش، محصلان و تجار تشکیل می‌یافت. موقعیت چادر نشین‌ها با اسکان آنها سقوط کرد؛ از طرف دیگر بیکاری در مناطق شهری، غیر قانونی شمردن اتحادیه‌های بازرگانی و گروه‌های چپ و تصویب قوانینی که به تقویت مواضع زمین داران بزرگ می‌انجامید به ادامه فقر طبقات کارگری و روستایی کمک می‌کرد. رضاشاه حتی مخالفان بالقوه خود را زندانی می‌کرد یا به قتل می‌رسانید هیچ راهی برای انجام فعالیت‌های حزبی و گروهی یا ابراز نظریات سیاسی مخالف وجود نداشت.

۷. ویلیام داگلاس قاضی دادگاه عالی ایالات متحده در کتاب «سرزمین شگفت انگیز و مردمی مهربان و دوست داشتنی» می‌نویسد:

همین طور که غذا می‌خوردم به فکر لرهایی افتادم که زمستان قبل از گرسنگی مرده بودند. تنها ۸ ماه پیش در نزدیکی جایی که نشسته بودم از یک دهکده ۵ هزار نفری لرها ۹۰۰ نفر از گرسنگی مردند. در نهایت بالاخره دولت مرکزی مقداری گندم تقسیم کرده بود؛ ولی چه سود که تنها از یک دهکده ۱۵ لره به قدری لاغر بودند که بعد از رسیدن گندم از گرسنگی مردند. در بهار سال جاری

نیز لره‌های ساکن در برخی از روستاها که من بازدید کرده بودم آن قدر ضعیف شده بودند که نمی‌توانستند بیش از ۵ دقیقه به صورت پیوسته روی پا بایستند.

۸. محمد علی همایون [کاتوزیان] عضو دانشکده مطالعات شرقی دانشگاه آکسفورد در کتاب «اقتصاد سیاسی ایران مدرن استبداد و شبه مدرنیسم» می‌نویسد:

با این حال انتخابات خنده دار تابستان ۱۹۶۰م [۱۳۳۹ شمسی] مجلس، پیش از خاتمه باطل شد؛ شاه به آنها که انتخاب شده بودند توصیه کرد که استعفا دهند و آنها هم در عین وظیفه شناسی پذیرفتند اقبال هم در شهریور از نخست وزیری استعفا داد.

۹. پرواند آبراهامیان مورخ ایرانی آمریکایی خاورمیانه و استاد برجسته تاریخ در کالم باروخ و مرکز تحصیلات تکمیلی دانشگاه نیویورک در کتاب «تاریخ ایران مدرن» می‌نویسد:

میزان مشارکت‌کنندگان در انتخابات مجلس چهاردهم در سال ۱۳۲۲ شمسی در تهران کمتر از ۱۵ درصد بود البته در حوزه‌های روستایی کمتر از این میزان نیز ثبت شده بود.

• پهلوی و دین

۱. محمد علی همایون کاتوزیان عضو دانشکده مطالعات شرقی دانشگاه آکسفورد در کتاب «اقتصاد سیاسی ایران مدرن استبداد و شبه مدرنیسم» می‌نویسد:

برگزاری مراسم عزاداری عمومی در ۱۰ روز ماه امام حسین غیر قانونی اعلام شد؛ به علاوه همه تجمعات دینی که واعظ در آن از زندگی و سیره حضرت محمد و شهدای شیعه خصوصاً امام حسین و پدرش امام علی سخن بگوید چه در خانه‌ها و چه در مساجد در تمامی طول سال ممنوع اعلام شد. در واقع اگر در ماه محرم آخوندی در خیابان‌ها با عجله در حال عبور دیده می‌شد چه بسا دستگیر می‌شد زیرا می‌توانست در حال رفتن به روضه خوانی باشد گاه مأموران دولتی مراسم عزاداری مردم عادی برای تازه درگذشتگان شان را با روضه خوانی اشتباه می‌گرفتند و به آن حمله

ور می شدند در محرم هر سال بسیاری از مردم به اتهام واقعی یا واهی برگزاری این گونه مراسم به کلانتری برده می شدند. شبه مدرنیسم در ایران چنان کامیاب بود که مأموران ژاندارمری در روز روشن به غارت اموال رعیت و تجاوز به عفت آنان مشغول بودند و مردم عادی به دلیل برگزاری مراسم مذهبی شبانه در خانه های خودشان بازداشت می شدند. در سال ۱۹۳۹م [۱۳۱۸ شمسی] شاه به فکر منع انتشار تقویم قمری افتاد تا مردم از تاریخ عزاداری ها و جشن های مذهبی غافل بمانند؛ [اما] خوشبختانه روز سرنگونی خود او چندان دور نبود.

۲. پیر آوری از برجسته ترین متخصصان تاریخ و ادبیات ایران در جهان و از محققان برجسته کمبریج در کتاب «ایران مدرن» می نویسد:

در ه شتم ژانویه ۱۷ دی ۱۳۱۴ شمسی رضا شاه به اتفاق ملکه و دو دختر بزرگش که بی حجاب بودند و لباس اروپایی به تن داشتند در یکی از دبیرستان های تهران حضور یافتند از این زمان به بعد بود که حجاب ممنوع اعلام شد. مغازه ها اجازه خدمات دهی به زنان محجبه را نداشتند و خانم های محجبه اجازه نداشتند در خیابان ها راه بروند یا از وسایل نقلیه عمومی استفاده کنند. بعضی از خانم های مسن تا بعد از سال ۱۹۴۱م [۱۳۲۰ شمسی] مصادف با خروج رضاشاه از کشور دیگر از خانه خارج نشدند آنها نمی توانستند با مشقتی که این مقررات جدید بر آنها تحمیل می کرد مواجه شوند پس از سال ۱۹۴۱ تعداد شگفت انگیزی از زنان با اشتیاق دوباره به حجاب رو آوردند و این حجاب به سرعت دوباره به یک منظره معمولی تبدیل شد.

۳. جان فوران، استاد جامعه شناسی در دانشگاه سانتا باربارا کالیفرنیا در کتاب «مقاومت شکننده تاریخ تحولات اجتماعی ایران از سال ۱۵۰۰ میلادی تا انقلاب» می نویسد:

شاه در سال ۱۹۳۵م [۱۳۱۴ شمسی] مرتکب جنایت بزرگتری شد. زمانی که دستور شدت عمل در برابر جمعیت انبوهی را داد که در حرم امام رضا در مشهد گرد آمده بودند و به سخنرانی که به

قانون لباس اروپایی و کشف حجاب حمله می‌کرد گوش می‌دادند [آن روز] بین ۴۰۰ تا ۵۰۰ نفر

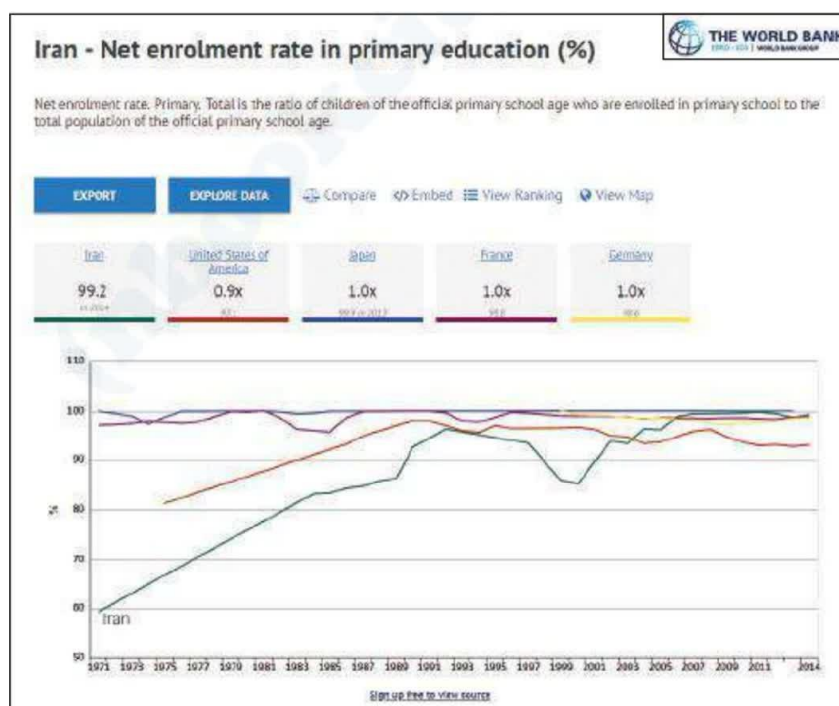
کشته و پس از آن افراد دیگر دستگیر تبعید یا اعدام شدند.

۲. دستاوردهای انقلاب اسلامی

• آموزش:

رشد ۱/۵ برابری تحصیلات ابتدایی

نرخ ۹۹/۲ درصدی تحصیلات ابتدایی در ایران، از سال ۱۹۷۱ تا ۲۰۱۴م

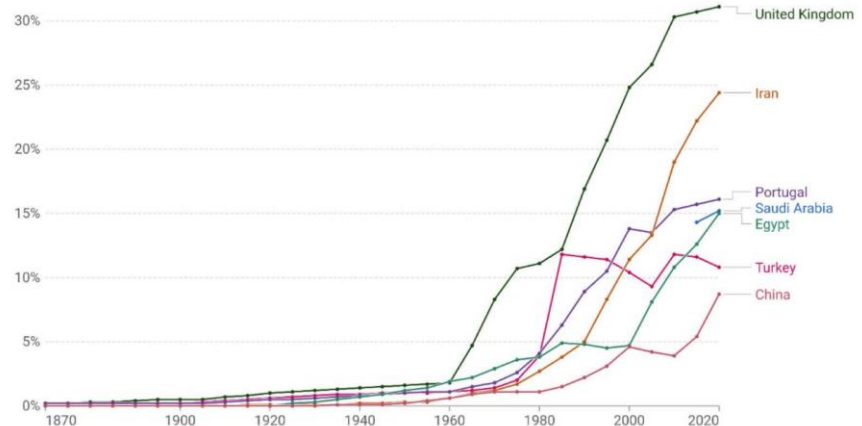


رشد ۱۰ برابری فارغ التحصیلان دانشگاهی ایران در مقایسه با دنیا

Share of the population with tertiary education, 1870 to 2020

Percentage of the population aged 25 to 65 years who have either completed or partially completed tertiary¹ education.

Our World
in Data



Data source: Our World in Data based on Barro and Lee (2015) and Lee and Lee (2016)

Note: Data for the years before 2015 are estimates, while data from 2015 onwards are projections.

OurWorldInData.org/global-education | CC BY

1. Tertiary education: Tertiary education (International Standard Classification of Education Level 5 to 8) expands upon secondary education by offering specialized learning activities in various fields. It targets advanced levels of complexity and specialization, encompassing both academic and advanced vocational or professional education.

• برق:

دسترسی ۱۰۰ در صد مردم به برق



جایگاه اول در رتبه بندی ارزانهترین کشورهای دنیا از نظر قیمت برق



جایگاه دوم در رتبه بندی ارزانهترین کشورهای دنیا از نظر قیمت بنزین



جایگاه سوم در رتبه بندی ارزانهترین کشورهای دنیا از نظر قیمت گازوئیل



• دسترسی به وسایل ارتباطی

دسترسی رایگان به رادیو و تلویزیون

بر اساس اطلاعات منتشرشده توسط مرکز آمار ایران، ۹۹/۶ درصد خانوارهای شهری و ۹۹/۶ درصد خانوارهای روستایی، در سال ۱۳۹۴، در خانه خود از تلویزیون استفاده می کردند. دسترسی رایگان به رادیو و تلویزیون در تعداد زیادی از کشورهای دنیا وجود ندارد؛ به طور مثال در کشور سوئیس، هر خانوار ثبت شده، باید سالانه ۴۱۷ یورو بابت حق اشتراک رسانه پرداخت کند.

• حوزه حمل و نقل

ارتقا از رتبه ۲۷ به ۱۵ در احداث خطوط ریلی در سی سال اخیر

رشد ۲ برابری خطوط راه آهن در کشور



رشد ۲۵ برابری تعداد مسافران جابه‌جاشده با استفاده از خطوط هوایی



رشد ۴/۴ برابری طول جاده‌های کشور

رشد ۵/۱۲ برابری جاده‌های روستایی

رشد ۸ برابری آزادراه‌های کشور

آبرسانی به ۹۹٪ مردم کشور با قیمت رتبه‌ی ۷ جهان در توزیع آب ارزان به مردم



گاز رسانی به مردم ۱۰۰٪ شهرنشینان و ۸۵٪ روستاییان و رتبه اول جهان توزیع گاز ارزان به مردم

(ضعف در خدمت‌رسانی به مردم در دوران پهلوی به حدی بود که فقط پنج شهر و یک روستا

گازرسانی شده بود و تنها ۵۱ هزار خانوار تحت پوشش گاز طبیعی قرار داشتند. با سپری شدن

۴۰ سال از ظهور انقلاب اسلامی، هم‌اکنون ۱۰۸۵ شهروند و ۲۳۲۰۶ روستا به جمعیت بی‌نزدیک به ۲۰ میلیون خانوار، به شبکه عظیم گازرسانی متصل شده‌اند.

• نهضت سوادآموزی

تا آخرین سال‌های سقوط رژیم شاهنشاهی خیل عظیمی از کودکان لازم‌التعلیم از امکان ورود به مدارس محروم بودند و به همین دلیل روز به روز با توجه به روند صعودی رشد جمعیت، بر تعداد بی‌سوادان جامعه افزوده می‌شد. به طوری که طبق سرشماری سال ۱۳۵۵ خورشیدی، از کل جمعیت ۲۷,۱ میلیون نفری ۶ ساله به بالا، ۱۴,۲ میلیون نفر (۵۲,۵٪) بی‌سواد بوده‌اند.

یک سال پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و با توجه به اهمیت و ضرورت سوادآموزی، به فرمان امام خمینی (ره)، در دی‌ماه ۱۳۵۸ نهضت سوادآموزی تأسیس شد.

در اساسنامه نهضت سوادآموزی، هدف از تشکیل این نهاد از بین بردن بی‌سوادی در کشور اعلام شد و در این اساسنامه که در سال ۱۳۶۳ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید، نهضت، سازمانی وابسته به وزارت آموزش و پرورش اعلام گردید. در این اساسنامه قید گردید سرپرست نهضت به عنوان معاون وزیر آموزش و پرورش و رئیس سازمان انجام وظیفه کند.

پس از تأسیس نهضت سوادآموزی تا سال ۱۳۶۵ نزدیک به ۱۱ میلیون نفر به باسوادان کشور افزوده شد و نرخ باسوادی کشور از ۴۷,۵٪ به حدود ۶۱,۸٪ رسید. لیکن به علل گوناگون و از جمله رشد سریع جمعیت و فقدان امکانات آموزشی برای همه خردسالان، قدر مطلق بی‌سوادی نه تنها کاهش نیافته بلکه حدود ۶۰۰ هزار نفر نیز افزایش داشته است.

با اجرای طرح بسیج عمومی سوادآموزی در سال ۱۳۶۹ و آموزش بیش از ۴,۱ میلیون نفر بی سواد مطلق در طول یک دهه، در سال ۱۳۷۵ نرخ باسوادی در ایران به ۷۹,۵٪ رسید (۱۸٪ افزایش). این افزایش در سرشماری ۱۳۸۵، ۹۰ و ۱۳۹۵ به ترتیب به ۸۴,۶٪، ۸۴,۸٪ و ۸۷,۶٪ ادامه پیدا کرد و در برآورد سال ۱۴۰۱ این رقم به ۹۰,۵ درصد افزایش یافته است. (سایت سازمان نهضت سوادآموزی)

• علمی

۱. رتبه نخست در سرعت رشد علمی در جهان:

بر اساس نتایجی که پایگاه استنادی اسکوپوس (Scopus) منتشر کرده است تعداد مدارک علمی ثبت شده از جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۹۹۶ برابر با ۸۴۲ مورد بوده و در سال ۲۰۲۲ تعداد مدارک و مستندات علمی کشور به رقم ۷۵۰۹۱ مورد افزایش یافته است و نسبت به سال ۱۹۹۶ رشد ۶۴/۵۹ برابری را نشان می دهد و در این سال، جایگاه ایران در دنیا، به رتبه ۱۶ ارتقاء یافته است.

ذکر این نکته لازم است که به گزارش دو پایگاه معتبر علمی New Scientist و Metrix Science، جمهوری اسلامی ایران با نرخ رشد ۱۱ برابر متوسط جهانی، رتبه نخست رشد علمی را در بین سالهای ۱۹۸۰-۲۰۰۹ دارا بوده است.



۲. ۵ درصد مقالات داغ دنیا

دکتر علیرضا زالی رییس دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی: کشور ما به دلیل تلاش ستودنی محققان علوم پزشکی و وزارت علوم امروز به جایگاهی ممتاز در میزان نسبت مقالات داغ جهانی دست یافته است، بر این اساس در حال حاضر بالای ۵ درصد مقالات داغ جهانی مربوط به ایران است؛ در کشورهای جهان اسلام نیز بیش از یک سوم مقالات بین المللی، مقالات با چارک بالا و مقالات داغ مربوط به ایران بوده و در منطقه خاورمیانه کسری از ۴۰ درصد این مقالات به جمهوری اسلامی ایران تعلق دارد. (خبرگزاری ایسنا/ ۲۶ آذر ۱۳۹۹)

۳. رشد در رتبه اختراع:



۴. جزو ۹ کشور دارنده چرخه کامل سوخت هسته‌ای:

به گزارش خبرنگار علمی خبرگزاری تسنیم: ایران طبق وبگاه "wise-uranium.org" در سال ۲۰۱۸ در فناوری هسته‌ای، جزو ۹ کشور دارنده چرخه کامل سوخت هسته‌ای است که اکتشاف اورانیوم، استخراج، تولید کیک زرد و تبدیل آن به گاز ^{235}U در حوزه تولید سوخت و مجتمع‌های سوخت در آن صورت می‌گیرد همچنین ایران جزو ۱۳ کشوری است که توانایی غنی‌سازی اورانیوم دارند.

۵. در علم انرژی ارتقا از رتبه ۵۷ به رتبه ۸ جهان و اول منطقه :



۶. رتبه ۱۷ جهان در علوم فیزیک و فضاوردی



۷. ارتقاء از رتبه ۴۷ به رتبه ۱۳ جهان در علوم ریاضی و اول منطقه



۸. ارتقاء از رتبه ۵۶ به ۱۹ جهان در فناوری نانو



۹. در فناوری هوا فضایی ارتقاء از رتبه ۴۵ به رتبه ۱۲ جهان



۱۰. ارتقاء از رتبه ۴۸ به رتبه ۹ جهان در علوم داروسازی



۱۱. رتبه ۲ دنیا در علوم ژنتیک و سلولهای بنیادی



۱۲. ارتقاء از رتبه ۵۳ به رتبه ۱۶ جهان در علوم بیوشیمی و زیست مولکولی



۱۳. رتبه اول دنیا در سرعت رشد باسوادان بالای ۱۵ سال

۱۴. میزان رشد تحصیل در افراد بالای ۱۵ سال ۳ برابر میانگین جهانی

• انرژی

۱. ایران رتبه ششم در بین کشورهای تولیدکننده انرژی در ۲۰۱۷م

۲. سرانه انرژی عرضه شده به ازای هرنفر (TPES/Capita)

از جمله موانع بررسی دقیق میزان انرژی عرضه شده در طول زمان، افزایش جمعیت یک کشور

است که به صورت طبیعی، باعث افزایش نیاز به انرژی در آن میشود؛ بنابراین برای بررسی بهتر این

نکته که آیا تمام افراد مختلف جامعه به اندازه کافی به انرژی دسترسی دارند یا نه، لازم است از

سرانه انرژی عرضه شده به ازای هر نفر (TPES/Capita) استفاده کرد.

در این خصوص مقایسه‌های میان رشد انرژی تأمین شده در ایران و جهان و اتحادیه اروپا ارائه

می‌شود.

✓ سرانه انرژی عرضه شده "۱,۸ toe" در کل دنیا

✓ سرانه انرژی عرضه شده "۳ toe" در کشورهای اروپایی

✓ سرانه انرژی عرضه شده "۳ toe" در ایران

۳. میزان تولید و پالایش نفت خام در ایران

کاهش میزان تولید نفت خام

افزایش در خور توجه تولید فرآورده‌های پالایشگاهی

۴. رشد تولید گاز

رتبه ایران در سال ۱۹۹۰م، در جایگاه ششم قرار داشته و در سال ۲۰۱۵م، به جایگاه سوم دنیا ارتقا یافته است.

۵. رشد بیش از ۱۴ درصدی تولید انرژی الکتریکی

و ارتقاء ده پله‌ای در رتبه‌بندی کشورهای تولید کننده انرژی الکتریکی در سال ۱۹۹۰

۶. رشد علمی در حوزه انرژی

✓ در علم انرژی ارتقا از رتبه ۵۵ به ۱۲ در جهان و در منطقه ارتقا از ۱۲ به رتبه ۱

✓ در علم انرژی هسته‌ای، ارتقا از ۷۷ به ۱۲ جهان و در منطقه از ۱۳ به رتبه ۱

✓ در علم انرژی های تجدیدپذیر از رتبه ۶ به رتبه ۱ در منطقه

• صنعت

اول: افزایش در خورتوجه ارزش افزوده در بخش صنعت

دوم: در فولاد از رتبه ۳۰ به ۱۳ دنیا

سوم: رشد عالی در تولید سیمان در رتبه ۴ جهان

چهارم: افزایش قابل توجه صادرات صنایع پیشرفته

پنجم: رشد چهار برابری تولید مواد غذایی (منبع: بانک جهانی)

ششم: رشد قابل توجه و ارتقا به رتبه ۱۶ در دنیا در صنعت تولید وسایل نقلیه موتوری و از تولید صفر

تا رتبه ۱۹ دنیا در تولید وسایل نقلیه باری و مسافربری

هفتم: رشد دو برابری خطوط راهنم در کشور و ارتقا ۱۲ پله ای در جهان از رتبه ۲۷ به ۱۵

هشتم: در رتبه بندی ترابری جهان از ۳۱ به ۶ ارتقا یافته

نهم: رشد ۴/۴ برابری طول جاده های کشور

• نظامی امنیتی

ما اگر گفتیم - که گفته ایم - که از سلاح هسته ای استفاده نمی کنیم، به خاطر همین تعیّدات است، به خاطر همین پایبندی به تعبد اسلامی و مقرّرات اسلامی و قوانین اسلامی است. این یکی از برترین خصوصیات نیروهای مسلّح جمهوری اسلامی است (۹۴/۰۱/۳۰).

• اقتدار نظامی

قدرت نظامی در زمان پهلوی:

سولیوان سفیر آمریکا در کتاب خاطرات دو سفیر گفته است: تفاوت میسیون نظامی آمریکا در ایران با هیئت های نظامی در سایر کشورهای جهان این بود که پرسنل نظامی آمریکا در ایران عملاً جزو نیروهای مسلّح ایران به شمار می آمدند... مستشاران و کارکنان آمریکایی نیروهای مسلّح ایران حقوق بگیر دولت ایران بودند حقوق و مزایا هزینه ایاب و ذهاب و مخارج تحصیل فرزندان آنها از طرف دولت ایران تأمین می شد و علایمی که روی یونیفورم آنها دوخته می شد، آنها را عضو خانواده نیروهای مسلّح ایران به شمار می آورد. تکنسین های آمریکایی تا ۱۲۵۰۰ دلار در ماه می گرفتند در سال ۱۳۵۴، حدود ۲۰ هزار مستشار نظامی آمریکایی در ایران بودند. آنچه بیان شد نشانگر این موضوع است که علی رغم اینکه شاه دوست داشت با صرف کردن هزینه زیاد و خرید اسلحه به قیمت های خیلی گران خود را فردی قدرتمند نشان دهد و در حقیقت او باید حافظ منافع غرب در منطقه می بود شاه حتی در مواجهه با مردم کشور خود نیز تابع دستورات بیگانگان بود و در حالی که آمریکا و انگلیس برای ایران نخست وزیر انتخاب می کردند نحوه

رفتار شاه با مردم نیز با هماهنگی و حمایت آنها مشخص می شد رابرت شولزینگر درباره اعلام حکومت نظامی در ۱۶ شهریور ۱۳۵۷ نوشته است در روز هفتم سپتامبر (۱۶ شهریور) شاه به توصیه برژنیه سکی حکومت نظامی اعلام کرد.

قدرت نظامی در زمان جمهوری اسلامی:

برای مقایسه اقتدار قبل و بعد از انقلاب، توان نظامی جمهوری اسلامی از دو منظر نیروی انسانی و تسهیلات ارزیابی می شود.

۱. نیروی انسانی

نیروی انسانی مهم ترین مؤلفه قدرت نظامی است. نیروی انسانی کارآمد دو شاخصه دارد آموزش و ورزیدگی بالا و انگیزه زیاد. نیروی انسانی با انگیزه، حتی در کمبود امکانات مقاومت خواهد کرد و با تلاش خود دستیابی به پیروزی ها را رقم خواهد زد. این امر به دفعات بسیار زیاد در دفاع مقدس و دفاع از کشورهای محور مقاومت شامل حال ما شده است.

اهمیت نیروی انسانی هنگامی خود را نمایان می کند که فرد در موقعیتی نزدیک به مرگ قرار گیرد. در این صورت اگر انگیزه والایی نداشته باشد میدان نبرد را ترک خواهد کرد این درحالی است که نیروهای جمهوری اسلامی ایران به برکت انقلاب و با روحیه شهادت طلبی، تا آخرین قطره خون در میدان نبرد ایستادگی کردند.

۲. تجهیزات نظامی

هوشمندی طراحان نقشه راه در سال های اخیر و با گسترش انواع تهدیدهای نظامی و مقابله قاطعانه جمهوری اسلامی با آنها نمایان شد. خودکفایی و دستیابی به تجهیزاتی که توان مقابله

نظامی با دشمن را داشته باشد مانع از حمله مستقیم دشمن به کشور می شود. در ادامه به بررسی

تجهیزات نظامی بسیار مهم کشور پرداخته می شود:

۱. موشک

ایران؛ رتبه ۹ موشکی جهان



موشک یا جنگنده؟

- ✓ دانش و فناوری موشک بسیار ساده تر از دانش و فناوری هواپیما است؛
- ✓ هزینه نگهداری هواپیما بسیار بیشتر از هزینه نگهداری موشک است
- ✓ هزینه ساخت فرودگاه نسبت به هزینه ساخت انبار موشک، بسیار بیشتر است؛
- ✓ فرودگاه در محیط باز و در دید قرار دارد و معمولاً امکان پدافند غیر عامل در آن فراهم نیست؛ در حالی که امکان ذخیره سازی موشک در دل کوهها و عمق زمین وجود دارد
- ✓ قیمت هر موشک بین یک بیستم تا یک پنجاهم قیمت هواپیماست
- ✓ هدف قراردادن موشک نسبت به هواپیما بسیار دشوارتر است؛
- ✓ امکان دستیابی به مسیرهای دورتر در موشک نسبت به هواپیما بسیار راحتتر است؛ چون در هواپیما برای رسیدن و بازگشت از مسیرهای دورتر به چندبار سوخت گیری نیاز است.
- ✓ خطر از دست دادن یا اسارت نیروی انسانی در هواپیما وجود دارد؛ در حالی که موشک از خاک خود و بدون خطر شلیک می شود.
- ✓ هزینه پرواز هواپیما بسیار زیاد است؛ در حالی که موشک این هزینه را ندارد.

البته هواپیما هم برتری‌هایی نسبت به موشک دارد که از آن جمله میتوان به این نکات اشاره کرد:

✓ امکان استفاده از هواپیما در دفعات زیاد وجود دارد

✓ امکان تعمیر و نگهداری هواپیما در سال‌های طولانی وجود دارد؛ در حالی که موشک بعد از مدتی

بلا استفاده می‌شود؛

✓ دقت تخریب هدف و دستیابی به اهداف متحرک، در هواپیما عموماً بیشتر است.

مجموع علت‌های گفته شده دلیل انتخاب موشک به عنوان مهم‌ترین سلاح دفاعی جمهوری اسلامی شده است که از این میان ارزان قیمتی و سطح فناوری پایین‌تر، امکان پرتاب از سکوی متحرک و همچنین ملاحظات پدافندی عوامل تأثیرگذارتری بوده‌اند جمهوری اسلامی اکنون به تنوع بسیاری از موشک‌های بالستیک نظیر سجیل، عماد، قدر، خرم‌شهر، قیام، ذوالفقار، فاتح، خلیج فارس و هرمز با بردها و قدرت تخریب‌های متفاوت دست یافته است که بیشتر آنها دقت نقطه زنی داشته یا امکان تعقیب امواج راداری را دارند. نقطه زنی و هدف‌گیری رادارها امکان تخریب نقاط حیاتی دشمنان مانند انبار مهمات فرودگاه‌ها ساختمان‌های حیاتی دولتی پل‌ها، جاده‌های اصلی راه آهن‌ها نیروگاه‌ها را فراهم می‌کند.

موشک کروز

موشک کروز به دلیل حرکت در نزدیکی سطح زمین یا دریا از دید رادارها به دور مانده و با اطمینان بسیار بالایی خود را به نزدیکی هدف میرساند این موشک‌ها دو نوع دریایی و زمینی دارند موشک‌های کروز به دلیل شکل و ساختاری که دارند قابلیت پرتاب از زمین دریا و هوا را دارند و همین موضوع قابلیت عملیاتی بالایی را برای کاربران آنها ایجاد می‌کند ایران از تنوع گسترده موشک‌های کروز دریایی به نام‌های، قادر، ظفر، کوثر نور، قدیر نصر و نصر بصیر و موشک کروز زمینی سومار برخوردار است.

روزنامه ایران: ایران یکی از پنج قدرت برتر پهپادی جهان



فرمانده سابق سنتکام تروریست امریکایی در منطقه گفته بود که «برای اولین بار در دوران بعد از جنگ جهانی دوم، برتری هوایی امریکا برهم خورده و نمی‌توانیم در صحنه‌ای که ایرانی‌ها با پهپاد حضور دارند، برتری هوایی داشته باشیم».

در سال‌های انتهایی دفاع مقدس از پهپادهای نسبتاً ابتدایی با قابلیت‌هایی محدود استفاده می‌شد و قابلیت‌های شگفت‌انگیز آنها توجه کاربران و فرماندهان نظامی را جلب می‌کرد؛ به طوری که از انتهای جنگ تحمیلی تاکنون جزو تجهیزات دفاعی ما قرار گرفتند.

مزایای پهپادها از این قرار است:

- ✓ هزینه و دانش فنی بسیار کمتر نسبت به هواپیما
- ✓ ابعاد کوچکتر و صدای کمتر نسبت به هواپیما
- ✓ بی‌نیازی به خلبان و در نتیجه ایمنی نیروهای خودی
- ✓ در بیشتر مواقع بی‌نیازی به فرودگاه و باند فرود

به دلایل گفته شده شناسایی و امکان هدف‌گیری پهپادها بسیار دشوار است؛ ضمن آنکه در بیشتر مواقع، هزینه هدف‌گیری آنها از قیمت‌شان بیشتر است.

عملیات پهپادهای ایرانی در تصویربرداری از پایگاه های نیروهای فرامنطقه ای اطراف کشور و نیز علیه نیروهای تکفیری در خاک سوریه همچنین عملیات پهپادی نیروهای مقاومت در حزب الله لبنان نشان دهنده رشد بسیار زیاد این توانمندی در جمهوری اسلامی است جمهوری اسلامی تنوع گسترده ای از پهپادهای تولید خود را داراست که جزو پیشرفته ترین پهپادهای دنیا هستند پهپادهایی نظیر شاهد ۱۲۹، خانواده ابابیل مهاجر و....

۳. پدافند هوایی

۴. قایق های تندرو و زیردریایی های کوچک

۵. بودجه دفاعی

نکته ای که باید به آن اشاره کرد بودجه دفاعی ایران است. این موفقیت های چشمگیر با بودجه ای اندک در قیاس با کشورهای دیگر به دست آمده است. برای نمونه می توان به عربستان سعودی اشاره کرد. بودجه دفاعی عربستان در حدود ۷ برابر ایران است. این کشور بیشتر بودجه دفاعی خود را صرف خرید تجهیزات از کشورهای دیگر به خصوص آمریکا می کند صرفاً خرید این تجهیزات برای این کشور قدرتی ایجاد نکرده است و باعث شده است رئیس جمهور آمریکا از عربستان به گاو شیرده تعبیر کرده و به ادعای مقامات آمریکایی عربستان بدون حمایت آمریکا توانایی مقاومت بیش از یک هفته در برابر ایران را ندارد.

- امن ترین کشور در ناامن ترین منطقه جهان
- قدرت اول در منطقه و قدرت ۱۴ نظامی جهان



- رتبه ۷ جهان در قدرت توپخانه بکسل شده (آمریکا ۱۴ جهان)



- رتبه ۷ جهان از لحاظ قدرت ناوگان زیر دریایی



- رتبه ۱۲ جهان از لحاظ ناوگان تانک‌های جنگی



۶. نفوذ منطقه‌ای

به گزارش اسپوتنیک و به نقل از فارس، نیروی دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران با اقتدار خود باعث شده تا نیروهای فرامنطقه‌ای همچون آمریکایی‌ها مجبور شوند تا در منطقه خلیج فارس، به زبان فارسی صحبت کنند.

پیش از این، دریادار علیرضا تنگسیری فرمانده نیروی دریایی سپاه تأکید کرده بود: وقتی بیگانگان وارد خلیج فارس می‌شوند به رغم تسلط نیروهای ما به زبان انگلیسی، ناچار هستند با زبان فارسی صحبت کنند و این‌ها را ما مدیون رشادتهای شهیدان دارا، رئیسی و یاران آن‌ها هستیم.

۷. سفر ۳۶۰ درجه به دور دنیا با کشتی ایرانی

مهر ۱۴۰۱ آغاز سفر تاریخی ناوگروه ۳۶۰، این ناوگروه بعد از پیمودن ۲ هزار و ۷۵ کیلومتر در بندر بمبئی کشور هند در ۲۰ مهر با استقبال رسمی مقامات این کشور به مدت ۳ روز پهلو گرفت و سپس با پیمودن ۸۹۸۱ کیلومتر در ۱۴ آبان وارد دومین بندر یعنی جاکارتا شد. ناوگروه با پیمودن ۴۸۴۹۳ کیلومتر در ۱۱ فروردین در آفریقای جنوبی پهلو گرفت. در ادامه ۲۲ اردیبهشت ناوگروه به بندر سلاله عمان رسید و نهایتاً با اقتدار و پیمودن بیش از ۶۳ هزار کیلومتر و ۲۳۲ روز دریانوردی سفر به دور دنیا را پایان داد و برگی زرین به تاریخ دریانوردی ایران اضافه نمود.

• بهداشت و درمان

✓ افزایش امید به زندگی از ۵۵ سال به ۷۷ سال

امید به زندگی یک شاخص آماری است که نشان می‌دهد متوسط طول عمر در یک جامعه چقدر است یا به عبارت دیگر هر عضوی از آن جامعه چند سال میتواند توقع حیات داشته باشد هر چه شاخص های بهداشتی و نیز درمانی بهبود یابند امید به زندگی نیز افزایش خواهد یافت.

✓ کاهش خودکشی برخلاف آمار جهانی

✓ کاهش مرگ و میر کودکان از ۱۲۰ فوت به ۱۵ فوت در هر ۱۰۰۰ نفر

✓ پایین بودن میزان سرطان

✓ کاهش سگته مغزی و پایین آوردن آمار از میانگین جهانی

✓ کاهش شدید مرگ و میر مادران هنگام زایمان و فاصله زیاد با میانگین جهانی

✓ افزایش شاخص کیفیت دسترسی به بهداشت و درمان

✓ جزء ۱۰ کشور برتر سازنده داروهای خاص

✓ جزء ۱۰ کشور برتر در سلول درمانی

✓ جزء ۵ کشور برتر در علم ژنتیک و رویان

✓ جزء ۴ کشور برتر در ارتوپدی

✓ جزء ۳ کشور برتر در پیوند اعضا و درمان ناباروری

✓ جزء ۳ کشور برتر در عمل زیبایی

✓ ۹۷ درصد تامین داخلی دارو

• مردم سالاری

✓ در دوران پهلوی

۱. اهمیت همه‌پرسی

خفقان سیاسی در این دوران به حدی بود که در نهایت دو حزب «مردم» به رهبری اسدالله علم و ایران نوین که به جای حزب «ملیون» توسط حسن علی منصور با حمایت شاه تشکیل شده بود در انتها به دستور شاه منحل شد و تنها حزب «رستاخیز» به عنوان تنها حزب کشور معرفی شد. در این حزب هم علی رغم ادعای مردمی بودن نقش شاه نقش اصلی بود در جواب انتقاد به عملکرد شاه و تحمیلی بودن احزاب شاه مردم ایران را دارای سواد لازم برای شناخت درست و تشکیل حزب از درون مردم ندانسته محمدرضا شاه هنگام معرفی حزب رستاخیز به عنوان تنها حزب در کشور به منتقدین گفت: کسی که وارد این تشکیلات سیاسی نشود و مؤمن به این سه اصلی که من، گفتم، نباشد دو راه برایش وجود دارد یا یک فردی است متعلق به یک تشکیلات غیرقانونی یعنی به اصطلاح خودمان توده ای یعنی باز به اصطلاح خودمان و با قدرت اثبات بی وطن که او جایش یا در زندان ایران است یا اگر بخواهد فردا با کمال میل بدون اخذ عوارض گذرنامه در دستش می‌گذاریم و به هر جایی که دلش می‌خواهد برود؛ چون ایرانی که نیست!

در جایی دیگر نیز گفت: آنهایی که به رستاخیز نمی پیوندند، باید از هواداران حزب توده .باشند این خائنان یا باید به زندان بروند یا اینکه همین فردا کشور را ترک کنند این درحالی بود که شاه هنگام دو حزبی شدن در جواب منتقدین گفته بود: «اگر من یک دیکتاتور بودم رهبری یک حزب واحد را به دست می‌گرفتم این رویه خفقان و سرکوب شدید فعالیتهای سیاسی، پس از انقلاب اسلامی به کلی تغییر کرده و با رویکردی آزاداندیشانه زمینه فعالیت و بیان آزادانه گروههای مختلف فراهم شده است؛ به گونه ای که تا تیر ۱۳۹۷، ۲۴۸ تشکل سیاسی در جمهوری اسلامی به وجود آمده است که آزادانه و با مجوز قانونی در حال فعالیت اند.

فارغ از عرصه انتخابات و در عمل حکام پهلوی حتی در گفتار خود نیز نشان می‌دادند که کم ارزش ترین موضوع در نزد آنها نظر و رأی مردم است. شاه چنان خود را از مردم بی نیاز میدید که گاه به صراحت به آنان توهین میکرد از جمله دربارهٔ مردم ایران میگفت: "این مردم قادر به انجام هیچ چیز نیستند مثل گوسفندان میمانند"

روحیهٔ نخوت و تحقیر مردم ایران نه فقط در رضا شاه و محمدرضا شاه ریشه زده بود، بلکه اغلب درباریان هم به این بیماری مبتلا شده بودند. ملکه مادر مردم ایران را مردمی حسود و مذبذب میدانست که حتی حکومت کردن بر آنان افتخار نداشت فرح هم که سعی میکرد خود را تافته جدا بافته دربار نشان بدهد از این امر مستثنا نبود به روایت علی شهبازی، سرتیپ محافظ شاه، فرح مردم جنوب تهران را کمتر از حیوان می‌دانست.

۲. میزان حضور مردم

میزان حضور مردم در آخرین انتخابات مجلس شورای ملی در دوران پهلوی در سال ۱۳۵۴، ۲ میلیون و ۸۰۰ هزار نفر بوده است؛ در حالی که در اولین انتخابات انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۸ بیش از ۲۰ میلیون

نفر و در طول ۴۰ سال بعد از پیروزی انقلاب، اسلامی میزان متوسط حضور مردم در انتخابات بیش از ۶۰ درصد بوده است.

۳. دخالت در انتخابات

برگزاری انتخابات به تنهایی ارزش نیست؛ بلکه باید آزادبودن و قانون مندی در انتخابات را مدنظر گرفت که در این زمینه کارنامه رژیم پهلوی، کارنامه ایتیره و تار است برای، نمونه رضاخان در سال ۱۳۰۲ در مقام فرماندهی کل قشون در تلگرافی به والی ایالت فارس دستور داد: «ایالت جمیله فارس در تعقیب تلگراف سابق مقتضی است قدغن فرمایید که در انتخاب نوبخت از بوشهر مساعدت نشود حکمت هم که جزو کاندید شهر شیراز است، از جهرم بفرمایید بشود. راجع به ضیاء الواعظین بایستی هر طور است، اقدامی بفرمایید که از انتخاب مشارالیه جلوگیری به عمل بیاید در دوره پهلوی دوم نیز برگزاری انتخابات بسته تر و فرمایشی تر از پیش تداوم یافت و حتی چند نوبت مجلس توسط شاه منحل شد. محمدرضا شاه در کتاب پاسخ به تاریخ که پس از فرار از ایران نوشته است این طور اقرار کرده است

انگلیسی‌ها این امر را کاملاً عادی و طبیعی می‌دانستند که انتخابات در ایران مطابق نظر و خواسته‌های خودشان صورت بگیرد. در زمان جنگ جهانی دوم انتخابات ایران به این صورت انجام می‌گرفت که مثلاً صبح مستشار سفارت انگلیس با لیستی حاوی هشتاد نامزد نمایندگی مجلس به دیدار نخست وزیر میرفت و بعد از ظهر همان روز کاردار سفارت شوروی نام دوازده نفر از نمایندگان مورد نظر خود را به نخست وزیر می‌داد.

اسدالله علم از افراد بسیار با نفوذ در دربار پهلوی در خاطراتش نوشته است: "دولت ما از انتخابات مجلس گرفته تا انتخابات محلی و انجمن شهر آزادی را از مردم سلب کرده و اراده خود را تحمیل و نامزدهای خود را از صندوق بیرون می‌آورد"

✓ در جمهوری اسلامی

۱. تعداد انتخابات

برگزاری ۳۶ مرتبه انتخابات در طول ۴۰ سال پس از انقلاب اسلامی نشان دهنده اهمیت و توجه

جمهوری اسلامی به آرای مردمی است.

۲. همه پرسی تأسیس جمهوری اسلامی

۳. همه پرسی قانون اساسی

۴. همه پرسی تقنینی اصل ۵۹ قانون اساسی

۵. همه پرسی مجلس خبرگان قانون اساسی

۶. همه پرسی مجلس خبرگان رهبری

۷. همه پرسی ریاست جمهوری

۸. همه پرسی مجلس شورای اسلامی؛

۹. همه پرسی شورای اسلامی شهر و روستا

• آزادی و مردم سالاری در زمان انقلاب اسلامی

انقلاب اسلامی شعار اساسی خود را بر پایه استقلال و آزادی ملت در پناه اسلام تعریف کرده است؛ بنابراین

داشتن آزادی برای هر فرد و اقلیت را از اصول و قوانین خود میداند با بررسی قانون اساسی جمهوری

اسلامی ایران به راحتی میتوان متوجه شد که در قانون جمهوری اسلامی ایران به حقوق اقلیتها در کشور

توجه شده است؛ به عنوان نمونه به این دو قانون توجه کنید:

۱. مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند اینها سبب

امتیاز نخواهد بود؛

۲. همه افراد ملت، اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند.

مجموعه آزادیها و رعایت حقوق اقلیتهای مذهبی سبب شد که جامعه جهانی آشوریان مقر این جامعه را از آمریکا به تهران منتقل کند. از دیگر نکات شایان ذکر در زمینه اصل آزادی و مردم سالاری نظام در مواجهه با کلیمیان در ایران، تشکر امام خمینی از مسئولان بیمارستان خیریه یهودی دکتر سپیر است. این بیمارستان کماکان فعال بوده و به گفته ریاست فعلی بیمارستان بخش اعظمی از مراجعان به این بیمارستان را مسلمانان تشکیل می دهند.

بر اساس اصل ۱۳ قانون اساسی درباره (کلیمیان صدور رأی در احوال شخصیه به وسیله مرجع دینی کلیمیان ایران اعلام میشود و دادگاه و قوه قضاییه بر اساس نظر مرجع دینی کلیمیان رأی نهایی را صادر می کند که این در میان همه کشورهای جهان کاملاً استثناست؛ به طوری که خاخامهای یهودی وابسته به گروه تتوریاکارتا پس از بازدید از ایران در بازگشت به آمریکا اعلام کردند: یهودیان ایران نسبت به یهودیان سایر کشورها از وضع بهتری برخوردارند.

سرانه فضای عبادی اقلیت های دینی نزدیک به دوبرابر مسلمانان است. مسیحیان بیش از ۲۵۰ کلیسا در سطح کشور در اختیار دارند و تقریباً به ازای جمعیتی کمتر از ۵۰۰، نفر یک کلیسا برای آنان وجود دارد. اماکن مذهبی اقلیت ها همچنین به طور پیوسته از سوی دولت و با هزینه عمومی ترمیم و بازسازی میشود.

از حقوق سیاسی بسیار مهم که اقلیت ها در ایران دارند حق حضور در مجلس شورای اسلامی به عنوان نماینده است این حق در اصل ۶۴ قانون اساسی به رسمیت شناخته شده است. مطابق این اصل زرتشتیان و کلیمیان هر کدام یک نماینده، مسیحیان آشوری و کلدانی مجموعاً یک نماینده و مسیحیان ارمنی جنوب و شمال نیز هر کدام یک نماینده در مجلس شورای اسلامی خواهند داشت.

یونان بت کلیا، نماینده آشوری‌ها و کلدانی‌ها در دوره هفتم و هشتم و نهم مجلس شورای اسلامی چنین گفته اند: اگر نسبت جمعیت یک دین را به نماینده هایش در نظر بگیریم باید بگویم ما چند برابر مسلمانان در مجلس نماینده داریم و داشتن این حق برای ما با ارزش است و دیدگاه نظام جمهوری اسلامی همواره در قبال اقلیت‌های دینی و مذهبی بسیار مثبت و احترام آمیز بوده و حق مشارکت ما در برنامه‌های فرهنگی اجتماعی همواره فراهم شده است....

• اقتصاد

وقتی در مورد مشکلات صحبت می‌شود باید وضعیت امروز را با گذشته، غرب و وضعیت مطلوب مقایسه کنیم.

✓ گذشته

بدیهی است که نسبت به اوایل انقلاب پیشرفت‌های زیادی داشته‌ایم؛ بنابراین به هیچ وجه نیازی به مقایسه با گذشته نیست. کسانی که پیشرفت‌های ایران را نسبت به گذشته نمی‌بینند قطعاً از سر ندانستن و جهل نیست بلکه تعمد دارند تا حقیقت را پنهان کنند.

✓ غرب

تصور و توهمی که نسبت به غرب داریم و بهشتی که از آن ساخته‌ایم، باید اصلاح شود و باید با آمارهای واقعی کشورهای غربی مواجه شویم. باید با تصاویر واقعی مواجه شویم نه تصاویر هالیوودی؛ تصاویری که هالیوود از غرب نشان می‌دهد واقعیت ندارد به عنوان مثال تعداد افراد بی‌خانمان موجود در کشورهای غربی و اروپایی را با ایران مقایسه کنید. در فیلم‌ها و اخبار نیز هزاران بی‌خانمان را در کنار خیابان‌های غرب

می‌بینید که در سرمای زمستان و گرمای تابستان هیچ پناه‌گاهی ندارند و البته خوشبختانه هیچ یک از این صحنه‌ها در ایران مشاهده نمی‌شود.

✓ وضعیت مطلوب

وضعیت قبل و غرب نسبت به آنچه برخی تصور می‌کنند، بسیار بدتر است بنابراین ایران را باید با وضعیت مطلوب خودش مقایسه کنیم.

بدیهی است که نسبت به وضعیت مطلوب عقب ماندگی داریم. مثلاً در حوزه مسائلی مانند عدالت و شکاف طبقاتی، تورم، اشتغال، تولید و... یک سری مشکلات داریم.

برای این مشکلات چند دلیل عمده را می‌توان ذکر کرد:

۱. جنگ اقتصادی

ما درگیر یک جنگ بی‌سابقه اقتصادی شده‌ایم. جنگ و تحریم اقتصادی که برای کشورهای دیگر اصلاً قابل تصور نیست و اگر این جنگ حتی علیه کشورهایی که ما را تحریم کرده‌اند رخ می‌داد. بدون شک از روی نقشه حذف می‌شدند ایران ده سال است که توسط همه کشورها در همه عرصه‌های اقتصادی تحریم شده است؛ ولی ما سرپا ایستاده‌ایم، هر چند این دشمنی‌ها مشکلاتی را برای ما به وجود آورده است. برای آنکه متوجه تأثیر تحریم و جنگ بر یک کشور غیر مقاوم بشویم کافی است به ماجرای روسیه نگاه کنیم. روسیه تنها برای مدت کوتاهی همه کشورهای اروپایی و غربی را فقط در یک کالا (گاز) تحریم کرد که آن هم تحریم صد در صدی نبود. کافی است نگاه کنیم چه اتفاقی برای‌شان افتاد؟ چه تعداد از مردم‌شان از سرما کشته شدند و چه تعداد از کشورهای غربی دچار مشکلات بزرگ شدند. اگر تصور کنید این تحریمی که

علیه ما شد علیه آنها صورت می‌گرفت تصدیق خواهید کرد که این کشورها نابود می‌شدند لذا جنگ اقتصادی و تحریم را باید دقیق درک کرده و در تحلیل‌هایمان در نظر بگیریم.

۲. شدت تحریم

حجم و شدت تحریم‌ها و جنگ اقتصادی که در ده سال گذشته علیه جمهوری اسلامی ایران صورت گرفت برای فروپاشی کل جهان کافی بود. همانطور که می‌بینید فقط به خاطر درگیری نظامی دو کشور روسیه و اوکراین یکی از فلاکت‌بارترین شرایط اقتصادی در اروپا و شرق آسیا رقم خورده است. تورم و گرانی‌های بی‌سابقه، افزایش گسترده فقر و بی‌خانمانی، ورشکستگی کارخانجات، تعدیل نیروهای گسترده و عدم توان تأمین انرژی در زمستان سخت اروپا بخشی از بحرانی است؛ که صرفاً ناشی از جنگ دو کشور دیگر و بدون آنکه تحریم گسترده‌ای بر آنها وضع گردد، تجربه می‌کنند اما کشور قدرتمند جمهوری اسلامی ایران از معدود کشورهایی که علیرغم بی‌سابقه‌ترین تحریم‌های وضع شده علیه خود علاوه بر آنکه آسیب‌چندانی از این جنگ ندید بلکه توانست با استراتژی صحیح منافع و قدرت اقتصادی خود را نیز ارتقا بخشد. اگر بنا دارید عملکرد اقتصاد ایران در جنگ اقتصادی را بسنجید، وضعیت کشورهای بحران‌دیده از جنگ اوکراین را به تصویر کشیده و تصور کنید اگر به اندازه تحریم‌های جمهوری اسلامی در حال حاضر این کشورها نیز تحریم گردند چه وضعیت ناگوار و غیرقابل‌تحملی را تجربه خواهند کرد؟!

۳. ساختارهای زمان پهلوی باقی است و اصلاح نظام اقتصادی زمان می‌برد

انقلاب اسلامی نتوانسته تمام ساختارهای زمان پهلوی را کنار بگذارد؛ مثلاً نظام کارشناسی سازمان برنامه و بودجه، وزارت، اقتصاد، بانکها و روابط و بروکراسی‌های زمان شاه هنوز باقیمانده است. این ساختارها را باید آرام آرام حذف کنیم چهل سال زمان زیادی نیست. چهل سال فقط زمان تربیت یک نسل از متخصصین است که بتوانند وجود این مشکلات را درک کنند. ما در این چهل سال تعدادی نیروی متخصص و متعهد

در حوزه‌های مختلف از جمله اقتصاد تربیت کرده‌ایم در حالی که تمدنی (غرب) که در مقابلش ایستاده‌ایم، حداقل سیصد سال سابقه دارد.

اساساً اولین و مهم‌ترین کار انقلاب اسلامی تربیت نیرویی متخصص و متعهد است. ابتدا باید نیروی متخصص تمدن ساز به مرز دانش امروز برسد. اعتقاد مقام معظم رهبری در موضوع آفرینش عملی بر این است که رسیدن به مرز دانش امروز دنیا، قدم اول و کف ماجرای تولید علم آفرینش علمی است. در حقیقت وقتی ما از آفرینش علمی صحبت میکنیم این مسئله در راستای تمدن سازی معنا پیدا میکند.

بنابراین ماجرا این است که باید دانشمندانی تربیت کنیم که تمدنی فکر کرده و مثلاً برای استفاده از ظرفیت‌ها و منابع طبیعی کشور محیط زیست را نابود نکنند. دانشمندانی که تجویزشان برای پیشرفت کشور فرایندهای غیر اسلامی و غیر عادلانه نباشد.

ما در این چهل سال می‌توانستیم برای همه مردم خانه‌هایی به سبک خانه‌های کوچک آپارتمانی و مجرد خانه‌های غربی بسازیم؛ اما امروز خوشحالیم که عده‌ای از دانشمندان اساتید و نخبگانمان به زیست شهر اسلامی فکر می‌کنند. به خانه سازی ویلایی فکر می‌کنند و معترض آپارتمان سازی هستند. این اتفاق، اتفاق خوبی است؛ این اتفاق یعنی مردم باید به داشتن خانه های ویلایی متناسب با سبک زندگی اسلامی در آینده‌ای نزدیک امیدوار باشند.

اقتصادی را که از پهلوی تحویل گرفتیم؟ اقتصادی که انقلاب اسلامی از پهلوی تحویل گرفت، اقتصاد یک کشور سی میلیون نفری با فروش نفتی بیش از فروش نفت امروز بود و البته امروز به هشتاد و پنج میلیون نفر با درآمدهای نفتی بسیار کمتر از آن موقع رسیده‌ایم. اقتصادی که تحویل گرفتیم اقتصادی بود که چهل و چهار سال است در حال ساختن آن هستیم و محرومیت زدایی می‌کنیم. تمام این سال‌ها را، بسیج، اردوهای جهادی، سپاه، ارتش، کمیته امداد بهزیستی بنیاد مستضعفان و ستاد اجرایی امام، مدرسه، مسجد، خانه،

سرویس بهداشتی خانه بهداشت و... می سازند، اما هنوز آن محرومیت تمام نشده است. یک چنین اقتصادی را ما تحویل گرفتیم و به چنین جایگاهی رسیده‌ایم که مردم در مورد برخی از محرومیت‌ها و مشکلات اساساً حرفی نمی‌زنند. دیگر کسی از خان و ارباب و رعیت حرف نمی‌زند. دیگر کسی از زندگی چند خانواده در یک خانه سخن نمی‌گوید. دیگر کسی از حلبی آباد و مرگ ناشی از گرسنگی و فقر و بیماری‌های ساده سخن نمی‌گوید. قطعاً تمام مشکلات رفع نشده است و هنوز بخش کوچکی از جامعه مشکلاتی دارند که باید به سرعت رفع شود اما وضعیت امروز مطلقاً قابل مقایسه با قبل از انقلاب نیست.

۴. ناکارآمدی شاخصه‌های جهانی برای توصیف واقعیت اقتصاد ایران

طبق آخرین شاخصی که صندوق بین‌المللی پول از اقتصاد ایران منتشر کرده، ایران را رتبه چهاردهمین اقتصاد دنیا معرفی می‌کند

در شاخص‌های اقتصادی چه مواردی را می‌سنجند؟ آیا رتبه برتر داشتن در این شاخص‌ها خوب است؟ در این شاخص‌ها، کشورها بر سر چه مواردی با هم رقابت می‌کنند؟

مثلاً شاخص‌های اقتصادی برای بیان روایت واقعیت اقتصاد ایران ناکارآمد هستند. اینکه شما پدر و مادر پیرتان را روی چشم‌هایتان نگه دارید و به بهترین نحو ممکن در از آنها مراقبت کنید، در اقتصاد دیده نمی‌شود اما در صورتی که آنها را به خانه سالمندان بفرستید در اقتصاد ثبت می‌شود (در شاخص GDP). اگر فرزندان را به بهترین نحو ممکن تربیت کنید ارزش اقتصادی تولید نکرده‌اید؛ اما اگر آنها را به مهدکودک بفرستید هزینه‌ای که کرده‌اید به عدد تولید ناخالص داخلی اضافه می‌شود؛ اگر مادر غذا را خانه با بالاترین کیفیت ممکن بپزد یک رفتار اقتصادی انجام نداده است. اما اگر همان زن به رستوران برود و در آنجا غذا بپزد رفتارش اقتصادی است و در اقتصاد ثبت می‌شود؛ اگر در سفر اربعین بهترین هتلینگ دنیا را در موب‌های عراقی و ایرانی تجربه کنید در اقتصاد به حساب نمی‌آید اما اگر یک شب در هتل اسکان پیدا

کنید در آمار گردشگری و توریسم محاسبه می شود. اگر فرهنگ و خانواده و روابط اجتماعی و ... را حفظ کنید اقتصادتان کوچک می ماند ولی اگر آنها را بفروشید و نابود شوند تازه وارد بازی اقتصاد (از نگاه جهان) شده اید و به حساب می آید.

۵. تفاوت اقتصاد ما با اقتصاد دنیا!

اقتصادمان اقتصادی نیست که جنسش شبیه بقیه دنیا باشد؛ مثلاً در آمریکا ۲۷۰ میلیارد دلار سالانه هزینه مشروبات الکلی می شود حدود (ده برابر بودجه سالانه جمهوری اسلامی) حدود ۲۷ میلیارد دلار هزینه دیسکو شبانه می شود (حدود یک سال بودجه جمهوری اسلامی) این عدد در انگلیس ۳۶ میلیارد پوند است و حدود ۴۶۰ هزار اشتغال برایش ثبت می شود. در آمار صادرات و واردات یک کشور، اگر تن فروش آمریکایی به یک توریست خارجی در خاک آمریکا خدمات جنسی ارائه بدهد، این در آمار صادرات آمریکا ثبت می شود و اگر تن فروش خارجی باشد و به یک آمریکایی در خاک آمریکا سرویس جنسی ارائه دهد در آمار واردات آمریکا ثبت خواهد شد. معیارهای ایران اصلاً با این کشورها قابل مقایسه نیست. در کشور ما انسانیت است که حرف اول را می زند و ما هیچگاه نمی خواهیم اقتصادمان در این شاخص ها برتر باشد و یا اصلاً با اقتصاد این کشورها مقایسه گردد.

۶. عدم رفاه یا توهم و احساس عدم رفاه؟

لازم است که راجع به محرومیت و فقر مقایسه ای با گذشته انجام شود. بخشی از مقایسه ای که در اینجا انجام می دهیم از جنس آمار و ارقام نیست؛ بلکه از جنس رجوع به وجدان است. در گذشته و قبل از انقلاب خانه هایی وجود داشت که در آن چند خانواده زندگی می کردند وقتی این را به مردم می گوئیم تصدیق می کنند و می گویند عمو، پسرعموها، پدرم و ... همه در یک خانه زندگی می کردند.

در زمان شاه خانه‌ای که با کاه‌گل درست می‌شد و هزینه‌ای نداشت را نیز مردم نمی‌توانستند بسازند. ولی در حال حاضر یکی از بیش‌ترین نرخ‌های مالکیت مسکن در دنیا را داریم و خوش‌بختانه کارتن خواب و چادرخواب نداریم و نمی‌شنویم که چند میلیون کودک بی‌خانمان باشند و در کنار خیابان نمی‌بینیم که صدها و هزاران نفر از سرما بمیرند؛ در حالی که از این گونه موارد به راحتی در غرب مشاهده می‌شود. در گذشته، ما نیز شاهد این گونه موارد بوده‌ایم و حلبی آباد و کوخ نشین به معنای واقعی داشته‌ایم.

مردم انتظار به جایی دارند که همه می‌خواهند در ایران صاحب مسکن شوند. در ایران نه تنها باید همه خانواده‌ها صاحب خانه باشند بلکه باید بیش از یک مسکن نیز داشته باشند برای سفرهایی که می‌روند برای مسافرینی که از کشورهای مختلف می‌آیند مثل مسلمانان کشورهای مختلف و....

هر یک از ما باید بتوانیم خانه‌ای را در اختیار مسافرین کشورهای مختلف قرار بدهیم؛ هم به لحاظ همیاری و یاریگری و کمک به هم‌وطنان و هم از جنبه کار اقتصادی! یعنی باید بتوانیم افرادی که وارد ایران می‌شوند را پذیرایی کنیم. صنعت توریسم ما می‌تواند اینگونه از طریق مردم کسب درآمد بشود.

محرومیت‌زدایی هم در ایران عجیب بوده است و با کشورهای دیگر قابل مقایسه نیست. اتفاقی که در زمینه محرومیت‌زدایی در ایران و در شرایط جنگ و تحریم افتاده است در کشورهای دیگر در ۲۰۰ الی ۳۰۰ سال نیفتاده. در صورتی که آنها در شرایط جنگی و تحریم هم نبوده‌اند و حتی برای رسیدن به این موقعیت بسیاری از ارزش‌هایشان، استقلال و فرهنگ و غیرت و دین و... را فروخته‌اند و حتی دست به غارت و استعمار و استثمار و... زده‌اند.

اما در مسئله شاخص‌های اقتصادی باید دقت کنیم مثلاً در شاخص تعداد سفر خارجی! وقتی سفر بین شهری می‌رویم اگر این سفر به کیلومتر حساب شود برای کشورهای اروپایی سفر خارجی به حساب می‌آید بلکه بعضی از سفرهای ما برای آنها سفر بین قاره‌ای حساب می‌شود. یعنی هرکس از ایلام به مشهد

مسافرت کند، سفر بین قاره‌ای کرده است. اگر در اروپا چنین سفری را بخواهید بروید، از اروپا خارج خواهید شد؛ ولی در اینجا یک سفر داخلی به حساب می‌آید. بنابراین هنگام مقایسه باید دقت کنیم چه چیزی را با چه چیزی و با کدام شاخص مقایسه می‌کنیم.

نتیجه مقایسه‌های غلط چیزی نخواهد بود به جز احساس عدم رفاه در ایران. کاری که رسانه‌ها با ذهن مردم ایران می‌کنند مقایسه‌های مغالطه‌آمیز و غلطی است که باعث می‌شود مردم احساس کنند نسبت به کشورهای دیگر دنیا بسیار عقب مانده‌تر هستند در صورتی که مطلقاً اینگونه نیست.

۷. مبارزه مستمر با فقر

در ۳۰ سال گذشته، در نتیجه سیاست‌های اقتصادی دنیای نئولیبرال، درصد فقر مطلق در ۵۵٪ از جمعیت دنیا افزایش یافته در ۳۳٪ از جمعیت دنیا تقریباً ثابت و تنها در ۱۲٪ از جمعیت دنیا کاهش یافته است ایران اسلامی در این بازه زمانی از کشورهایی است که بیشترین کاهش را در آمارهای مختلف مربوط به فقر از جمله فقر مطلق و نیز درصد جمعیت زیر خط فقر تجربه کرده است. براساس آمار بانک جهانی، قدرت خرید سرانه مردم ایران (PPP) از سال ۱۳۶۹ تا ۱۳۹۵ از ۱۱ هزار دلار به ۱۹ هزار دلار افزایش داشته است. براساس آمار سازمان سیا، ایران در میان کشورهای منطقه بهترین وضعیت را از نظر درصد جمعیت زیر خط فقر داراست و در این شاخص در گروه کشورهای چون آلمان، فرانسه، روسیه، آمریکا، کانادا و برتر از کشورهای چون ایتالیا، اسپانیا، اوکراین هند و ترکیه است.

۸. دولت انقلابی و تورم؟!!

ما به این دولت رأی ندادیم که مشکلات اقتصادی و تورم رو دوباره تجربه کنیم این چه وضع تورمه؟! چرا سفره‌های ما روزبه روز کوچک‌تر میشه؟ مگه دولت جدید مخالف دولت قبلی نیست؟ پس چرا این همه تورم و گرونی ادامه داره؟!!

مردم می‌گویند: «به این دولت رأی ندادیم که مشکلات اقتصادی و تورم را تجربه کنیم. این چه وضع تورم است؟ وقتی این قبیل مسائل و مشکلات را می‌بینید، تعجب می‌کنید و به دنبال پاسخ این سؤال هستید که چرا در دوران ریا ست جمهوری آقای رئیسی، این اتفاقات همچنان پابرجا ست؟! فرض کنید شما به جای آقای رئیسی باشید، مشکلات اقتصادی را چگونه حل می‌کنید؟ تنها پاسخی که مردم به این سؤال می‌دهند این است که به سراغ اقتصاددان می‌رویم، بلکه آقای رئیسی نیز به سراغ اقتصاددان‌ها رفته است. این گفته اقتصاددان‌ها ست که نان و بنزین و... باید گران شود، ارز ترجیحی و یارانه‌ها باید حذف شود و ستمزدها متناسب با تورم بالا نرود و صدها حرف دیگر که آقای رئیسی به برخی از این راهکارهای کارشناسان و متخصصان عمل کرده است.

برخی فکر می‌کنند که اقتصاددان‌ها می‌گویند دلار باید ده هزار تومان شود. خیر بلکه آنها مدعی هستند که دلار باید ۵۰، ۶۰ و یا ۷۰ تومان باشد. مردم می‌گویند اما با بالا رفتن دلار زندگی‌ها بدتر و سفره‌ها کوچک‌تر می‌شود و حرف‌شان هم درست است. نکته این است که بدنه کارشناسی دولت به این راحتی قابل تغییر نیست؛ دولت نمی‌تواند فلان دانشگاه یا دانشکده اقتصادی را تعطیل کند.

۹. وضعیت مسکن

کشورهای مطرحی مثل، آلمان فرانسه، پرتغال، دانمارک، سوئد و .. در بازه بین ۵۰ تا سقف ۷۷ درصد هستند که اکثر آنها در سنین بالا و بعد از بازنشستگی بعد از رفتن به سراغ شغل دوم و ... صاحب خانه میشوند! این عدد در آسیای شرقی نیز قابل بررسی است. برای مثال کشور ژاپن، در شاخص مالکیت مسکن ۶۱ درصد مردم را پوشش داده است نسبت مالکیت مسکن در جمهوری اسلامی طبق آخرین آمار سرشماری مرکز ملی آمار در سال ۱۴۰۰، ۷۷ درصد می‌باشد.

پرتغال_ ۱۰ میلیون نفر، ۷۷,۳٪

اسپانیا_۴۷ میلیون نفر، ۷۵٫۱٪

اسلوونی_۲ میلیون نفر، ۷۴٫۶٪

یونان_۱۰ میلیون نفر، ۷۴٫۶٪

بلژیک_۱۱ میلیون نفر، ۷۱٫۱٪

فنلاند_۶ میلیون نفر، ۷۰٫۷٪

هلند_۱۷ میلیون نفر ۶۹٫۱٪

قبرس_۱ میلیون نفر، ۶۸٫۶٪

لوکزامبورگ_۶۰۰ هزار نفر، ۶۸٫۴٪

سوئد_۱۰ میلیون نفر، ۶۴٫۵٪

فرانسه_۶۶ میلیون نفر، ۶۴٫۰٪

دانمارک_۵ میلیون نفر، ۵۹٫۳٪

اتریش_۹ میلیون نفر، ۵۵٫۳٪

آلمان_۸۴ میلیون نفر، ۵۰٫۴٪

۱۰. بد مسکنی

شاخص بعدی کیفیت مسکن مورد استفاده توسط افراد است. یکی از عوامل مهم تعیین کننده کیفیت مسکن،

میانگین متراژ مسکن می باشد. عموماً در کشورهای غربی میانگین متراژ مسکن بسیار پایین و بین ۲۵ تا ۶۰

متر متغیر است. برای مثال کشور انگلستان بنابر دو شاخص رسمی متفاوت میانگینی بین ۲۵ تا ۴۴ متر مربع را برای مساحت مسکن مورد استفاده مردم معرفی می‌نماید.

متأسفانه وضعیت نامناسب اقتصادی در غرب باعث گردیده است بدمسکنی رواج گسترده داشته و مسکن‌های ۵ متری کانکسی فلت‌های اسکان، خانه‌های چرخی، خانه‌های مشترک و... نیز رواج پیدا کند. اما طبق آخرین آمار منتشر شده رسمی توسط مرکز ملی آمار در سال ۱۴۰۰، میانگین متراژ مسکن در ایران حدود ۱۶۰ متر بوده و ۹۰ درصد واحدهای مسکونی در ایران بیش از ۵۰ متر و ۷۰ درصد واحدهای مسکونی ایران بیش از ۷۵ متر مساحت دارند.

۱۱. جریان نفوذ

جریان نفوذ، همان جریان تربیت شدگان شرق و غرب است که امام خمینی دستان‌شان را بالا می‌گرفتند و التماس می‌کردند که ما را از دست اینها نجات بدهید. البته به علت ساختار مردم سالاری در ایران باعث شده است که گاهی اوقات انتخاب افراد غرب زده توسط خود مردم نیز در تشدید این مشکلات نقش داشته باشد. اما اگر بخواهیم با دقت به ریشه مشکلات نگاه کنیم نه به اسلام بر می‌گردد نه به انقلاب و نه به مردم. ریشه مشکلات در اندیشه‌ها و تفکرات معتقدان و مؤمنین به ساختار سرمایه داری است. لیبرال‌هایی که حضرت امام خمینی‌ها به مقابله با آنان پرداخته و این‌گونه از آنها شکایت می‌کنند.

«من امروز بعد از ده سال از پیروزی انقلاب اسلامی همچون گذشته اعتراف می‌کنم که بعضی تصمیمات اول انقلاب در سپردن پست‌ها و امور مهم کشور به گروهی که عقیده خالص و واقعی به اسلام ناب محمدی نداشته‌اند، اشتباهی بوده است که تلخی آثار آن به راحتی از میان نمی‌رود. گرچه در آن موقع هم من شخصاً مایل به روی کار آمدن آنان نبودم ولی با صلاح دید و تأیید دوستان قبول نمودم و سخت معتقدم که آنان به چیزی کمتر از انحراف انقلاب از تمامی اصولش و هر حرکت به سوی آمریکای جهان خوار قناعت

نمی‌کنند در حالی که در کارهای دیگر الآن هم نیز جز حرف و ادعا هنری ندارند امروز هیچ تأسفی نمی‌خوریم که آنان در کنار ما نیستند چراکه از اول هم نبوده‌اند. انقلاب به هیچ گروهی بدهکاری ندارد و ما هنوز هم چوب اعتمادهای فراوان خود را به گروه‌ها و لیبرال‌ها می‌خوریم، آغوش کشور و انقلاب همیشه برای پذیرفتن همه کسانی که قصد خدمت و آهنگ مراجعت داشته و دارند گشوده است ولی نه به قیمت طلبکاری آنان از همه اصول، که چرا مرگ بر آمریکا گفتید! چرا جنگ کردید! چرا نسبت به منافقین و ضد انقلابیون حکم خدا را جاری می‌کنید؟ چرا شعار نه شرقی و نه غربی داده‌اید؟ چرا لانه جاسوسی را اشغال کرده‌ایم! و صدها چرای دیگر و نکته مهم در این رابطه اینکه نباید تحت تأثیر ترحم‌های بیجا و بی‌مورد نسبت به دشمنان خدا و مخالفین و متخلفین نظام، به گونه‌ای تبلیغ کنیم که احکام خدا و حدود الهی زیر سؤال بروند. من بعض از این موارد را نه تنها به سود کشور نمی‌دانم که معتقدم دشمنان از آن بهره می‌برند، من به آنهایی که دست شان به رادیو تلویزیون و مطبوعات می‌رسد و چه بسا حرف‌های دیگران را می‌زنند صریحاً اعلام می‌کنم تا من هستم نخواهم گذاشت حکومت به دست لیبرال‌ها بیفتد. تا من هستم نخواهم گذاشت منافقین اسلام این مردم بی‌پناه را از بین ببرند. تا من هستم از اصول نه شرقی و نه غربی عدول نخواهم کرد، تا من هستم دست‌آیادی آمریکا و شوروی را در تمام زمینه‌ها کوتاه می‌کنم و اطمینان کامل دارم که تمامی مردم در اصول همچون گذشته پشتیبان نظام و انقلاب اسلامی خود هستند....»

۱۲. بچه‌های شیکاگو

شاید برسید چه کسانی در ایران نظریات اقتصاد سرمایه داری را طرح کرده، تبدیل به سیاست و در نهایت اجرا می‌کنند؟ اگر در قانون اساسی و در کلام رهبران و بزرگان جمهوری اسلامی ایران از اقتصاد اسلامی و اقتصاد مقاومتی بحث می‌شود پس چرا در ادبیات بسیاری از استادان اقتصاد کشور هیچ نشانه‌ای از این مباحث نمی‌بینیم؟ برای هیچ کس در ایران شکی نیست که ما در دهه گذشته درگیر یک جنگ تمام عیار

اقتصادی بودیم یکی از نکات مهمی که در جنگ اقتصادی باید در نظر بگیریم بحث نفوذ اقتصادی در دستگاه تصمیم سازی و تصمیم گیری است که از طریق مجرای علمی و دانشگاهی وارد این عرصه می شود. مقام معظم رهبری در سالهای ۹۴ و ۹۵ مکرراً در مورد نفوذ علمی هشدار دادند.

مقام معظم رهبری: الان هم شروع کرده اند و برنامه ریزی کرده اند برای نفوذ؛ انواع و اقسام طرق را - من محاسبه می کردم با خودم دیدم شاید حدود ده راه مهم را برای نفوذ در کشور پیدا کرده اند و دارند عمل می کنند؛ همین حالا دارند عمل می کنند. یکی اش راه علمی است؛ از طریق ارتباط با دانشگاه ها ارتباط با دانشمندان، ارتباط با استاد ارتباط با دانشجو - کنفرانس های به ظاهر - علمی [ولی] در باطن برای نفوذ افراد امنیتی را اینجا می فرستند؛ این یکی از راه ها [است]. یکی از راه ها راه های فرهنگی و هنری است. مأمور مستقیم دستگاه های امنیتی را به عنوان یک فرد صاحب هنر، برای فرض کنید جشنواره موسیقی معین می کنند که بفرستند؛ که البته خوشبختانه وزارت اطلاعات فهمید زودتر جلوی اش را گرفت یعنی به عنوان حضور در یک جشنواره هنری - مثلاً جشنواره موسیقی کسی را انتخاب می کنند که این آدم، صدر صد سیاسی و امنیتی است؛ به عنوان فرد هنری اینجا می فرستند. خب، برای چه می فرستند؟ نفوذ اقتصادی یکی از راه های دیگر است انواع و اقسام گوناگون، راه های نفوذ دارند؛ ما بایستی مراقب باشیم، باید مواظب باشیم.»

یکی از کشورهایی که نفوذ علمی را تجربه کرده و زمین خورده است ماجرای مقابله اقتصادی آمریکا و کشورهای آمریکای لاتین است که معروف ترین آنها ماجرای شیلی بود که آمریکا با تربیت اقتصاددانانی تحت عنوان پسران شیکاگو اقتصاد شیلی را زمین زد و فاجعه شکاف طبقاتی و بی عدالتی در شیلی را رقم زد ما هم باید به دنبال بچه های شیکاگوی اقتصاد ایران باشیم. باید ببینیم آن سیاست های اقتصادی که برآمده از گفتمان اقتصادی انقلاب اسلامی نیست از کجا می آید. توسط چه کسانی تئوریزه و تجویز می شود باید

بدانیم کدام اقتصاددانان پشت پرده گران کردن بنزین در آبان ۹۸ بودند. همچنین است سایر سیاست‌های اقتصادی ناکارآمد و مبتنی بر ارزش‌های لیبرال سرمایه داری. باید مراقب دستگاه تصمیم گیری، تصمیم‌سازی و نفوذ علمی در محیط‌های حوزوی و دانشگاهی مان باشیم تا از مجرای نفوذ علمی ضربه نخوریم.

۱۳. استفاده نکردن از ظرفیت‌ها

ما رتبه اول عدم استفاده از ظرفیت‌هایمان را در دنیا داریم، یعنی هنوز از ظرفیت‌هایمان استفاده نکرده‌ایم.

عدم استفاده از ظرفیت‌ها دو دلیل دارد:

یکی از دلایل عدم استفاده از ظرفیت‌ها ضعف است. به عبارت دیگر ما از ظرفیت‌ها و منابع کشورمان یک جاهایی باید استفاده می‌کردیم ولی نکردیم. مسئولین و کارشناسان و ساختارها و قوانین دست و پاگیر و... اجازه استفاده نداده‌اند.

اما به نظر می‌آید که مهم‌ترین دلیل عدم استفاده از ظرفیت‌ها منطق انقلاب اسلامی است که توسعه به سبک غربی را نپذیرفته است. در حقیقت ما نمی‌خواهیم با نابودی محیط زیست توسعه پیدا کنیم. نمی‌خواهیم یک عده زیر چرخ‌های توسعه له شوند. نمی‌خواهیم تولید ناخالص داخلی (GDP) کشورمان از این طریق بالا برود. بلکه می‌خواهیم عادلانه پیشرفت کنیم تمدن بسازیم اما برای ساخت تمدن و پیشرفت عادلانه، به دانش نیاز داریم و هنوز دانش تمدنی استفاده از ظرفیت‌هایمان را نداریم.

بخش ششم : غفلت از جنگ شناختی

با پیروزی انقلاب اسلامی دشمنان ما احساس خطر کردند و دست به یک حمله‌ی همه جانبه و جنگ ترکیبی علیه ملت ما زدند و هرچه ما بیشتر پیش رفتیم فشار این دشمنی‌ها هم بیشتر شد یکی از مهم‌ترین مولفه‌های جنگ ترکیبی جنگ شناختی هست که در این شکل از نبرد دشمن سعی می‌کند طرز فکر شما را تغییر دهد. طوری که بدون این که او در قضایای مختلف جامعه به صورت مستقیم ورود کند کاری کند که شما خودتان همان حرفی را بزنید که او می‌خواهد و همان طور عمل کنید که به نفع دشمن است برای این کار ابزارهای مختلفی را هم به کار می‌گیرند که از جمله مهم‌ترین آنها فضای مجازی، سینما و هنر و شبکه‌های ماهواره‌ای می‌باشد. به عنوان مثال در بخش ماهواره‌ای در کل جهان ۳۰۰ ماهواره تلوزیونی فعال است که از این تعداد ۱۱۶ ماهواره ایران را پوشش می‌دهد! و هم اکنون بیش از ۱۶۰ کانال فارسی زبان به صورت رایگان در دسترس ایرانیان است این در حالی است که مردم کشور خودشان برای تماشای تلوزیون باید پول بپردازند!

به عنوان مثال در امریکا تنها چهار شبکه‌ی تلوزیونی اچ بی یو / سی اسپن / سینمکس / شوتایم رایگان هستند و شما برای تماشای مابقی شبکه‌های تلوزیونی باید هزینه‌ی اشتراک بپردازید.

در کشورهای اروپایی هم وضع به همین شکل است به عنوان مثال در کشور سوئیس پرداخت هزینه‌ی اشتراک برای تمامی نشانی‌های ثبت شده در شهرداری اجباری است و هر خانوار موظف است ۴۸۰ یورو در سال بپردازد!

در انگلیس تنها افراد بالای ۷۵ سال از پرداخت این مبلغ معاف هستند و افراد زیر ۷۵ سال سالانه ۱۷۲ یورو برای این حق اشتراک پرداخت می‌کنند.

در فنلاند هر خانوار ۶۵٪ از درآمد ماهانه‌ی خود را باید بپردازد.

در اسپانیا هر خانوار متناسب با مالیاتی که میپردازد حق اشتراک تلویزیون او محاسبه می‌شود و به طور متوسط

۳۸,۹ یورو

ارزان‌ترین حق اشتراک تلویزیون در اروپا اختصاص به یونان دارد با پرداخت ماهانه ۳ یورو. حق اشتراک

برخی کشورهای دیگر هم ماهانه به شرح ذیل است:

دانمارک ۲۹,۵۸ یورو

نروژ ۲۵,۸۰ یورو

سوئد ۲۰,۳۷ یورو

اما ماهواره‌هایی که در فضای ایران فعالند، امکان دریافت حدود ۱۸ هزار شبکه تلویزیونی را فراهم کرده‌اند و از این تعداد حدود ۲ هزار شبکه را با دیش‌های معمولی می‌توان با کیفیت بالا دریافت کرد.

بررسی‌ها نشان می‌دهد، در بین این شبکه‌ها، ۳۸۰ کانال به صورت شبانه روز در حال پخش موسیقی، کلیپ، رقص، آهنگ‌های درخواستی و کنسرت هستند. حدود هزار و ۲۰۰ شبکه در خلال برنامه‌های خود، کلیپ‌ها و شوهای موزیکال پخش می‌کنند. حدود ۸۰ شبکه به نمایش مد و لباس اختصاص دارند.

در یک تحلیل محتوایی، عمده آنچه این شبکه‌ها پخش می‌کنند و روی مخاطب اثر می‌گذارند، با سنت و فرهنگ اسلامی- ایرانی در تضاد بوده و آثار بسیار مخرب روحی و روانی دارند. شبکه‌های فارسی‌زبان در ابتدای راه‌اندازی، بیشتر موضوعات سیاسی را دنبال می‌کردند، لکن هم‌اکنون وارد حوزه فرهنگ شده، تغییر و تحولات فرهنگی را به صورت هدفمند در ایران دنبال می‌کنند. برخی از این شبکه‌ها مانند BBC فارسی،

VOA، من و تو و فارسی وان، در میان مخاطبین شهرت بیشتری یافته و توانسته‌اند بخشی از جامعه ایرانی را تحت تأثیر خود قرار دهند.

در میان این شبکه‌ها، شبکه فارسی شبکه فارسی وان بیشتر از دیگر شبکه‌ها، کانون خانواده را مورد توجه قرار داده است.

✓ تیپ سایبری آمریکا، سیا، انگلیس، عربستان، آلبانی و خودی‌های غافل و بعضاً معاند

در بخش فضای مجازی هم با تشکیل یگان‌های عملیات سایبری در حال جعل اخبار جعلی و فعالیت در این زمینه هستند تا فضا را برای مردم مسموم کنند به عنوان مثال:

۱. در عربستان یک لشکر سایبری به دستور ترامپ ایجاد شده که برای مثال در جریان اغتشاشات عراق بررسی‌ها نشان داده بالای ۷۰٪ توئیت‌های ارسال شده با هشتک اعتراضات از سوی همین یگان بوده

۲. یگان سایبری ۸۲۰۰ اسرائیل با صدها نیرو یک یگان جاسوسی و عملیاتی است جدای از شنود و جاسوسی و بسیاری از اکانت‌های فضای مجازی که در جهان مشغول به شبهه پراکنه و تفرقه‌زایی هستند مربوط به این یگان می‌شود.

۳. لشکر سایبری منافقین در آلبانی که توسط پلیس آلبانی منحل شد شامل بیش از ۱۵۰۰ نیروی آموزش دیده بود که به صورت شباه روزی و شیفتی کار می‌کردند.

- ۱۶۸۰۰۰ سایت در موضوع تحریف بر علیه ایران

- ۱۸۶ برابر میانگین جهانی از جهت رسیدن اخبار منفی به مردم